

تصویر ابو عبد الرحمن الکوردی

پند و اندرز قرآن

از دیدگاه اهل سنت

منتدی اقرأ الثقافی

WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM



لله أكبر

نویسنده: علی اکبر خازنه

پۆدایەزانەکانی چۆرمەها کتێب: سەردانی: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

لتسبيل أنواع الكتب راجع: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

پەراي دانلود کتایبەکانی مەختەلف مەراجە: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

www.lqra.ahlamontada.com



www.lqra.ahlamontada.com

للكتب (کوردی ، عربی ، فارسی)

پند و اندرز در قرآن

از دیدگاه اهل سنت

نویسنده: علی اکبر خازه

سرشناسه : خازه، علی اکبر، ۱۳۱۸.
 عنوان و پدیدآور : پند و اندرز در قرآن / علی اکبر خازه
 مشخصات نشر : سندج: علی اکبر خازه، ۱۳۸۶
 مشخصات ظاهری : ۱۹۱ ص.
 شابک : ۸۱۲۷-۱-۶۰-۴۶۹-۸۷۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت کلی : فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا
 موضوع : قرآن - تحقیق.
 رده بندی کنگره : ۹ ب ۱۷ خ / ۳ / ۵۶ BP
 رده بندی دیویی : ۱۵ / ۳۹۷
 شماره کتابخانه ملی : ۸۴ - ۳۶۳۸۹ م

مشخصات کتاب

نام	: پند و اندرز در قرآن
نویسنده	: علی اکبر خازه
ناشر	: مؤلف
حروفچینی	: توحید «سندج»
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
چاپخانه	: چاپ معلم
نوبت چاپ	: چاپ دوم ۱۳۸۷
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۶ - ۷۲۱۸ - ۱

ISBN:978-964-06-7218-1

: ۲۰۰۰ تومان

قیمت

اهدائی:

این سعی و کوشش اندک را به آموزگاران، دانش
آموختگان قرآن کریم و عموم کسانی که برای جلوه دادن
رخسار زیبا و دلنشین دین مبین اسلام در تلاشند تقدیم
می دارم. امید است، آسمانی بدور از هر گونه آلودگی و پر
از پرنده های زیبا و خوش نوی و سرزمینی آباد، انباشته از
خیر و برکت و صلح و صفا و صمیمیت داشته باشیم...

«علی اکبر خازنه»



خداوند بزرگ در سوره بقره آیه «۱۸۶» فرموده است:

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ)

در این آیه خداوند مهربان متعهد شده است که به دعا و درخواستهای بندگان خود پاسخ مثبت دهد و در مقابل، آنان را ملزم نموده است که برای پیمودن راه هدایت تنها از خود او پیروی و درخواست مدد و یاری کنند.

لیکن خداوند حکیم به حکم علم ازلی خویش می‌داند که علم و آگاهی انسان برای رسیدن به این هدف محدود است. بنابراین وسایلی گوناگون در اختیارش قرار داده و از جمله این دعا و نیایش‌ها است که بواسطه آنها نیازمندیهای خود را به درگاه پروردگار خویش عرضه می‌دارد. پس هدف و مراد از نگارش این کتاب انتخاب آیه‌های است که انسانهای مؤمن جهت رهائی از گرفتاریهای خود از آنها استفاده می‌کنند.

همانطور که قبلاً اشاره شد علم و آگاهی انسان در حدی نیست که بداند، در پشت پرده چه می‌گذرد، بنابراین ممکن است در بعضی موارد برخی از دعا و درخواستهای او از جانب خداوند

بزرگ مورد پذیرش قرار نگیرند حتی اگر دعاگویان و دعوت کننده گان از پیغمبران و دوستان خدا هم باشند.

لذا جهت روشتر شدن این مسأله، دعا و درخواستها را به دو بخش تقسیم می کنیم: ۱- دعا و درخواستهایی که از جانب خدای توانا پذیرفته شده است و پذیرفته خواهد شد. ۲- دعا و درخواستهایی که پذیرفته نشده است و پذیرفته نخواهد شد.

اگر این موضوع را از طریق قرآن کریم مورد مطالعه قرار دهیم برای ما ثابت خواهد شد که این کتاب آسمانی به همه پرسشهای انسان پاسخ داده و هیچ معمانی را بدون حل باقی نگذاشته است.

پس در بخش نخست به دعا و درخواستهایی می پردازیم که در گذشته از جانب خداوند رحیم مورد پذیرش قرار گرفته است و در آینده نیز قرار خواهد گرفت.

همانطور که روایت شده است، هنگامی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جهت تبلیغ برای دین مبین اسلام به شهر طایف تشریف برده بودند، مشرکان و کافران آن دیار آنقدر نسبت به ایشان توهین کرده و آسیب می رسانند که حضرت رسول از دست آنها به ستوه می آید و در نتیجه آن متأثر و غم زده، در سایه دیواری قرار می گیرند، سپس لب را به دعا و تضرع گشوده و می فرماید: پروردگارا، ای پرورش دهنده همه جهانیان من از آن بیم دارم که ذات مبارک شما از من راضی نباشد، در غیر این صورت من حاضرم به خاطر اعلای کلمه تو تحمل بیشتری را داشته باشم

لیکن خداوند، من در محیطی امن تر و آرام تر می توانم تو را بهتر پرستش کنم.

و در نتیجه آن خداوند رحیم دعاء و درخواست حضرت رسول اکرم ﷺ را می پذیرد و به زمین و دریا و کوهها فرمان می دهد: که به یاری او بشتابند.

و در سوره (الأنبياء) آیه «۷۶» خداوند مهربان فرموده است: و نوح مرا ندا کرد و گفت: پروردگارا، مرا دریاب و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان و ماهم دعای ایشانرا پذیرفتم و او و خاندان و پیروانش را از غم و اندوه وحشتناک رهانیدیم، و در آیه «۸۳» و ایوب را نیز نجات دادیم و دعای ایشان را پذیرفته و بیماری وی را برطرف ساختیم و در آیه «۸۷» و یونس را که در تاریکی دریا و شکم نهنگ فریاد برآورد که (کریم و رحیم) پروردگاری جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من از جمله ستمکاران شده ام پس (مرا دریاب) و ما دعای ایشان را پذیرفتم و او را از غم و اندوه نجات دادیم.

آری آنچه بیان گردید قطره ای است از دریای بیکران دعاها و درخواستهای بندگان که از جانب خداوند حکیم پذیرفته شده است. اما آنچه که در زیر آمده است گزیده ای از درخواستها و دعاهایی است که رد شده و مورد پذیرش قرار نگرفته است. حضرت رسول اکرم در یکی از سخنان خود فرموده است. در جهان آخرت آنگاه که من در کنار حوض کوثر می نشینم عده ای را که چهره آنها بسیار

تابناک و نورانی است از کنار من عبور می دهند و هنگامی که آنان را می بینم، می پندارم از افراد باوفای امت من و از بندگان مؤمن خدای مهربان هستند، بنابراین از جا برخاسته و به آنان می گویم بیاید از این آب خنک، زلال و گوارا میل کنید. ولی مأمورانی که همراه آنها هستند با درخواست من موافقت نمی کنند و می گویند: ای پیامبر تو نمی دانی، پس از رحلت شما اینان دست به چه کارهایی خلاف دستورات شما زده اند. حضرت رسول اضافه می کند، پس از شنیدن این خبر، من فوراً از مطرح کردن چنین درخواستی پشیمان شده و می گویم: زنهار از دست این چنین آدمهایی، آنها را از من دور کنید.

و در سوره (توبه) آیه «۸۰» خداوند خطاب به حضرت پیغمبر می فرماید: ای رسول ما، چه شما برای منافقین طلب آمرزش کنی، چه نکنی فرقی ندارد و حتی اگر هفتاد بار برای آنان هم طلب آمرزش کنی هرگز خداوند آنان را نمی آمرزد و آن بدان خاطر است که آنها به خدا و پیغمبر او ایمان ندارند. و در سوره (هود) آیه «۴۵» گفته شده است: نوح پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: پروردگارا پسرم کنعان که امواج سیلاب او را فرو بلعیده است از خاندان من است، پروردگارا لطف و مرحمتی در حق ما بفرما و پسرم را از غرق شدن نجات ده که تو داورترین داوران و دادگرترین دادگرانی.

خداوند در جواب می‌فرماید: ای نوح پسرت از خاندان تو نیست چرا که او به سبب کردار پلیدش از تو فرسنگها فاصله دارد، من تو را نصیحت می‌کنم تا از نادانان نباشی و این را بدان که در مکتب آسمانی پیوند براساس عقیده است، نه گوشت و خون و پوست نوح گفت: پروردگارا از اینکه چیزی را از این به بعد از تو بخواهم که بدان آگاه نباشم، خویشتن را در پناه تو قرار داده و عاجزانه از آستان مقدست می‌خواهم که مرا از چنین لغزشهای بدور داری، بدرستی اگر بر من نبخشایی و به من رحم نمایی از زیانکاران خواهم بود.

از مطالبی که بیان شد ثابت می‌گردد که اخلاق، روش و تصمیم پیامبران با اخلاق، روش و تصمیم افراد عادی و معمولی تفاوت بسیاری دارد، چرا که خیلی از انسانها اسیر هوی و هوس و احساسات خویش هستند ولی پیامبران خود را از دام این آفات رهانیده. و بر آرزوهای خویش غلبه کرده‌اند و این به خودی خود دلیلی است که برتری آنان را بر ما مسلم می‌کند.

در مورد چگونگی استفاده نمودن از نیایش‌ها در قرآن کریم بنابه روایتی، یکی از بزرگان به فرزند خویش سفارش می‌کند که در مورد موضوعی خصوصی دعایی را بنویسد ولی به این دلیل که فرزند در آن زمینه تجربه کافی نداشته است درباره‌ی درخواست پدر ابراز ناتوانی می‌نماید اما پس از اندیشیدن و تفکر بسیار سرانجام تصمیم می‌گیرد هر آنچه را که در مورد آن مسأله در قرآن کریم

وجود دارد گردآوری کند و پس از خاتمه کار آن را به پدر خویش تقدیم نماید.

هنگامی که پدر متن دعا را می‌خواند بسیار خوشحال می‌گردد و تحسین گویان به پسرش می‌گوید: آفرین بر تو فرزندم آنچه را که خواست من بوده است شما آن را به جا آورده‌ای.

در این رابطه یکی از دوستان می‌گوید: در روزگار آشفته و پر متلاطم ما انسانها بیش از هر چیز دیگری نیاز به نیروی معنوی دارند ولی برخلاف آن برخی از مردم برای جلوگیری از تجاوز دزدان و خلافکاران به مال و ناموس خویش، بر روی دیوار خانه‌های خود سیم خاردار نصب می‌کنند و جهت احتیاط بیشتر در بعضی حالات آن را با سیم برق هم متصل می‌نمایند.

اما چون کاربرد وسایل و ابزاری که دزدان و خلافکاران در اختیار دارند به مراتب بیشتر از تدابیر و دوراندیشی صاحب خانه‌ها است، چنانکه می‌بینیم هر روز خلافکارهای بیشتری نسبت به روز قبل رخ می‌دهد.

بنابراین جهت جلوگیری از به وجود آمدن چنین حالتی بهتر آن است که مؤمنان از وسایلی استفاده نمایند که دزدان و خلافکاران آنها را نداشته باشند و آن جز تقوا که نیروی معنوی به وجود می‌آورد چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

در مورد تعداد دعاها و کمیت آنها در قرآن کریم عده‌ای بر این باورند که آیه‌های دعا و نیایش در قرآن کریم بسیار اندک و معدود

است و حتی عده‌ای می‌پندارند که تنها آیه الکرسی و آیه‌های معوذتین و قسمتی از سوره قلم جهت جلوگیری از آسیب نظرهای بد حسودان و بدخواهان باید در درون خانه‌ها و محلهای کسب قرار داد. اما آنچه که برای من در مدت تحقیق ثابت و مسلم گردید این چنین است. همانطور که می‌توان برای دفع بلاها از بیشتر آیه‌های قرآن کریم استفاده نمود، همینطور هم میشود برای حل معضلات پیچیده فکری از آیات این کتاب مقدس آسمانی بهره گرفت.

در این رابطه یکی از دوستان می‌گوید: نزدیک به پنجاه سال است که با قرآن آشنا شده و انس گرفته‌ام، اما با آن همه آشنایی و الفت برخی مشکلات فکری که برایم پیش آمده بود هنوز حل نشده و باقی مانده بود. و یکی از آنها همان موضوع گردآوری مال و سامانی است که از جانب عده‌ای از مردم به گونه‌ای افراطاً میز به چنگ می‌آید، خصوصاً که خداوند رحیم در قرآن کریم چنین رفتاری را مکرراً مذمت و سرزنش کرده و در بسیاری از آیات به بدی یاد کرده است.

در این رابطه پندی در زبان عربی وجود دارد که می‌گوید: (نعم المال الصالح لرجل صالح) به این معنا که بهترین مال و سامان حلال و بی‌آلایش در خور و شایسته صالح‌ترین مرد است. این پند مرا تحت‌الشعاع خود قرار داده بود، لذا با خود می‌گفتم. چه اشکالی وجود دارد که انسان مؤمن و پرهیزکار هم مانند دیگران دارا و ثروتمند گردد؛ اما این مسئله را فراموش کرده بودم تا زمانی که در

جامعه فردی نیازمند وجود داشته باشد این امکان وجود ندارد که مؤمنان و پرهیزکاران هم مانند دیگران دارا و ثروتمند گردند.

این دغدغه‌های خاطر همچنان ادامه داشت تا شبی که مشغول تلاوت قرآن کریم بودم و به سوره زخرف رسیدم، در آن سوره با آیه‌هایی که در مورد این مسأله بحث می‌کرد برخورد نمودم.

و در واقع معنی و مفهوم این آیه‌ها مرا تکان داد و برای همیشه از آن اوهام و پندارهای غلط و نادرست دور ساخت.

﴿الزُّخْرُفُ﴾ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ^۱ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا^۲ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْخًا^۳ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿۴﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْوِيَهُمْ سُفْهًا مِّنْ فَضْوَ وَمَعَارِجَ عَلَيْنَا يَظْهَرُونَ ﴿۵﴾ وَلِيُؤْوِيَهُمْ أَوْبًا وَسُرَرًا عَلَيْنَا يَتَّخِذُونَ ﴿۶﴾ وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۷﴾

آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می‌کنند و کلید رسالت را به هر که بخواهند می‌سپارند؟ این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی را بر برخی دیگر برتری‌هایی داده‌ایم تا بعضی از آنان را بعضی دیگر را بکار گیرند و به یکدیگر خدمت کنند و رحمت پروردگار از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. اگر بهره‌مند شدن کفار از انواع مواهب و

نعمتهای مادی سبب نمی‌شد که همه مردم تمایل به کفر پیدا کنند و در گمراهی ملت واحدی گردند ما برای کسانی که به خداوند باور نمی‌داشتند خانه‌هایی با سقفهایی از نقره فراهم می‌آوردیم و برای آنان پله‌ها و نردبانهای سیمین ترتیب می‌دادیم که از آنها بالا روند... چرا که نعمت چند روزه حیات دنیوی بی‌ارزش، و در مقابل نعمت جاویدان آخرت چیزی به حساب نمی‌آید. و برای خانه‌هایشان درهائی فراهم می‌آوردیم و تختهایی نقره‌ای که بر آنها تکیه می‌زنند و می‌لمسند ترتیب می‌دادیم. و زر و زیور و انواع زینت آلات و وسائل تجملی بدیشان می‌دادیم اما همه آنها متاع زندگی این جهان است و آخرت در پیشگاه پروردگارت برای پرهیزکاران آماده است و نعمت سرای جاویدان که از آن خداپرستان است با نعمت جهان‌گذران قابل مقایسه نیست.

پس از روشن‌شدن این مسأله و درک و فهمیدن آن بصورت ریشه‌یی، خود را برای همیشه از شک و اوهام رها نموده و برای اولین بار در آن شب فرخنده احساس آرامش کردم و هنگامی که در خوابی عمیق فرو رفته بودم در عالم رویا به محل کسب یکی از آشنایان ثروتمند دیار خود رفتم، آنجا هر چند محوطه فروشگاه بسیار بزرگ و وسیع بود اما با کفی خراب شده و سقفی آسیب دیده مواجه شدم، و هنگامیکه درباره کار و درآمد از صاحب فروشگاه سؤال کردم در جواب گفت: وضع بسیار بد است من در آستانه سقوط قرار دارم. و سرانجام پس از خداحافظی از صاحب فروشگاه

و قبل از خروج از آن جا در میان گرد و خاکهایی که کف فروشگاه را پوشانیده بود، چندین قرص نان را مشاهده کردم و هنگامی که نان‌ها را لمس کردم متوجه شدم آنقدر گرم هستند که گویا تازه از تنور خارج شده‌اند اما چون نان‌ها کپک زده و با گرد و خاک آمیخته شده بودند هرگز قابل خوردن و استفاده نبودند.

پس از شنیدن این ماجرا و یاد داشت نمودن آن در متن آن قسمت از کتاب که مربوط به حب دنیا و متعلقات آن است تازه برایم روشن گردید که چرا و برای چه خاندان حضرت امام علی کرم الله وجهه الکرم که جهت شفایافتن فرزندان خود از بیماری، سه روز روزه نذر گرفته بودند، به آن بینوا، یتیم و اسیری که هر شب یکی از آن‌ها جهت تأمین نیازمندیهای خود بسوی آن خاندان محترم مراجعه کرده و تقاضای کمک نموده بودند، هر چه از طعام که در خانه داشته به آنان هدیه نموده‌اند. و چون طعامی برای خودشان باقی نمانده بود آن شبها را تنها با نوشیدن آب افطار کرده و روزه می‌گرفتند، و در مقابل آن همه ایثار و نیکوکاری، خداوند رحمان در شأن آنان آیه ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ نازل فرموده است.

و همچنین این مسئله هم برای من روشن گردید که به چه دلیل حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در اوایل ظهور دین مبین اسلام، هنگامی که مسلمانان هنوز نوپا بوده و نیاز به کمک ثروتمندان داشته‌اند هر آنچه را که از مال و سامان داشته‌اند، جهت خشنودی خداوند و

پیامبرش به بیست‌مال تقدیم کرده است و هنگامی که از ایشان پرسیده می‌شود که آیا جهت روز مبادا چیزی برای خویش نگه داشته‌اید؟ در جواب می‌فرماید: آری جهت آن روز خدا و پیامبرش را برای خویش نگه داشته و در نظر گرفته‌ام.

هر چند در این مقدمه درباره‌ی دعا و نیایش بیش از هر چیز دیگری بحث شده است؛ اما هماهنگونه که خوانندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند در بخش‌های مختلف این کتاب به اکثر نیازمندی‌های انسان توجه کافی شده است؛ از شیوه‌های مختلف برخورد با مشکلات اجتماعی گرفته تا چگونگی اداره کردن یک مملکت ولی آنچه بیش از همه با انسان رابطه‌ی قلبی برقرار می‌کند همان پند و اندرزهایی است که در قرآن کریم و بخصوص در سوره‌های اسراء، لقمان، حجرات و نور بیان شده است. بنابراین عنوان پند و اندرز در قرآن برای این کتاب برگزیده شد.

در پایان از شما خوانندگان گرامی به سبب طولانی شدن مقدمه پوزش می‌طلبم و چشم به راه دعای خیرتان هستم...

خدا عالم مطلق است

﴿البقرة﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا سُبْحَنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣١﴾

خداوند بزرگ در این دو آیه می فرماید: و خدای عالم همه اسماء را به آدم آموخت آنگاه حقایق آن اسماء در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: خبر دهید مرا با اسماء اینان اگر می پندارید راست می گوئید «۳۱» فرشتگان عرض کردند: خداوند، تو پاک و منزهی و ما نمی دانیم چیزی جز آنچه که تو خود بما تعلیم فرمودی توئی دانا و حکیم. «۳۲»

﴿البقرة﴾ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾

آنچه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه از نیات خیر و شر که در دل دارید آشکارا یا پنهان کنید همه را خدا در محاسبه شما بیاورد، آنگاه هر که را خواهد می بخشد و هر که را خواهد عذاب می کند و خداوند بر هر چیز تواناست. «۲۸۴»

﴿ال عمران﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾

بدرستی که هیچ چیزی پوشیده نمی‌ماند بر خدا از کائنات نه در زمین و نه در آسمان» ۵ و اوست که می‌نگارد صورتهای شما را در رحم مادران، به هر گونه که می‌خواهد، و نیست هیچ معبودی بجز او غالب و استوار کار. ۶»

﴿الأنعام﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

و نزد خداست کلیدهای غیب و کسی جز خدا بر آنها آگاه نیست و بدون رضایت او هیچ برگی از درخت نیفتد و هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین نروید، و هیچ تر و خشکی نیست جز آنکه در کتاب مبین مذکور است. ۵۹»

﴿هود﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

و مخصوص خداست اسرار آسمانها و زمین و همه کارها بسوی او برمی‌گردد پس او را عبادت کن و بر او توکل کن و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست. ۱۲۳»

﴿الرعد﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿١٢٤﴾ عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ﴿١٢٥﴾

تنها خدا می‌داند که بار حمل آبستان چیست و رحمها چه نقصان و زیادت خواهد یافت و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است «۸» و اوست آگاه به عوالم غیب و شهوده خدای بزرگ و متعال. «۹»

(القصص) وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

ای پیغمبر پروردگار تو آگاه است از آنچه سینه‌هایشان از کینه‌ها در خود پنهان میدارد و از آنچه آنان آشکار می‌سازند و به صورت اعتراض و طعن‌ها بروز می‌دهند «۶۹» پروردگار تو الله است و خدائی جز او نیست و هرگونه سپاس و ستایش بدو تعلق دارد. چه در این جهان و چه در آخرت و فرماندهی و داوری تنها از آن او است و نیز بازگشت همه شما به سوی او خواهد بود... «۷۰»

(ابراهیم) رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا تُعْلِنُ وَمَا خَفَيْ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٨﴾

پروردگارا تو به هرچه ما پنهان و آشکار کنیم آگاهی، تو خدائی و البته برخدا هیچ چیز نمی‌شود پنهان کردن در آسمان و نه در زمین. «۳۸»

(الکهف) قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٨﴾

بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود، پیش از آنکه کلمات خدا به آخر رسد دریا خشک خواهد شد ولو مانند آن دریا کمک بیاوریم «۱۰۹»

﴿المجادله﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٠﴾

آیا ندیدی و ندانستی که خدا بر آنچه در آسمان و زمین است آگاه می‌باشد و هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها باشد و نه پنج کس جز آنکه او ششم آنها باشد و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه هر کجا باشند با آنهاست پس روز قیامت همه را به نتیجه اعمالشان آگاه خواهد ساخت که خدا بکلیه امور عالم داناست. «۷۰»

﴿لقمان﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٤١﴾

همانا علم ساعت نزد خداست و او باران را فروبارد و او آنچه از نر و ماده و زشت و زیبا که در رحمهای آبستن است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به

کدام سرزمین مرگش فرامی‌رسد، پس او بر کلیه اسرار و دقائق عالم آگاهست. «۳۴»

﴿الْحَدِيدُ﴾ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۵﴾

اوست اول و آخر و پیدا و پنهان و تنها اوست آگاه به همه امور عالم «۳۵»

﴿الْحَدِيدُ﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۳۶﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۚ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۳۷﴾

هیچ گاه مصیبتی در سرزمین و در درون جانهای شما روی نمی‌دهد مگر آنکه در لوح محفوظ موجود باشد، حقیقتاً که این کار برخدا آسان است «۳۶» و این هم برای آنست که هرگز بر آنچه از دست شما رفته دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد دلگشاد نگردید و خدا دوستدار هیچ متکبر و خودستانی نیست. «۳۷»

﴿س﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۳۸﴾ فَسُبْحَانَ

الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۳۹﴾

همانا فرمان خدا اینست که وقتی چیزی ارادت کند به او می‌گوید موجود شو و او موجود می‌شود. «۳۸» پس پاکی و نراحت تنها از آن خداوند است که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست و شما به سوی او برگردانده می‌شوید «۳۹»

﴿لَقَمَان﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ
سَبْعَةُ أَنْحَرٍ مَا نَفِذْتَ كَلِمَتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾

و اگر همه درختهای روی زمین قلم شوند و آب دریا با اضافه
هفت دریای دیگر مرکب شود باز نگارش کلمات خدا ناتمام بماند
که همانا خدا را اقتدار و حکمت است. «۲۷»

از ویژگیهای شخصیتی و اخلاقی رهبر مسلمانان

﴿ال عمران﴾ فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِمَنْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا
عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس چون رحمت خدا ترا دربر گرفت شما را خوشخوی گردانید، و اگر خشن و سخت دل بودی مردم از گرد شما متفرق می شدند پس با آنها به مهربانی رفتار کن و از اشتباهاتشان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن و برای دلجوئی از آنها در امور جنگ مشورت نما و اما آنچه خود تصمیم گرفتی باتوکل به خدا انجام ده، خدا آنانکه براو اعتماد کنند دوست می دارد. «۱۵۹»

﴿النساء﴾ وَإِنْ تُصِيبْتُمْ حَسَنَةً يَقُولُوا هَٰذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبْتُمْ سَيِّئَةً
يَقُولُوا هَٰذَا مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا
يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿٧٨﴾

و اگر به آنها خوشی و نعمتی فرا رسد گویند: این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید می گویند این از جانب شماست، بگو: همه از جانب خداست چرا این قوم جاهل سخن حق را نمی فهمند. «۷۸»

﴿المائدة﴾ يٰٓأَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ



ای رسول ما آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا، تو را از شر و آزار مردمان محفوظ می‌دارد، و خدا هرگز قوم کافرین راهنمایی نخواهد کرد. «۶۷»

﴿هود﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٦٨﴾ وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٩﴾

ای رسول تو چنانکه مأموری با آنانیکه توبه کردند و بسوی خدا رجوع نمودند استقامت و پایداری کن و از حدود عدل الهی تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست «۱۱۲» و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان دوست باشید و گرنه آتش کیفر آنان شما را هم دربر خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هیچ احدی یاری شما نخواهد کرد. «۱۱۳»

﴿القصص﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾

گفت ای خدا بشکرانه این نعمت که مرا عطا فرمودی منهم به بدکاران هرگز یاری نخواهم کرد. «۱۷»

﴿الشوری﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ^ط وَاسْتَقِمْ^ط كَمَا أُمِرْتُ^ط وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ^ط وَقُلْ^ط
 ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ^ط وَأُمِرْتُ^ط لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ^ط اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ^ط لَنَا
 أَعْمَلُنَا^ط وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ^ط لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ^ط اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا^ط وَإِلَيْهِ
 الْمَصِيرُ ﴿۱۵﴾

بنابر آن به توحید دعوت کن و چنانکه مأموری پابرداری کن و
 پیرو هوای نفس مردم مباش و به امت بگو که من به کتابی که خدا
 فرستاده ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم،
 خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و
 عمل شما بر شماست پس از این حجت و برهان بین ما و شما باقی
 نیست سرانجام خدا همه ما جمع می‌کند و به سوی او باز
 می‌گردیم. «۱۵»

﴿الأحقاف﴾ فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزِّ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ^ط
 كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ^ط بَلِّغْ^ط فَهَلْ يُهْلَكُ
 إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۶﴾

ای پیغمبر ما توهم مانند پیغمبران اولوالعزم صبور باش و برامت به
 عذاب تعجل مکن روزیکه آنچه وعده داده شده به چشم بینند گویا
 بجز ساعتی از روز درنگ نداشتند این قرآن تبلیغ رسالت است تا
 مردم از شهوت و معصیت به راه طاعت و عبادت باز آیند آیا جز
 مردم فاسق هیچ کس هلاک خواهد شد. «۱۶»

﴿الطور﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ
 ۞ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ ۝

برای حکم پروردگار صبر کن که تو مشمول کمک مائی و هنگامی که
 برمی‌خیزی بحمد پروردگارت تسبیح گوی «۴۸» و پاسی از شب و هنگام
 پشت کردن ستارگان خدا را تسبیح بگوی. «۴۹»

﴿المائدة﴾ وَأَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ
 يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
 يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ النَّاسِ لَفَيَسِقُونَ ۝
 أَفَحُكْمَ الْجَهْلِیَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝

و تو بدانچه خدا برای تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو
 خواهشهای آنان مباش و بیندیش که مبادا تو را فریب دهند و در
 بعضی احکام که خدا برای تو فرستاده تقاضای تغییر کنند، پس
 هرگاه از حکم خدا روی گردانیدند بدان که خدا می‌خواهد آنها را
 به عقوبت بعضی گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم
 فاسق و بدکارند. «۴۹» آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را
 دارند و کدام حکم از حکم خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود.

(ص) يٰۤاٰدُرُّدُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِى الْاَرْضِ فَاَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۚ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌۢ بِمَا نَسُوا الْحِسَابَ ﴿٢٦﴾

ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس در بین مردم به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنانکه از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب را فراموش کرده‌اند بعذاب سخت معذب خواهند شد. «۲۶»

(هود) وَيَنْقُورُۙ اَوْفُوا۟ اَلْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوُوا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٢٧﴾ ۚ بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۚ وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ﴿٢٨﴾

ای قوم در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و به مردم کم و گران نفروشید و در زمین به خیانت و فساد برنخیزید. «۸۵» آنچه خدا بر شما باقی گذارد و برکت بخشد، بهتر است اگر واقعاً به خدا ایمان دارید این نصیحت و وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر من نگهبان و مسئول شما از عذاب سخت خدا نیستم. «۸۶»

(النساء) اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ اَنْ تُوْدُوْا اَلْاٰمَنَتِۙ اِلٰى اَهْلِهَا وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعْظٰكُمۡ بِهٖ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًاۢ بَصِيْرًا

بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید اینکه داد گرانه داوری کنید این اندرز خدا است، و بدانید که خداوند به بهترین اندرز پند می‌دهد» (۵۸)

﴿النساء﴾ فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٨﴾

به پروردگارت سوگند، که آنان، هرگز مؤمن بشمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند، و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند. «۶۵»

از ویژگیهای فرزند صالح و خانواده متعهد

«البقره» وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ
مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ
وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ
أَهْلَهُ مِن الْكُمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴿۱۲۶﴾ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ
قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَفِي سَآئِرِ الْمُصَصِّرِ ﴿۱۲۷﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ
الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۸﴾
رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ
عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۹﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو
عَلَيْهِمْ ءَايَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۳۰﴾
وَمَن يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي
الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۱﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ
أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۲﴾ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ
اصْطَفَىٰ لَكُمْ الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ
حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ
وَاللَّهُ ءَابَاؤُكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۴﴾

يٰۤاَيُّهَا اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۵﴾

و به یاد آر هنگامیکه خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود که عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید. «۱۲۴» و هنگامیکه قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و ثواب برای مردم و مقام ابراهیم را جایگاه پرستش قرار دهید و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا برای طواف و اطاعت کنندگان و نماز خوانها پاک کنید. «۱۲۵» و بیاد آر زمانی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و از بردرختها و میوه‌ها و همه نعمتها روزی فرما اهل این شهر مخصوصاً آنانیکه بخدا و روز قیامت ایمان آوردند، فرمود: و هر کس کفر بورزد پس او را بهره کم می‌دهم، سپس او را به عذاب جهنم می‌کشم و چه سرنوشت بدی خواهد بود. «۱۲۶» و وقتی که ابراهیم و اسماعیل اساس خانه خدا را برافراشتند گفتند: خداوند! این خدمت را از ما قبول بفرما، توئی که همه دعاها می‌شنوید و به همه زانستها آگاهی. «۱۲۷» خداوند! دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز به تسلیم خود، بدار و راه پرستش را به ما بنما و از گناهانمان بگذر که حقیقتاً تنها توئی توبه دهنده‌ی مهربان. «۱۲۸» پروردگارا، فرزندان ما را شایسته آن گردان که برانگیزی از میان آنان رسولی که بر مردم تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد

و روانشان را از هر نادانی و زشتی پاک و منزه سازد، توئی که هرکاری خواهی بهر آن قدرت و علم کامل داری. «۱۲۹» هیچکس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز ناکس و مردم بیخرد، زیرا ما ابراهیم را در دنیا بشرف رسالت برگزیدیم و البته در آخرت نیز از شایسته گان است. «۱۳۰» آنگاه گرامی گردید که خداوند به او فرمود: ای ابراهیم، سر به فرمان خدا فرود آور، عرض کرد: من مطیع فرمانم. «۱۳۱» ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود راجع به تسلیم بودن به فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند ای فرزندان، خدا شما را به آئین پاک برگزید، پیوسته از آن آئین پیروی کنید، و تا پای جان سپردن تسلیم رضای خدا باشید. «۱۳۲» شما که شاهد نبودید هنگامیکه یعقوب را مرگ فرارسید آن وقت به فرزندان خود گفت شما پس از مرگ من کرامی پرستید؟ گفتند: خدای ترا و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اوئیم. «۱۳۳» آن گروه که در گذشته هرکار نیک و بدی کردند برای خود. و شما هم هرچه کنید برای خویش خواهید کرد، شما مسؤول کار آنها نخواهید بود. «۱۳۴»

﴿آل عمران﴾ إِذْ قَالَتْ أَمْرَأْتُ عِمْرَانُ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۵﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ

وَأَنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٦٠﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
 حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ
 وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٦١﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي
 مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٦٢﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَأِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ
 يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا
 وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٦٣﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ
 الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٦٤﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي
 آيَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا وَادَّكُرَ رَبُّكَ كَثِيرًا
 وَسَبِّحْ بِالنَّعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٦٥﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَأِكَةُ يَمْرُؤُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾ يَمْرُؤُكُمْ أَفَتُنِي لِرَبِّكِ
 وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٦٧﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ
 وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَنَّهُمْ آيُهُمْ يُكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
 يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٨﴾ إِذْ قَالَتِ الْمَلَأِكَةُ يَمْرُؤُكُمْ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ
 الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٦٩﴾
 وَكَلَّمَ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى

يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ
أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٧﴾

آنگاه گفت: زن عمران پروردگارا، من عهد کردم فرزندی که در رحم دارم، از فرزندی خود در راه خدمت به تو آزاد گردانم این عهد من بپذیر که تو دعای بندگان می شنوی و به حال و احوال و اسرار خلایق آگاهی. «۳۵» و چون کودک را به دنیا آورد گفت: زن عمران، پروردگارا، فرزندی که زاده ام دختر است و خدا را به آنچه زائیده شده داناست و پسر و دختر برابر نخواهند بود، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آوردم. «۳۶» پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت و او را به تربیت نیکو پرورش داد و زکریا را برای کفالت و نگهداری او برگماشت. هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می آمد پیش او به اندازی کافی رزق و روزی می یافت. زکریا به مریم می گفت که ای مریم این روزی از کجا برای تو می رسد پاسخ می داد: این از جانب خداست که همانا خدا به هر که خواهد روزی بی حساب دهد. «۳۷» در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد، عرض کرد بار پروردگارا، مرا به لطف خویش فرزندانی پاک عطا بفرما که همانا توئی مستجاب کننده دعا. «۳۸» پس هنگامی که زکریا در عبادتگاه برای برگزازی نماز ایستاده بود، فرشتگان او را صدا کردند که ای زکریا خداوند ترا به یحیی بشارت می دهد، او درباره ولادت عیسی

و حقانیت بودن رسالت او گواهی می‌دهد و همچنین خود او در راه خدا، پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است. «۳۹» زکریا عرض کرد: پروردگارا چگونه مرا پسری تواند بود در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و اهلی نیز عجز نازائی شده است؟ گفت چنین است کار خدا، هر چه بخواهد می‌کند. «۴۰» عرض کرد: پروردگارا برای من به شکرانه این نعمت آیت و عبادتی مقرر بفرما. فرمود: تو را آیت این باشد که تا سه روز با مردم، سخنی جز به رمز نگوئی و پیوسته به یاد خدا باشی و او را شبانگاه و صبحگاه تسبیح گوی. «۴۱» و چون فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند ترا برگزید و پاکیزه گردانید و برتری بخشید بر زنان جهانیان. «۴۲» ای مریم فرمانبردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت بجای آر. «۴۳» این چیزهایی که گفته شد از جمله خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم، و تو در میان آنان، نبودی هنگامی که قلمهای خود را داخل کیسه میافکندن تا از طریق قرعه کشی معلوم شود که کدامیک از آنها سرپرستی مریم را به عهده گیرد، و همه اینها از راه وحی به تو رسید. «۴۴» چون فرشتگان مریم را گفتند: که خدا تو را به کلمه‌ای که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است بشارت می‌دهد که او در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان در درگاه خداست. «۴۵» و در گهواره با خلق سخنی می‌گوید بدانگونه که در بزرگی و او از جمله نیکوکاران است. «۴۶» مریم عرض کرد: ای پروردگارا مرا چگونه

فرزندی توان بود در حالیکه به من مردی نزدیک نشده است؟ گفت چنین است کار خدا هرچه بخواهد بوجود می آورد و هنگامیکه بچیزی بگوید: موجود باش همان دم بوجود می آید. (۴۷)

(هود) وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يُنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾

و نوح از خدا التماس کرد و عرض نمود. بار پروردگارا فرزند من اهل بیت من است و تو وعده لطف و نجات به آنها دادی و وعده عذاب توهم حتمی است که قادرترین حکم فرمایانی، پس بلطف خود فرزندم را نجات بخش. «۴۵» خدا به نوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد زیرا او را عملی بسیار ناشایسته است پس تو از من تقاضای امری کردی که از عواقب آن آگاه نیستی. من شما را پند می دهم که از مردم جاهل نباشید. «۴۶» نوح عرض کرد بارالها من پناه می برم بتو که دیگر چیزی که نمی دانم از تو تقاضا کنم و اکنون اگر گناه مرا نبخشی و ترحم نفرمائی من از زیانکارانم. «۴۷»

(ابراهیم) وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا صَنَامًا ﴿٦٩﴾ رَبِّ إِنِّي أَضَلَّانَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعْنِي فَإِنَّهُ مِنِّي

وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٥﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا تُعْلِنُ وَمَا نَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٧﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ نَبِيَّ لَسَمِيعٌ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٣٩﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

و عرض کرد ابراهیم: ای پروردگارا این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار. «۳۵» پروردگارا این بتان و بت تراشان بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر کس در راه توحید و خداپرستی پیرو من است او از من است و هر که مخالف من می کند از من نیست. پس حقیقتاً تو خدای بخشنده و مهربانی. «۳۶» پروردگارا تو آگاهی از آنچه پنهان می داریم و از آنچه آشکار می سازیم و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا مخفی نمی ماند. «۳۷» پروردگارا من ذریه و فرزندان خود را بوادای بی کشت و زرع نزد بیت الحرام تو برای پیاداشتن نماز مسکن دادم، بار خدایا تو دلهای مردمان را بسوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده باشد که شکر تو بجای آرند. «۳۸» ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را

عطا فرمود و حقیقتاً پروردگار من دعای بندگان را خواهد شنید. «۳۹» پروردگارا من و ذریه مرا نمازگزار گردان و ای خدایا دعای ما را اجابت فرما «۴۰» ای پروردگار تو در آن روز که حساب پیا می شود بر من و والدین من و همه مؤمنان رحم کن و گناهان ما را به کرم و لطف خویش ببخشا. «۴۱»

﴿الحجر﴾ وَنَبِّئُهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٤١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَالِمٍ ﴿٤٣﴾ قَالَ أَبَشْرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٤٤﴾ قَالُوا بِبَشْرَتِكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿٤٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٤٦﴾

و بندگان را با خبر کن از مهمانان ابراهیم (که فرشته گانی بودند و در لباس انسانها به پیش او آمدند) «۵۱» هنگامیکه به خانه او وارد شدند و پس از سلام دادن، ابراهیم گفت: من از اینکه شما بدون اذن و بی موقع در آمدید بیمناکم. «۵۲» گفتند: مترس که ما از جانب خدا آمده ایم، تا تو را بشارت بدهیم به فرزند دانا. «۵۳» ابراهیم گفت: مرا در این سن پیری مزده فرزند می دهید نشانه این مزده چیست؟ «۵۴» گفتند: ما ترا بحق بشارت می دهیم پس از نومیدان مباش. «۵۵» ابراهیم گفت: آری هرگز بجز مردم گمراه و نادان کسی از لطف خدا نومید نیست. «۵۶»

«الفرقان» وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٦﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا
وَيُلْقَوْنَ فِيهَا غَنِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

﴿٧٨﴾

و آنانی که هنگام راز و نیاز با پروردگار خویش می گویند:
خداوندا همسران و فرزندانمان را به ما عطا بفرما که مایه چشم روشنی
باشند و ما را پیشوای اهل تقوی قرار ده. «۷۴» آنچنان بندگان پاداش
صبرشان غرفهای جنت و قصرهای بهشت خواهد بود که در آنجا با
تحیت و سلام با آنان برخورد می شود. «۷۵» و در آن بهشت که
منزلی است بسیار نیکو و مقامی آرامش بخش، مخلد و متنعم خواهد
بود. «۷۶»

بی ارزش جلوه نمودن دنیا و متعلقات آن

﴿ال عمران﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ
الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ
ذَٰلِكَ مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْبُ الْمَقَابِرِ ﴿١٤﴾

برای مردم زینت داده شده است حب شهوات نفسانی که عبارت است
از میل به زنها و فرزندان و همیانهای زر و سیم و اسبهای بانشان نیکو و
چهارپایان و مزارع جلوه گر شده، لیکن اینها همه متاع زندگانی فانی دنیوی
است و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو که بهشت، لقای الهی و
نعمت باقی ابدی است. «۱۴»

﴿ال عمران﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ
اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٥﴾

کافران را هرگز مال و فرزندانشان از عذاب خدا نرهاند و آنان
خود افروزنده آتش جهنمند. «۱۵»

﴿الکھف﴾ أَلَمْ آتِ الْبَنُونَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَالْبَاقِيَتُ الصَّالِحَتُ حُمْرُ
عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَحُمْرٌ أَمْلَأَ ﴿١٦﴾

دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند (و زوال پذیر و گذرایند) و اما
اعمال شایسته‌ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه
پروردگارت دارد، و بهترین امید و آرزو است. «۱۶»

﴿ال عمران﴾ لَتَبْلُوُنَّ فِیْ أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًی كَثِیْرًا ۖ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۸۶﴾

مرتب از جانب خدا درباره مالها و جانهاتان آزمایش می شوید و هر آینه از طرف اهل کتاب که قبل از شما بودند و از طرف کسانی که شرک ورزیده اند حرفهای بدی می شنوید و آسیبهای زیادی می رسد پس اگر صبر کنید و تقوی پیشه کنید حقیقتاً که این از استوارترین کارهاست. «۱۸۶»

﴿التوبة﴾ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ ۖ إِنَّمَا يُرِیدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِی الْحَیْوةِ الدُّنْیَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۸۷﴾

هرگز تعجب نکنید از کثرت مال و اولاد کافران، خدا می خواهد آنها را بهمان مال و فرزند در زندگی دنیا بعد از افکند و هنگام مرگ نیز جانهاشان بسختی بگیرد. «۱۸۷»

﴿هود﴾ مَنْ كَانَ یُرِیدُ الْحَیْوةَ الدُّنْیَا وَزِیْنَتَهَا نُوفِ إِلَیْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِیْهَا وَهُمْ فِیْهَا لَا یُتَخَسَّرُونَ ﴿۱۸۸﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَیْسَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِیْهَا وَنَبِطِلُ مَا كَانُوا یَعْمَلُونَ ﴿۱۸۹﴾

کسانیکه طالب زندگانی مادی و زینت و شهوات دنیوی هستند ما مزد زحمات آنها را در کار دنیا کاملاً می دهیم و هیچ از اجر عملشان کم نخواهد شد. «۱۸۸» ولی آنان در آخرت نصیبی جز آتش

دوزخ ندارند و همه افکار و اعمالشان در راه دنیا ضایع و باطل می گردد. «۱۶»

﴿الرَّعْدُ﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ ﴿١٧﴾

خدا هر که را خواهد رزق و روزی بسیار می دهد و هر که را خواهد تنگ دست و کم روزی می گرداند و دلشاد شدند به ظاهر زندگانی در صورتیکه دنیا در قبال آخرت متاع ناقابل بیش نیست. «۲۶»

﴿الشورى﴾ مَنْ كَانَتْ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۚ وَمَنْ كَانَتْ
يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٦﴾

هر کس ثمره کشت زار آخرت را بخواهد ما بر محصولی که کاشته است می افزاییم و هر کس تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را از آن بهره مند می کنیم ولی در آخرت نصیبی نخواهد داشت. «۲۰»

﴿الزخرف﴾ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
بَعْضًا سُخْرِيًّا ۚ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٢٧﴾ وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً
وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا

يُظْهِرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِيُبَيِّنَ لَهُمْ أَيْتَانًا وَسُرُورًا عَلَيَّاهُ يَتَكُونُ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ
ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

آیا آنها فضل و رحمت خدای ترا تقسیم کرده‌اند؟ نخیر چنین نیست این مائیم رزق و روزی آنها در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی برتری داده‌ایم تا بعضی از راه دارایی و ثروت بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و اگر مردم یک امت و یک طبقه می‌شدند در امور زندگانی آنها اختلال ایجاد می‌شد و همچنین اگر این نبود که مردم به سوی آنها متمایل شوند به کافران مال و مکنّت بیشتری می‌دادیم یعنی سقف خانه‌هایشان از نقره خالص قرار می‌دادیم و خانه‌های چندین طبقه که از پله‌های آسانسوری بالا روند «۳۳» برایشان می‌ساختیم و نیز بر منزل‌هایشان درهای بسیار و تخته‌های زرنگار که بر آن تکیه زند قرار می‌دادیم «۳۴» و آنها را به زر و زیور می‌آراستیم، ولی همه آنها متاع پست و فانی دنیا است و آخرت جاویدان و ابدی نزد خدا برای اهل تقوی است «۳۵»

﴿الْمَنَافِقُونَ﴾ يَتَأَيَّأُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ
ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٦﴾

ای اهل ایمان مبادا هرگز مال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل سازد و کسانی که با امور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران عالمند. «۹»

﴿التَّغَابُنَ﴾ يَتَأَيَّمُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَدِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٣﴾
 إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَدُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾

ای اهل ایمان برخی از زنان و فرزندان شما دشمن شما هستند بنابراین از آنها حذر کنید، لیکن اگر از معاقبت آنها پس از توبه عفو و آمرزش و چشم پوشی کنید، خدا هم در حق شما بسیار آمرزنده و مهربان است. «۱۴»
 بحقیقت اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما هستند، به آنها دل نبندید که نزد خدا اجر عظیم خواهد بود. «۱۵»

﴿سَبَاءَ﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ قُلْ إِنَّ نَبِيَّ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَدُكُمْ بِالَّذِي تُقَرَّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ هُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْفُرْقَتِ ءَامِنُونَ ﴿١٧﴾

و گفتند: ما که در دنیا اموال و اولاد بیشتری داریم و (این نشانه علاقه و محبت خدا به ما است، و در آخرت هم) ما هرگز عذاب نمی بینیم و شکنجه نمی شویم «۳۵» بگو: پروردگارم روزی را برای هر کسی که خود بخواهد فراخ یا تنگ میگرداند (اعم از عاصی و مطیع... داشتن و نداشتن، نشانه محبت و خشنودی، و یا نفرت و ناخشنودی خدا از بنده نیست) و لیکن بیشتر مردم (چنین چیزی را نمی دانند «۳۶» اموال و اولاد شما چیزهایی نیستند که شما را به ما نزدیک و مقرب سازند، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و

کارهای شایسته بکنند، آنان (مقرب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده‌اند پاداش مضاعف دارند، و ایشان در طبقات بالا (یعنی در برترین منازل بهشت) در امن و امان بسر می‌برند «۳۷».

آزادی بیان در قرآن

(فصلت) وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا
الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا
وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

نیکی و بدی باهم یکسان نیستند، بر شما واجب است بدیهای خلق را به
بهترین عمل دفع کنید تا همان کس که گوئی باتو برسر دشمنی است
دوست و خویش تو گردد. «۳۴» و نتوان پذیرفت این گفته‌ها را، مگر
صابرین و نتوان پذیرفت این پندها را مگر اصحاب شانس و حظ عظیم. «۳۵»
(البقره) لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ
وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ



دین را نمی‌توان به کسی تحمیل کرد راه هدایت و ضلالت
بر همه روشن گردید پس هر کس به شیطان سرکش کفر ورزید و به
خداوند رحمان ایمان آورد، او به ریسمان محکم و ناگسستنی چنگ
زده و بدرستی که خداوند شنوا و داناست. «۲۵۶»

(النحل) ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجِدِلْهُمْ بِالَّتِي
هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ
لِّلصَّابِرِينَ﴾

ای رسول، خلق را به حکمت، برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با آنها به بهترین روش مناظره کن که البته خدای تو کسی را که از راه گمراه شده و آنکه هدایت یافته بهتر می داند. «۱۲۵» و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبتی روا داشت و ستمی رسانید، باید در مقابل بقدر آن ستم انتقام گرفت لیکن اگر شکیبائی پیشه کنید البته برای صابران اجری بهتر از انتقام خواهد بود. «۱۲۶»

﴿الْقَصَصُ﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ
سَلَّمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾

و چون سخن لغوی بشنوند از آن اعراض کرده و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم هرزه گوی نادان را نمی طلیم. «۵۵»

﴿الْكَهْفُ﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۚ إِنَّا
أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ
يَشْوِي الْوُجُوهُ ۚ بئسَ الشَّرَابُ ۖ وَسَاءَتْ مَرْتَفَعًا﴾

و بگو دین حق همانست که از جانب پروردگار بسوی شما آمد، پس هر که می خواهد ایمان آرد، و هر که می خواهد کافر شود، ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته ایم که شعله های آن گردانها

احاطه کند و اگر از شدت عطش شربت آبی درخواست کنند، آبی مانند مس گداخته و سوزان به آنها دهند که رویها را بسوزد و آن آب بسیار شربتی بد و آن دوزخ بسیار آسایش گاهی پست خواهد بود. «۲۹»

﴿النمل﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿۴۰﴾

گفت سلیمان این توانائی از فضل خدای منست تا مرا بیازماید که نعمتش را شکر می گویم یا کفران می کنیم و هر که شکر نعمت حق کند شکر بفتح خویش کرده، همانا خدا کریم و مهربانست. «۴۰»

﴿المدثر﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿۵۴﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ﴿۵۵﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ الْقُوَى وَأَهْلُ الْغَفْرِ ﴿۵۶﴾

نخیر این یک تذکر است «۵۴» تا هر که خواهد متذکر حق شود «۵۵» و متذکر نمی شود جز آنکه خدا بخواهد و تنها او شایسته ترسیدن و آمرزیدن است. «۵۶»

﴿الغاشیه﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿۷۱﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ﴿۷۲﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿۷۳﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿۷۴﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿۷۵﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿۷۶﴾

پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنیدی «۲۱» و هیچگاه بر آنها تسلط دارنده نیستی «۲۲» مگر کسی که پشت کرد و کفر بورزد «۲۳» خدا او را بعدذاب سخت و بزرگ مبتلی خواهد کرد «۲۴» که البته باز گشت آنها به سوی ماست «۲۵» آنگاه حساب شان بر ما خواهد بود. «۲۶»

(الْأَسْرَاءُ) مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ ۖ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا ﴿٢٦﴾

هر کس به راه حق هدایت یابد، راهیایش به سود خودش است و هر کس از راه حق گمراه شود گمراهییش به زیان خودش است و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد و به جرم دیگری کیفر داده نمی شود و ما هیچ شخص و قومی را مجازات نخواهیم کرد مگر اینکه پیغمبری برای آنان مبعوث و روان سازیم «۱۵».

(النمل) وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ ۚ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٢٧﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ ۚ إِنِّي مِنَ الْمُفْرِفِينَ ﴿٢٨﴾ وَمَا رُبُّكَ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

بگو ای رسول، به من فرمان داده شده است که قرآن را تلاوت کنم و آن را بفهمم و به دیگران تفهیم نمایم، پس هر کس در پرتو آن راهیاب شود برای خیر و صلاح و سعادت دنیوی و اخروی خود راهیاب شده است و بگو من فقط از زمره بیم دهندگان می باشم «۹۲» و بگو حمد و سپاس

خدای را سزا است که به زودی آیات خود را به شما نشان خواهد داد و شما آنها را خواهید شناخت و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل و بی‌خبر نیست «۹۳».

(ق) نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ

خَفَافٌ وَعِيدٌ ﴿۹۳﴾

ما به آنچه می‌گویند آگاه هستیم و تو بر آنها جبار و مسلط نیستی پس به وسیله قرآن تذکر بده به آنکه از عذاب می‌ترسد. «۴۵»

(الشوری) وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ

تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۹۴﴾

و آنچه که در پیرامون آن اختلاف دارید حکمش با خداست همان خدائی که پروردگار من است و براو توکل کرده و تنها به درگاه او به تضرع باز می‌گردم. «۱۰»

(الشوری) وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۹۵﴾

و آنانی که امر خدا را اجابت کردند و نماز را پیا داشتند و کارشان را بمشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کرده‌ایم به فقیران انفاق می‌کنند. «۳۸»

(یونس) قُلْ يَتَّيِبُهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ



ای رسول ما به مردم بگو: حق از جانب خدا برای هدایت شما آمد بنابراین پس از این هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس براه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من مسؤول شما نیستم. «۱۰۸»

(آل عمران) قُلْ إِنْ أَلْفُضِّلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾
يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٧﴾

ای رسول ما بگو: فضل و رحمت در دست خداست به هر که خواهد می‌دهد و هر که را مشیت او تعلق گیرد «۷۳» مخصوص به فضل و رحمت خود گرداند که خدای را فضل و رحمت بی‌منتهاست. «۷۴»

(الزمر) قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٠١﴾

ای رسول ما بگو: پروردگارا ای خالق زمین و آسمانها ای دانسته پیدا و پنهان تو خود میان بندگان در آنچه اختلاف دارند حکم می‌کنی. «۴۶»

﴿النمل﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرُ مَا

يُشْرِكُونَ ﴿٥٨﴾

بگو ستایش مخصوص خداست و بندگان برگزیده او آیا خدا بهتر است یا آنانکه شرک می‌ورزند. «۵۸»

﴿الزخرف﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّا هَنُؤَلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ

وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

و گفت: پروردگارا اینها قومی هستند که ایمان نمی‌آورند «۵۸» پس از آنها درگذر و بگو سلام که بزودی خواهند فهمید. «۵۹»

﴿الکافرون﴾ قُلْ يَتَأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿٦١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٦٢﴾ وَلَا

أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٦٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٦٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا

أَعْبُدُ ﴿٦٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦٦﴾

بگو ای کافران «۱» من آن بتان را که شما می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم «۲» و شما هم معبود مرا پرستش نمی‌کنید «۳» نه من خدایان شما را عبادت می‌کنم «۴» و نه شما معبود مرا عبادت خواهید کرد «۵» پس دین شما برای شما و دین من برای من «۶».

﴿الزلزله﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

شَرًّا يَرَهُ ﴿٦٨﴾

پس هر کس بقدر ذره‌ای کردار نیک کرده پاداش آنرا خواهد دید «۷» و هر کس کار زشت مرتکب شده بکیفرش خواهد رسید «۸».

﴿الْأَسْرَاءُ﴾ وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿٧﴾ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿٨﴾ مَن آهَتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ ۖ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۖ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿٩﴾

ما اعمال هر کسی را (همچون گردن بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به دست او میرسد «۱۳») (در آن روز بد و گفته میشود) کتاب خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان) کافی است که خود امروز حسابگر خویشتن باشی «۱۴» هر کسی به راه حق هدایت یابد، راهیایش به سود خودش است و هر کس از راه حق گمراه شود، گمراهیش به زیان خودش است. و هیچ کس بار گناه دیگری را بردوش نمیکشد (و به جرم دیگری کیفر داده نمیشود و ما هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر اینکه پیغمبری (برای آنان مبعوث) و روانه سازیم «۱۵».

پند و اندرز در قرآن کریم

﴿البقره﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا^۱ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ^۲ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٠٣﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي تَسْمَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ هُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ^۳ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتَكُمْ^۴ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٤﴾

ای پیغمبر از تو درباره حکم شراب و قمار می پرسند؟ بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهائی اندک ولی زیان گناه آن بیش از منفعت آنست و نیز سؤال می کنند که در راه خدا چه انفاق کنند. جواب ده آنچه که زائد بر ضروری زندگانی است خدا بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان می کند باشد که تفکر کنید و عقل بکار ببرید. «۲۱۹» و نیز سؤال می کنند که با یتیمان چگونه رفتار کنند بگو: اصلاح برای آنها بهتر است و اگر با آنها مخلوط زندگی کنید برادر شما هستند و خداوند فسادگر را از اصلاح گر می داند و اگر خداوند بخواهد هر آئنه شما را به رنج می اندازد بدرستی که خداوند نفوذناپذیر قوی است. «۲۲۰»

﴿آل عمران﴾ الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ^۵ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

کسانی که از مال خود به فقراء در حال وسعت و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خود را فرو نشانند و از بدی مردم درگذرند چنین مردمی نیکو کارند و خدا دوستدار نیکو کارانست. «۱۳۴»

﴿الْأَسْرَاءُ﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقَعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ﴿۱۳۳﴾ *
وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسِنًا ؕ إِنَّمَا يَتَلَفَعْنَ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۱۳۲﴾
وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۱۳۱﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ؕ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُمْ كَانَ لِلْأَوَّلِينَ غَفُورًا ﴿۱۳۰﴾ وَهَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿۱۲۹﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿۱۲۸﴾ وَإِنَّمَا تَعْرِضَن عَنَّهُمْ تَبْتَغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿۱۲۷﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿۱۲۶﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۖ إِنَّهُمْ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿۱۲۵﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً إِلَٰهِي ۖ تَحْنُ نَزْفُكُمْ ۖ وَإِن كُنْتُمْ إِن قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِيئَةً كَبِيرًا ﴿۱۲۴﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ ۖ إِنَّهُمْ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۱۲۳﴾

هرگز با معبود خویش معبود دیگری قرار مده تا اینکه سرزنش شده و خوار شده، زمین گیر شوی «۲۲» و خدای تو حکم فرمود که

جز او هیچکس را نپرستید و در باره پدر و مادر نیکوئی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شده‌اند، زنه‌ار کلمه‌ای به آنها مگوئید که به خاطر آن رنجیده خاطر شوند و کمتر آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گوئید «۲۳» و همیشه پر و بال تواضع را با کمال مهربانی برای پدر و مادر بگسترانی و بگو، پروردگارا، با آنها مهربانی کن همانگونه که در کودکی مرا تربیت کردند «۲۴» خدا به آنچه در دل‌های شماست داناتر است اگر همانا در، اندیشه صلاح دارید و خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند خواهد بخشید «۲۵» حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار «۲۶» که مبذران و مسرفان برادر شیطانند و شیطانست که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرده «۲۷» و چنانچه از ارحام و فقیران بخاطر بدست آوردن رحمت پروردگارت که امید آن داری اعراض کردی، پس باز با گفتار نرم و آسان با آنها سخن بگو «۲۸» نه هرگز دست خود محکم بسته‌دار و نه بسیار باز و گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست «۲۹» همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند که او به بندگان کاملاً آگاه و بصیر است «۳۰» و فرزندانتان را از ترس ناداری به قتل نرسانید که ما رازق شما و آنها هستیم زیرا قتل فرزندان گناه بسیار بزرگی است «۳۱» و

هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی کاملاً ناپسند است «۳۲».

﴿الْأَسْرَاءُ﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۖ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۚ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۚ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾

و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه بحکم حق مستحق قتل شود و هر کس خون مظلومی را به ناحق بریزد ما به ولی او حکم تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام قتل و خونریزی اسراف نکنید که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود «۳۳» و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتر منظور دارید تا آنکه به حد بلوغ و رشد برسد و همه باید به وعد خود وفا کنید که البته درباره عهد و پیمان از شما سؤال خواهد شد

«۳۴» و هر چه را با وزن می‌سینجید تمام بیمائید و همه چیزی را به ترازوی عدالت بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است «۳۵» و هر گز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دلهای همه مسئولند «۳۶» و هر گز در روی زمین به کبر و ناز راه مرو که نیروی زمین را نتوانی شکافت و به کوههای سربلند نخواهی رسید «۳۷» که از این قبیل کارها و اندیشه‌های بد همه نزد خدا ناپسند خواهد بود «۳۸» این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است و با خدای یکتا خدائی قرار مده و اگر نه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی درافتاد «۳۹».

﴿الکھف﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٣٧﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

وَأَذْكُرَنَّ لَكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي بَنِي لَا أَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشْدًا ﴿٣٨﴾

ای رسول ما تو هر گز مگو که من این کار را فردا خواهم کرد «۲۳» مگر آنکه بگوئی اگر خدا بخواهد و خدا را لحظه‌ای فراموش مکن و به خلق بگو امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر از این قصه هدایت فرماید «۲۴»

﴿لقمان﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَنَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۖ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا

يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٣٥﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَنُ لَبْنِهِ وَهُوَ

يُعِظُهُ يَبْنَى لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿٣٦﴾ وَوَصَّيْنَا آلَ إِسْرَٰءِيلَ

بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنَّا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَضَّلْنَاهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ

إِلَى الْمَصِيرِ ﴿٥٠﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُقْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبَتُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ ۚ إِلَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥١﴾ يَبْنِيٰ إِيَّاهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ فَنُكِّنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَلِكُ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٥٢﴾ يَبْنِيٰ أَقْمِرَ الصَّلَوةِ وَأُمُرًا بِالْمَعْرُوفِ وَآثَةً عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبَرَ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ ﴿٥٣﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٥٤﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿٥٥﴾

و ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم و باو گفتیم: که خدا را شکر کن و هر کس شکر حق گوید بنفع خود اوست و هر که ناسپاسی و کفران کند خدا بی نیاز و ستوده صفاتست «۱۲» ای رسول ما یاد کن وقتی را که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیز من، هرگز شرک بخدا نیاور که شرک ورزیدن بسیار ظلم بزرگی است «۱۳» و انسان را سفارش کردیم به پدر و مادرش، مخصوصاً مادر، در حالیکه ضعف بالای ضعف داشت او را حمل کرد و او را دو سال شیر داد که شکر گزار من و پدر و مادرت باش که باز گشت همه بسوی من است «۱۴» و اگر پدر و مادر خواستند تو را بر شرک بخدا که آنرا حق نمی دانیم وادار کنند در اینصورت دیگر امر آنها را اطاعت مکن لیکن در دنیا با آنها بحسن خُلق

مصاحبت کن و از راه آنکس که بدرگاه مارجوع می کند پیروی کن که پس از مرگ بازگشت همه شما بسوی منست، آنگاه به شما اطلاع می دهم که در دنیا چه کارهای انجام داده‌اید «۱۵» باز لقمان گفت: ای فرزند عزیزم بدانکه خدا اعمال بد و خوب خلق را اگر چه بمقدار خردلی در میان سنگی یا در طبقات آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را در محاسبه می آورد که خدا بر همه چیز توانا و آگاهست «۱۶» ای فرزند عزیزم نماز را بپا دار و امر بمعروف و نهی از منکر کن و برآنچه که از مصائب روزگار به تو می رسد صبر کن حقیقتاً که این کارها از کارهای ثابت و راسخ است «۱۷» و تکبر و ناز را به رخ دیگران مکش و در روی زمین با غرور و تکبر قدم برمدار که خدا هرگز مردم متکبر و خودستان را دوست نمی دارد «۱۸» و در رفتارت میانه روی اختیار کن و هنگام صحبت کردن صدایت را پائین بیاور که حقیقتاً بدترین و زشت ترین صداها صدای الاغ است «۱۹»

(النبأ) اَعْمَلُواْ اِلَّآ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيْلٌ مِّنْ عِبَادِيّ الشُّكُوْرُ ﴿١٣﴾

ای آل داود شکر خدا بجای آرید که از بندگان من عده ای قلیل شکر گذارند. «۱۳»

(فاطر) يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمْ اَلْفُقَرَاءُ اِلَى اللّٰهِ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿١٤﴾

اِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿١٥﴾

ای مردم همه شما فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است «۱۵» اگر خدا بخواهد همه شما را بدیار عدم می فرستد و کسانی دیگر بعرصه وجود می آورد. «۱۶»

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٥﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿١٦﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿١٧﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ﴿١٨﴾ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ﴿١٩﴾ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿٢٠﴾ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢١﴾

و هرگز آدمهای کور و بینا یکسان نمی شوند «۱۹» و هیچ گاه ظلمت با نور مساوی نخواهد بود «۲۰» و هرگز آفتاب و سایه هم مرتبه نباشد «۲۱» و ابداء، زندگان با مردگان برابر نیستند و خدا هر که را بخواهد شنوای کلام حق سازد، اما تو نخواهید توانست حرفهایت بگوش آن کسانی که در گورستان کفر و جهالت فرو رفته اند برسانید «۲۲» بلکه تو هشدار دهنده ای «۲۳»

﴿الْخُجُرَات﴾ يَتَأَيُّمُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّمَّنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أُنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ يَنَسُ الْإِثْمَ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١﴾ يَتَأَيُّمُ الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا لَّيْسَ الْكُفْرُ أَن يَأْكُلَ لَحْمٌ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿٢﴾

ای اهل ایمان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره کند شاید آنها بهتر از مسخره کننده‌ها باشند و زنهار نیز یکدیگر را مسخره نکنند که شاید آنها بهتر از مسخر کنندگان باشند و خودتان را مورد طعن قرار ندهید و به لقبهای بد همدیگر را یاد نکنید بد است بعد از ایمان، نام بد داشتن و هر کس توبه نکند پس آنها همان ستمگرانند. «۱۱» ای اهل ایمان از شک و گومانها بسیار دوری کنید چون برخی از آن پندارها معصیت است و هرگز از حال و احوال یکدیگر را تجسس نکنید و پشت سر همدیگر را غیبت نکنید آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید و کراهت از آن دارید و از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر و مهربانست. «۱۲»

﴿الْعنکبوت﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۱۳﴾

و نماز را که بزرگ عبادت خداست بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشتی باز می‌دارد و یاد خدا از بزرگ‌ترین اندیشه‌های خلق است که حقیقتاً خدا به هر چه کنید آگاهست. «۴۵»

﴿القصص﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِنَ ۖ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۖ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴۵﴾

و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا ثواب و سعادت آخرت بدست آرید و لیکن بهر هات را هم از دنیا فراموش مکن و نیکی کن در حق خلق چنانچه خدا بتو نیکوئی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد بد می انگیز که خدا مفسد را ابداً دوست نمی دارد. (۷۷)

﴿النور﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ بُيُوْتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَأْذِنُوْا وَتُسَلِّمُوْا عَلٰى اَهْلِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُوْنَ ﴿٧٧﴾ فَاِنْ لَمْ تَجِدُوْا فِيْهَا اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوْهَا حَتّٰى يُؤْذَنَ لَكُمْ ؕ وَاِنْ قِيلَ لَكُمْ اَرْجِعُوْا فَاَرْجِعُوْا هُوَ اَرْحَمُ لَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٧٨﴾

ای اهل ایمان هرگز بجز خانه های خودتان سرزده وارد هیچ خانه ای که با صاحبش آشنا نیستی، نشوید، و چون رخصت یافتید، داخل شوید، لیکن اول باید بأهل آن خانه سلام کنید و آن برای شما بهتر است که شاید متذکر شوید. «۷۷» و چون بخانه ای در آمدید و گفتند برگردید باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا بهر چه می کنید داناست «۷۸».

﴿الحجرات﴾ قُلْ اَتَعْلَمُوْنَ اَللّٰهُ بِدِيْنِكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٩﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُلْ لَا تَمُنُوْا عَلٰى اِسْلَامِكُمْ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُ عَلٰيكُمْ اَنْ هَدٰىكُمْ لِلْاِيْمٰنِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

بگو آیا شما خدا را از ایمان خود با خبر میسازید، در حالی که خدا از تمام چیزهایی که در آسمانها و زمین است با خبر است؟ و خدا از همه چیز دقیقاً آگاه است «۱۶» آنان بر تو منت میگذارند که ایمان آورده‌اند! بگو: با ایمان آوردن خود بر من منت مگذارید، بلکه خدا بر شما منت میگذارد که شما را به سوی ایمان آوردن رهنمود کرده است اگر (در ادعای ایمان) راست و درست هستید «۱۷».

﴿النِّسَاء﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا

عَلِيمًا ﴿۱۷﴾

خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شما شکر گزار باشید و ایمان بیاورید، خداوند از طاعت و عبادت بندگان خود آگاه و از نیات و اعمال همگان با خبر است. «۱۴۷»

این آیه‌ها در مورد بی‌اثر نمودن توطئه‌های دشمنان است

﴿الأعراف﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

﴿م۲﴾ وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿م۱﴾

و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند بزودی آنها را بعداب و هلاکت می‌افکنیم، از جایی که فهم آن نمی‌کنند «۱۸۲» روزی چند به آنها مهلت می‌دهیم که همانا مکر و عقاب ما بسی شدید خواهد بود. «۱۸۳»

﴿الأنفال﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿۳۰﴾

ای رسول ما بیاد آر وقتی را کافران با تو مکر می‌کردند تا تو را از مقصد خود که همانا تبلیغ دین خداست باز دارند یا بقتل رسانند یا از شهر بیرون کنند، آنها مکر می‌کنند خدا هم با آنها مکر می‌کند و خدا بهتر از هر کس مکر تواند کرد. «۳۰»

﴿یونس﴾ وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ صَرَاءٍ مَسْهُمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِی

ءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَمْتَرُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿۲۱﴾

ما هر گاه به مردم طعم رحمتی بچشانیم تا، رنج و زبانی که به آنها رسیده است جبران کنیم، آنها برای محو آیات خدا مکر و سیاست به کار می‌برند، ای رسول به آنها بگو مکر و سیاست خدا

کاملتر و سریعتر است و رسولان ما مکرهای شما را خواهند نوشت.

«۲۱»

(فاطر) مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۖ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ
وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۚ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ
أُولَئِكَ هُوَ يُبْوَرُ ﴿۲۱﴾

هر که طالب عزت است، بداند که تمام عزت مختص به خدا و خداپرستان است، و کلمه نیکوی توحید و عمل صالح بسوی او بالا رود، و برای آنها که به مکر و تزویر و نیرنگ مشغولند عذاب سختی خواهد بود و مکر آنها بکلی نابود خواهد شد. «۱۰»

(یوسف) وَرَوَدَتْهُ الْأَتْنَىٰ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ ۖ وَغُلِقَتِ الْأَبْوَابُ
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ ۖ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَقَاطَىٰ ۖ إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ
الظَّالِمُونَ ﴿۲۲﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأَىٰ بُرْهَنَ رَبِّهِ
كَذَٰلِكَ لِنَتَصَرَّفَ عَنْهُ الشُّوْءَ وَالْفَحْشَاءَ ۚ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿۲۳﴾
وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ ۖ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا
جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۴﴾ قَالَ هِيَ
رَوَدَّتْنِي عَنْ نَفْسِي ۖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ
فَصَدَقَتْ ۖ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۲۵﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ
مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۶﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كِبِدِكُنَّ ۖ إِنَّ

كَيْدُكَ عَظِيمٌ ﴿٢٤﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ
 مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٥﴾ * وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْنَهَا عَنْ
 نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرُلُهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٦﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ
 أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ
 عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا
 إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٢٧﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْنَاهُ عَنْ نَفْسِهِ
 فَاَسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيَسْجَنَ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٢٨﴾ قَالَ
 رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ
 إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٢٩﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ
 هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

در آن خانه که یوسف و زلیخا بودند، یوسف بدون آنکه نظر
 خیانت و بدی داشته باشد، بانوی خانه به میل نفس خود از او
 درخواست وصل و مراوده کرد، روزی بانوی عزیز مصر درها را
 بست و یوسف را به خود دعوت کرد و با اشاره به او گفت: من برای
 تو آماده‌ام، یوسف پاسخ داد، به خدا پناه می‌برم، خدا مرا مقامی منزّه
 عطا فرموده، که خدا هرگز ستمگران را رستگار نسازد. «۲۳» زلیخا از
 فرط میل با آنکه از یوسف جواب رد و امتناع شنید، باز از روی هوا
 و هوس به درخواست خود اصرار ورزید، و اگر لطف خدا شامل

حال یوسف نشده بود و برهان روشنی از او ندیده بود، ممکن بود یوسف نیز به میل طبیعی اهتمام دهد ولی چون یوسف از بندگان معصوم و پاکیزه ماست او را از عمل زشت نگاهداری نمودیم. «۲۴» و هر دو به جانب در شتافتند آنگاه بانوی عزیز، پیراهن یوسف را از پشت بدرید، که در همان وقت شوهر آن زن را بر در منزل یافتند آنگاه زن به شوهرش گفت: جزای آنکه با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا به زندان ببرند یا به عقوبتی سخت تر کیفر کنند چه خواهد بود. «۲۵» یوسف جواب داد، خود این زن با من قصد مراوده کرده است و هنگام بازجوی شاهی از بستگان زن گواهی داد و گفت: اگر پیراهن یوسف از پیش دریده زن راستگو و یوسف از دروغگویان است. «۲۶» و اگر پیراهن از پشت دریده زن دروغگو و یوسف از راستگویانست. «۲۷» و چون شوهر مشاهده کرد که پیراهن از پشت سر دریده است گفت: این از مکر شماست که حيله شما زنان، بسیار بزرگ و حیرت‌انگیز است. «۲۸» پس از آن شوهر زن به یوسف گفت: ای پسر در گذر از آن امر و فراموش کن این ماجرا و به زلیخا گفت: از گناه خود توبه کن، که تو سخت در اشتباه و از خطا کارانید. «۲۹» چونکه زنان مصر از آن ماجرا آگاه شدند، زبان ملامت نسبت به زلیخا گشودند و گفتند زن عزیز مصر مراوده با غلام خویش داشته و حب و عشق یوسف، او را شدیداً شیفته و فریفته خود ساخته، پس ما او را در نهایت ضلالت می‌بینیم. «۳۰»

چون زلیخا ملامت زنان مصری را درباره خود شنید، کسی را فرستاد تا از آنها دعوت کند و به این مناسبت مجلس بزرگی بپاراست و به احترام آنها برای هریک پالش و تکیه گاهی بگسترد و به دست هریک کاردی داد، پس از آن از یوسف تقاضا نمود که به مجلس این زنان درآی، و چون زنان یوسف را دیدند، زبان بتکبیر گشودند و دستها بریدند و گفتند: تبارک الله این پسر آدمی نیست بلکه فرشته بزرگ حسن و زیباییست. «۳۱» زن گفت: اینست غلامی که مرا در محبتش ملامت می‌کردید آری من خود از او تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس هم خواهش مرارد کند البته زندانی شود و خوار و ذلیل گردد. «۳۲» یوسف گفت: ای خدا مرا رنج زندان خوشتر است از این کار که زنان از من تقاضا دارند، بارالها اگر تو مکر و حيله اينان به لطف و عنايت خود از من دفع نفرمائي ممكن است به آنها ميل کرده و از اهل جهل و شقاوت گردم. «۳۳» خدا دعای یوسف را مستجاب کرده و مکر و دسایس زنان را نسبت به او پوچ و بی‌اثر ساخته است. حقیقتاً که خداوند شنوا و داناست. «۳۴»

﴿الْقَلَمُ﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ
وَيَقُولُونَ إِنَّمَا لَعْنُوهٗ لَعْنُوهٗ ۖ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٣٥﴾

وقتی آیات خدا بر تو نازل شد، حقیقتاً نزدیک بود آنانیکه کافر شده‌اند از روی حسادت با چشمان خود تو را هلاک کنند و

می گویند: این رسول دیوانه است. «۵۱» حال آنکه او بشارت دهنده‌ای بزرگ برای همه جهانیان است. «۵۲»

﴿الْاِخْلَاصُ﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

ای رسول به خلق بگو: او خدای یگانه و یکتاست «۱» او از همه بی‌نیاز و همه عالم به او نیازمند است. «۲» او نه فرزند کسی است و نه کسی فرزند اوست. «۳» و هرگز کسی مانند و همتای او نیست. «۴»

﴿الْفَلَقُ﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝
بگو من پناه می‌برم به خدای فروزندی صبح روشن «۱» و از شر آنچه آفریده شده است «۲» و از شر شب تاریک که در آید «۳» و از شر زنان افسونگر، چون بجاد و در گرهمها بدمند «۴» و از شر حسود بدخواه چون آتش رشک و حسد برافروزد «۵»

﴿النَّاسُ﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

بگو من پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان «۱» پادشاه آدمیان «۲» معبود آدمیان «۳» از شر وسوسه شیطان «۴» آن شیطان که وسوسه

کند در دل آدمیان «۵» چه آن شیطان از جنس جن باشد، چه از نوع آدمیان «۶»

﴿الْفِيل﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿۱﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿۲﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿۳﴾ تَرْمِيمِهِمْ بِحِجَارٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿۴﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿۵﴾

آیا ندیدی که خدای تو باصحاب فیل چه کرد «۱» آیا تدبیری که برای خرابی کعبه اندیشیدند تباه نکرد «۲» و برای هلاک آنها مرغان ابابیل را فرستاد «۳» تا آن سپاه را به سنگهای سجیل سنجباران کنند «۴» و در نتیجه آن اجسامشان چون علفی زیر دندان حیوان خرد گردانید. «۵»

﴿المسد﴾ تَبَّتْ يُدَا أَلْيَ لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿۱﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿۲﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاكَ لَهَبٍ ﴿۳﴾ وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿۴﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿۵﴾

ابولهب نابود شود و دو دستش قطع گردید «۱» ثروتی که بدست آورده است هیچ بکارش نیامد و از هلاکش نرهانید «۲» بزودی در دوزخی افکنده خواهد شد که آتشش شعله‌ور است «۳» و زنش فراهم آورنده هیزم سوختن او خواهد بود «۴» آن زن طنابی از لیف خرما بگردن دارد، و روشن کننده آن آتش است. «۵»

(یوسف) قَالَ يَبْنَىٰ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ نَجْتَبِيكَ رَتُّكَ وَنُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَنُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَتُّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾

(پدرش) گفت: فرزند عزیزم، خواب خود را برای برادرانت باز گو مکن، (چرا که مایه حسد آنان میشود، و اهریمن ایشان را بر آن میدارد) که برای تو نیرنگ بازی و دسیسه‌سازی کنند. بی‌گمان اهریمن دشمن آشکار انسان است «۵» همانگونه (که در خواب خویشتن را سرور و برتر دیدی) پروردگارت، تو را (به پیغمبری) بر میگزیند و تعبیر خوابها را به تو میآموزد (و با خلعت نبوت تو را مفتخر میسازد) و بر تو و خاندان یعقوب نعمت خود را کامل می‌کند، همانطور که پیش از آیین بر پدرانت ابراهیم و اسحاق کامل کرد. بیگمان پروردگارت بسیار دانا و پر حکمت است (و میداند چه کسی را بر می‌گزیند و خلعت نبوت را به تن چه کسی می‌کند) «۶».

نقش قرآن در بی‌اثر نمودن لجاجت معاندین

«الأنعام» وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى تُؤْتِيَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ أَفَلَا أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿٦١﴾

و هنگامی که دلیل و برهان روشنی برای هدایت اینان می‌آید می‌گویند: ما حق را باور نمی‌داریم مگر اینکه همانند آنچه به پیغمبران خدا داده شده است، به ما نیز داده شود. خداوند بهتر می‌داند که (چه کسی را برای پیامبری انتخاب و) رسالت خویش را به چه کسی حواله می‌دارد. از سوی خدا هر چه زودتر خواری و رسوائی (در دنیا) نصیب کسانی می‌گردد که بزهکاری پیش می‌گیرند، و عذاب سختی در آخرت، به سبب نیرنگی که می‌ورزند بهره ایشان می‌شود. «۱۲۴»

«الروم» ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦١﴾

در نتیجه کردار بد و ناپسند مردم فساد و تباهی در زمین و دریا پدید آمد، ما هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها می‌چشانیم تا باشد که بسوی ما باز گردند. «۴۱»

(یونس) فَذَلِكُمُ اللَّهُ رِيكُهُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿۳۱﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۲﴾

آن خدا است که پروردگار بر حق شماسست بنابر این پرستش او حق است و پرستش جز او باطل، آیا سوای حق جز گمراهی است؟ پس چگونه باید از راه بدر برده شوید؟ «۳۲» همانگونه که بعد از حق جز گمراهی نیست، همانگونه هم فرمان پروردگار تو در باره کسانی که بر خلاف عقل و وجدان از دستور یزدان سبحان سرپیچی می کنند صادر شده است که ایمان نیاورند «۳۳».

(الأشراء) قُلْ لِّئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَلَّى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۳۵﴾

بگو اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند تا همچون این قرآن را با این شیوه های دلربا و معانی زیبا بسازند و بیاورند نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند، چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست «۳۸» ما در این قرآن هر نوع مثلی را برای مردم به شیوه های گوناگون بارها بیان داشته ایم

ولی بیشتر مردم جز انکار حق و نادیده گرفتن دلایل هدایت و تکذیب خدا و رسول او چیزی قبول نمی‌کنند و نمی‌پذیرند (۸۹).

(نوح) قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿١﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا فِرَارًا ﴿٢﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْوَابَهُمْ فِي عَادَتِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا رَبَّهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٣﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٤﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٥﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿٦﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿٧﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبْنِ وَجَعَلْ لَكُمْ جُنُودًا وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿٨﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٠﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١١﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٢﴾ وَاللَّهُ أُنْتَبِذَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاًا ﴿١٣﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٤﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٥﴾ لِيَتَسَلَّكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿١٦﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنِّي هُمْ عَصَوْتِي وَأَتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿١٧﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿١٨﴾ وَقَالُوا لَا تَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَتَكَ وَلَا تَنْزِلْ وَلَا سَوَاعَا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿١٩﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ﴿٢٠﴾ وَلَا تَرِدْ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢١﴾ مِمَّا حَطَّيْتَهُمْ أَغْرَقُوا فَأَذْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَخْجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٣﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا

كَفَّارًا ﴿١٧﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَلَدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَرِدْ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿١٨﴾

نوح گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز به سوی ایمان به تو فرا خواندم «۵» اما دعوت و فرا خواندنم تنها بر گریز ایشان افزود «۶» من هر زمان که ایشان را دعوت کرده‌ام تا ایمان بیاورند و تو آنان را پیامرزی انگشتهای خود را به گوشه‌هایشان فرو کرده‌اند تا ندای حق را نشوند و جامه‌هایشان را بر سر کشیداند تا قیافه مرا نبینند، آنان از روی تکبر و خودخواهی بر فسق و کفر خود اصرار می‌ورزند «۷» سپس من آنان را آشکارا و با صدای بلند به یکتا پرستی و ایمان راستین دعوت کرده‌ام «۸» گذشته از این من بگونه علنی و جمعی و بصورت نهانی و فردی دعوت آسمانی را بدیشان رساندم «۹» و بدیشان گفته‌ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است و شما را می‌بخشاید «۱۰» اگر چنین کنید خدا از آسمان بارانهای پر خیر و برکت را پیاپی بر سر شما می‌باراند «۱۱» و با اعطاء دارائی و فرزندان شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد و باغهای سرسبز و فراوان بهره شما می‌سازد و رودبارهای پر از آب در اختیارتان می‌گذارد «۱۲» به چه علتی برای خدا، عظمت و شکوه قائل نیستی «۱۳» در حالی که او در مراحل مختلف خلقت شما را به گونه‌های گوناگونی، آفریده است «۱۴» مگر نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را، یکی بالای

دیگر آفریده است «۱۵» و ماه را در میان آنها تابان و خورشید را چراغ درخشان کرده است «۱۶» خداست که شما را از زمین بگونه شگفتی آفریده است «۱۷» سپس شما را به همان زمین بر می گرداند و بعد شما را بگونه شگفتی زنده می گرداند و از زمین بیرون می آورد. «۱۸» خداوند زمین را برای شما گسترده و فراخ کرده است «۱۹» تا از جاده‌های وسیع آن بگذرید «۲۰» نوح گفت: پرورد گارا آنان از من نافرمانی کرده‌اند و از کسانی پیروی نموده‌اند که اموال و اولادشان جز زیان و خسران برای ایشان پدید نیاورده است و بر آنان نیفزوده‌اند «۲۱» چنین رهبران گمراهی، نیرنگی بزرگی بکار برده‌اند «۲۲» به آنان گفته‌اند: معبودهای خود را ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را، رها نسازید «۲۳» و بدین وسیله بسیاری از مردم را گمراه ساخته‌اند پرورد گارا این خود خواهان گمراهند پس گمراه‌ترشان گردان «۲۴» سرانجام همگی به خاطر گناهانشان در طوفان غرق شدند و به دوزخ در افتادند و جز خدا برای خود یار و یابوری نیافتند که بتواند از ایشان دفاع کند و از دوزخشان براهاند «۲۵» نوح به دعای خود ادامه داد و گفت: پرورد گارا! هیچ احدی از کافران را بر روی زمین زنده باقی مگذار «۲۶» که اگر ایشان را رها کنی بندگان را گمراه می‌سازند و جز فرزندان بزهکار و کافر سرسخت نمی‌زایند و به دنیا نمی‌آورند «۲۷» پرورد گارا! مرا و پدر و مادرم را و همه کسانی را که مؤمنانه و باورمندانه به خانه من در می‌آیند و

سایر مردان و زنان با ایمان را بیامرزا و کافران را جز هلاک و نابودی مفرما! «۲۸»

﴿النساء﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿۲۸﴾

آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند تا برای آنها ثابت شود که قرآن از طرف خدا فرستاده شده است اگر به عکس آن بود بی‌شک در او اختلاف زیادی می‌یافتند. «۲۲»

﴿التوبة﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۲۹﴾

کافران می‌خواهند بنفس تیره و گفتار جاهلانه خود نور خدا را خاموش کنند ولی خدا نمی‌گذارد این نیت شوم آنها تحقق پیدا کند و سرانجام نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال می‌رساند.

﴿آل عمران﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿۳۰﴾

پس هر کس باتو در مقام مجادله برآید بعد از آگاهی به او بگو بیاوید ما و شما دعوت کنیم از فرزندان و زنانمان و پس از التجاء به درگاه خدا اصرار کنیم تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم. «۶۱»

﴿آل عمران﴾ قُلْ إِنْ أَلْفُضِّلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٢﴾

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٣﴾

بگو ای رسول فضل و رحمت بدست خداست، به هر که او بخواهد می‌دهد و فضل و رحمت خدا بی‌متهاست و به همه امور عالم داناست. «۷۳» تخصص می‌دهد خدا فضل و رحمت خویش را به هر که بخواهد که خدا را فضل و رحمت بی‌متهاست. «۷۴»

أَفَقَرَّ دِينُ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٢﴾

آیا کافران دینی غیر از دین خدا را می‌طلبند و حال آنکه هر که در آسمان و زمین است خواه ناخواه مطیع فرمان خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد. «۸۳»

﴿النساء﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣١﴾

يَشَاءُ يَذْهَبَكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَلْتَ بِقَاخِرِينَ ﴿١٣٢﴾ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

و هر چه در آسمانهاست و آنچه در زمین همه ملک خدا است و خدا را برای وکالت از خلق کافی است «۱۳۲» اگر بخواهد همه شما را می‌برد و قوم دیگری می‌آورد و البته خدا بر آن کار مقتدر و توانا است. «۱۳۳»

«الْأَنْعَامُ» قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْنَاهُ ۚ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۚ وَإِنْ يَمَسُّكَ خَيْرٌ فَمَا هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت می ترسم. «۱۵» که هر کس در آن روز از عذاب برهد همانا برحمت نائل گردد و این پیروزی و سعادت آشکار است. «۱۶» و اگر خدا بتو ضرری برساند هیچکس جز خدا نتواند تو را از ضرر برهاند و اگر از او به تو خیری رسد که او بر هر چیز تواناست. «۱۷»

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

خدا کمال اقتدار و توانائی را بر بندگان خود دارد و همیشه درست کار و آگاه به امور است. «۱۸»

«الزُّمَرُ» أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتُ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾

آیا کسیکه وعده عذاب خدا بر او محقق و حتمی است تو می توانی از آن آتش قهرش برهانی. «۱۹»

«الْأَنْعَامُ» قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢١﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿٢٢﴾ قُلْ أَغْنَىٰ اللَّهُ أَتْبَعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ﴿٢٣﴾

بگو ای پیغمبر مرا خدا براه راست هدایت کرده است و به دین استوار و آئین پاک ابراهیم که از مشرکین نبوده است پیوند داده است. «۱۶۱» بگو ای پیغمبر محققاً که نماز و طاعت و زیستن و مردن من از آن پروردگار جهانیان است. «۱۶۲» او را شریک نیست و بهیمن اخلاص کامل مرا فرمان داده‌اند و من اولین مسلمان که مطیع تسلیم امر خدا می‌باشم. «۱۶۳» بگو ای پیغمبر آیا رواست من کسی غیر از خدا را به ربوبیت گزینم در صورتیکه خدا رب همه موجودات است. «۱۶۴»

﴿الْأَنْفَالُ﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ آتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٦١﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ؕ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٦٢﴾

و گفتند: خدایا اگر این قرآن بر حق است و از جانب تو فرستاده شده است، یا بر ما سنگی از آسمان ببار، یا ما را بعدابی سخت و دردناک گرفتار ساز ﴿۳۲﴾ ولی خدا تا زمانی که تو در میان آنها هستی خدا آنها را عذاب نخواهد کرد و تا وقتی توبه و استغفار کنند آنها را عذاب نخواهد کرد. ﴿۳۳﴾

﴿التَّوْبَةُ﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾

پس ای رسول هر گاه مردم از تو روگردانیدند بگو: خدا مرا کفایت است که جز او خدائی نیست، من براو توکل کرده‌ام که خدای جهان و رب عرش بزرگ اوست. «۱۲۹»

﴿يُونُس﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿١٢٩﴾

و موسی به پروردگار خود عرض کرد: بارالها تو بفرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنی بارخدا یا اموال آنها را نابود گردان و دل‌هایشان را سخت بربند که اینان ایمان نیاوردند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند. «۸۸»

﴿الحج﴾ أَفَلَمْ يَسْمُرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَلَيْسَ لَهَا تَعْمَىٰ أَلَا تَبْصُرُ وَلَٰكِن تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿١٣٠﴾

آیا از روی زمین سیر و سفر نکرده‌اند تا دارای قلبهائی باشند که با آنها تعقل کنند و گوشهائی باشند که با آنها بشنوند زیرا چشمها نا بینامی شوند بلکه قلبهائی که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند. «۴۶»

(عَبَسَ) قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾ مِّنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾ مِّنْ نَّفْثَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿١٩﴾ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ﴿٢٢﴾

کشته باد انسان چه خدا شناس و ناسپاس است «۱۷» خدا او را از چه چیز آفریده است؟ «۱۸» او را از نطفه ناچیز آفریده است و قوت و قدرت بدو بخشیده است «۱۹» سپس شناخت راه خوبی و بدی به او یاد داده است «۲۰» بعد او را میمیراند و وارد گورش می‌گرداند «۲۱» سپس هر وقت خواست او را زنده می‌گرداند «۲۲».

(التكاثر) أَلْهِنَكُمْ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرُمُ الْمَقَابِرِ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَبُوتَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

آیا مسابقه افزون‌طلبی و نازیدن به مال و منال، شما را به خود مشغول ساخته است «۱» تا بدانگاه که میمیرید و به گورستانها می‌روید «۲» آنگاه خواهید دانست که شما در چه شرائط بدی قرار دارید «۳» سپس خواهید دانست «۴» قطعاً در آینده خواهید دانست «۵» ولی اگر در این جهان حقیقت را درک می‌کردید «۶» جهنم را به چشم خودتان میدیدید «۷» سپس بیگمان آن را میدیدید «۸» آنگاه از حال و احوال بهشت و بهشتیان با خبر می‌شدید «۹»

چگونه مبارزه کردن با دشمنان دین از دیدگاه قرآن

«الْمُنْتَحَن» قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ ۚ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٥٠﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥١﴾

برای شما مؤمنان الگوی خوبی است ابراهیم و آنانی که با او بودند، آنها بقوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم، به شما کفر ورزیدیم و بین ما و شما عداوت و دشمنی برای همیشه تا زمانی که به خدای یگانه ایمان بیاورید شروع شده است. بجز این، تنها ابراهیم به پدر خودش گفت: من از خدای خویش برای شما طلب مغفرت می کنم، لیکن برای شما از جانب خدا مالک هیچ چیزی نیستم، خدایا بر تو توکل می جوئیم و بسوی تو باز می گردیم و بازگشت همه بسوی تو است. «۴» پروردگارا ما را گرفتار دست کافران مکن. پروردگارا ما را بیامرز که تو چیره کار بجائی «۵».

﴿الأنفال﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ



و شما در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و تنها خدا به آنها آگاهست نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا صرف می کنید خدا کاملاً به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد. «۶۰»

﴿ال عمران﴾ وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۲۵﴾

و خدا آن فرشتگان که برای کمک به شما در جنگ نفرستاد مگر آن که مژده فتح به شما دهند و دلهای شما را به نصرت خدا مطمئن سازند، و فتح و پیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خداوند توانای دانا. «۱۲۶»

﴿ال عمران﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿۱۲۷﴾ فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

وَفَضَّلِ لَمْ يَمَسْسَتْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٣﴾ إِنَّمَا دَالِكُمُ الشَّيْطَانُ خُوفٌ أُولِيَاءُهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾

چون مردمی منافق به مؤمنان گفتند: لشکری بسیار بزرگ بر علیه شما متفق شدند از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، ولی مؤمنان بیش از پیش به ایمانشان افزوده شد و گفتند: در مقابل تمام دشمنان تنها خدا ما را کفایت است و چه نیکو یآوری خواهد بود. «۱۷۳» پس آن گروه از مؤمنان به نعمت و فضل شما روی آوردند و بر آنان هیچ الم و رنجی پیش نیامد و پیرو رضای خدا شدند و خداوند صاحب فضل و رحمت بی منتهاست. «۱۷۴» این، سخنان شیطان است که می ترساند بدان دوستانش را شما مسلمانان از آن بیم و ا همه نداشته باشید و تنها از من بترسید اگر اهل ایمان هستید. «۱۷۵»

(محمد) يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِنْ تَنْصُرُوْا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَتَعَسَّوْا لَهُمْ وَاَصْلُ اَعْمَالِهِمْ ﴿١٧٥﴾

ای مؤمنان اگر دین خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند و بر دشمنانتان پیروز می گرداند و گامهایتان را استوار می دارد و کار و بارتان را استقرار می بخشد «۷» و آنان که کفر ورزیدند، مرگشان باد، چون خداوند حتی اعمال نیک نیز از آنها نمی پذیرد و بی سود می گرداند «۸».

﴿آل عمران﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اَصْبِرُوْا وَصَابِرُوْا وَرَٰبِطُوْا وَاَتَّقُوا اللّٰهَ

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۵۰﴾

ای اهل ایمان در امور دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و تنها از خدا بترسید شاید در این راستا موفق بشوید. «۲۰۰»

﴿الأنفال﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِذَا لَقِيتُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَحَقًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ

الْاَدْبَارَ ﴿۱۵۱﴾ وَ مَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُۥٓ اِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ اَوْ مُتَحَيِّزًا اِلٰى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَمَا وْنَهُۥ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ النَّصِيْرُ ﴿۱۵۲﴾

ای اهل ایمان هرگاه با تهاجم کافران در میدان کارزار روبه رو شوید مبادا از بیم آنها پشت به دشمن کرده و از جنگ بگریزید. «۱۵۱» هر که در روز جنگ به آنها پشت نمود و فرار کرد، بطرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ است که بدترین منزل خواهد بود مگر آنکه از میمنه به میسره و یا از قلب به جناح رود یا از فرقه‌ای به یاری فرقه دیگر شتابد. «۱۵۲»

﴿الأنفال﴾ فَلَمْ تَقْتُلُوْهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ

وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ

ای مؤمنان نه شما بلکه خدا کافران را کشت و ای رسول چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند که مؤمنان را به پیش آمد خوشی بیازماید که خدا شنوای دعای خلق و دانا به مصالح امور عالم است.

«۱۷»

وَأِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخَذَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي إِلَيْكَ يَنْصَرُونَ

وَيَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

و اگر دشمنان به فکر فریب دادن باشند، البته مطمئن باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد، اوست که بنصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید. «۶۲»

«التوبة» قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

بگو هرگز بجز آنچه که خدا برای ما مقدر فرموده است هیچ آسیبی بمانخواهد رسید، تنها اوست مولای ما و البته همه مؤمنان بر او توکل خواهند کرد. «۵۱»

«البقره» كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا

تَعْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

حکم جهاد برای شما مقدر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لیکن چه بسا چیزی را شما بد و ناگوار شمارید ولی

به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده باشد و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شر و فساد شما در آن است، و خداوند به مصالح و همه امور داناست و شماها نمی دانید. «۲۱۶»

﴿البقره﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۲۱۷﴾ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أُخْرِجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿۲۱۸﴾ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۱۹﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۲۲۰﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۲۲۱﴾

در راه خدا با آنانکه به جنگ و دشمنی بر شما بر می خیزند جهاد کنید ولی ستم کار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد. «۱۹۰» و آنانرا به قتل رسانید هر کجا آنان را بیابید و از شهرشان برانید چنانکه شما را از وطن آواره کردند و این فتنه گری که آنها پیشه کرده اند سخت تر از کشتن است و در مسجد الحرام با آنها به جنگ برنخیزید مگر آنکه آنها پیش دستی کنند در این صورت رواست که آنها را به قتل برسانید اینست کیفر کافران. «۱۹۱» پس اگر از شرک برگشتند

پس خداوند بخشنده و مهربان است «۱۹۲» و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند و این را بدانید که دین خالصانه تنها از آن خداست. پس اگر دشمنان از روش نادرست خود دست برداشتند و اسلام را پذیرفتند دست از آنان بردارید زیرا حمله بردن و تجاوز کردن جز بر ستمکاران روا نیست «۱۹۳» ماههای حرام را در مقابل ماههای حرام قرار دهید و اگر دشمنان حرمت آن نگاه نداشتند و با شما قتال کنند شما نیز با آنها پیکار کنید پس هر کس به شما تجاوز کرد این حق شماست که به او تجاوز کنید و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است «۱۹۴».

﴿الأنفال﴾ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرَنَّاكَ كَثِيرًا لَفَشَلْتُمْ ۖ وَتَنَّزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٩٢﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٩٣﴾

به یاد آری ای رسول ما آنگاه که در خوابت دشمنانت را در چشم تو اندک نشان دادیم و اگر سپاه دشمن را بسیار بچشم شما نشان داده بودیم کاملاً هراسان می‌شدید و پس از آن بعلت اختلاف و مجادله زیاد، شکست می‌خوردید لیکن خدا به شماها ثابت کرد که او دانا و متصرف در اندیشه‌های درونی دلهاست. «۴۳» و نیز به

یاد آرید زمانی که با دشمنی ملاقات کردید، خداوند آنها را کم و شما را در چشم آنان کم نشان داد تا خداوند آنها را، که در قضای حتمی خود مقدر نموده بود اجرا فرماید و بسوی اوست باز گشت امور. «۴۴»

﴿الحشر﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۚ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا ۖ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ۚ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿۲﴾

آن خداست که کافران را که از اهل کتاب بودند برای اولین بار از دیارشان بیرون کرد که هرگز گمان نمی کردید خارج شوند و آنها می پنداشتند که آن دیوارهای بلند و حصارهای محکم که ساخته بودند مانع از آن می شود که از طرف خدا آسیب به آنها برسد لیکن عذاب خدا از آنجا که گمان نمی بردند به آنها فرا رسید و در دلشان ترس و وحشت افکند تا بدست خود و بدست مؤمنان خانه هاشان ویران کردند، پس از این ماجرا پند و عبرت یاد گیرید ای کسانی که چشمهای بینا دارید. «۳»

﴿النساء﴾ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿۸۱﴾

کسانیکه اهل ایمانند در راه خدا جهاد می کنند و کافران در راه شیطان می جنگند پس شما مؤمنان بر علیه دوستان شیطان بجنگید و از آنها هیچ گونه ترس و بیمی نداشته باشید که مکر و نیرنگ شیطان بسیار سست و بی اساس است. «۷۶»

﴿الأنفال﴾ إِذْ يُوحِي رُؤُوكَ إِلَى الْمَلَكِ أَنِي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا قُوتِ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿٧٦﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧٧﴾

و بیاد آر ای رسول آنگاه پروردگار توبه فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، مؤمنان را ثابت قدم بدارید که همانا من ترس در دل کافران می افکنم تا گردنهایشان بزید و همه انگشتان را قطع کنید. «۷۷» این کیفر کافران را برای آنست که آنان با خدا و رسول او سخت مخالفت کردند و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت بپیماید خدا هم در مقابل او بسیار سخت گیر است «۷۸».

﴿المائدة﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٥﴾



ای اهل ایمان یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، برخی از آنها دوستدار برخی دیگرند و همانا خداوند ستمکاران را هدایت نخواهد نمود «۵۱»

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنََكُمْ هُـٰٓؤُلَاءِ وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِيْنَ
 اُوتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفٰرَ اَوْلِيَآءَ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٥١﴾
 ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را
 به مسخره و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او
 ایمان دارید. «۵۷»

اِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ ۚ وَالَّذِيْنَ ءَامَنُوْا الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ
 الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُوْنَ ﴿٥٢﴾

در حقیقت دوستدار و یاور شما تنها خدا و رسول او، و مؤمنانی
 هستند که نماز را پاداشته و به فقیران در حال رکوع زکات می دهند. «۵۵»

«الزُّمَرُ» اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ۚ وَتُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۚ وَمَنْ
 يُّضِلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٥٣﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّضِلٍّ ۗ اَلَيْسَ اللّٰهُ
 بِعَزِيْزٍ اَنْتِقَامٍ ﴿٥٤﴾

آیا خدا برای بنده اش کافی نیست که تو را از قدرت های
 غیر خدائی می ترسانند پس هر که خدا گمراهش کند دیگری
 راهنمای او نخواهد بود «۳۶» و هر کس خدا بلطف خود او را هدایت

کند دیگر احدی نمی تواند او را گمراه کند آیا خدا مقتدر و غالب و منتقم از ستمکاران نیست؟ ﴿۳۷﴾

﴿البقره﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقْتَلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۸﴾

از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام می پرسند، بگو! جنگ در آن (گاهی) بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا (که اسلام است) و بازداشتن مردم از مسجد الحرام و اخراج ساکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن است، و برگرداندن مردم از دین (با ایجاد شبهه ها در دلهای مسلمانان و شکنجه ایشان و غیره) بدتر از کشتن است. (و مشرکان پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند، ولی کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت برباد می رود و در آتش جاویدان دوزخ برای همیشه میمانند). ﴿۲۱۷﴾

﴿التَّوْبَةُ﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ أَسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۚ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

پیغمبر و مؤمنان را نسزد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هرچند که خویشانند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته‌اند، و) بی گمان مشرکان اهل دوزخند» ۱۱۳ «طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، بخاطر وعده‌ای بود که خداوند بدو داده بود، ولی هنگامی که برای او روشن شد که پدرش در قید حیات بر کفر اصرار می‌ورزید و برابر وحی آسمانی دار فانی را وداع می‌گوید، دانست که او دشمن خدا است، از او بیزاری جست، و ترک طلب آمرزش برای وی گفت: واقعاً ابراهیم بسیار مهربان و دست‌بدعا و فروتن و شکیا بود. «۱۱۴»

﴿التَّوْبَةُ﴾ قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَتُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيُفْزِئُ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١١٥﴾ وَيَذْهَبُ غِظُ قُلُوبِهِمْ ۚ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٦﴾

(ای مؤمنان) با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و رسوا و خوارشان دارد و شما را برایشان پیروز گرداند (و با فتح و پیروزی مؤمنان بر کافران) سینه‌های اهل ایمان را شفا

بخشد (و بر دلهای زخمی ایشان مرهم نهد و درد، دیرینه اذیت و آزار کفار را از درون آنان بزدايد) «۱۴» و کینه را از دلهایشان بردارد و شادی و پیروزی جایگزین آن گرداند. همه باید بدانند که خداوند توبه هر کس را بخواهد و شایسته‌اش بداند می‌پذیرد، لذا کافران می‌توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به سوی خدا برگردند و اسلام را بپذیرند، خداوند آگاه از کار و بار بندگان، و در قانونگذارها دارای حکمت فراوان است. «۱۵»

﴿الْأَنْفَالُ﴾ وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَیَكُونَ الذِّینُ كَلَّمَهُ اللَّهُ
فَارِ بَ أَنْتَهُوَ فَارِ بَ اللَّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ بَصِیرٌ ﴿۱۵﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ
مَوْلَانِکُمْ یَعْمَ الْمَوَلٰی وَیَعْمَ النَّصِیرُ ﴿۱۶﴾

و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند) پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند و اسلام را بپذیرفتند، دست از آنان بردارید، چرا که خدا می‌بیند چیزهائی را که می‌کنند (کیفرشان می‌دهد «۳۹» و اگر پشت کردند و به روی گردانی خود از حق، و آزار مؤمنان ادامه دادند، بدانید که شما تحت سرپرستی خدا قرار دارید و خداوند سرپرست شما است و او بهترین یار و مددکار است. «۴۰»

﴿الأنفال﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَنِعْ لَهُا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِتَقْوِهِمْ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦١﴾

و اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای و در پذیرش پیشنهاد صلح تردید و دو دلی مکن و شرائط منطقی و عاقلانه و عادلانه را بپذیر و بر خدای توکل نمای که او شنوای گفتار و آگاه از رفتار همگان است. «۶۱» و اگر بخواهند تو را فریب دهند و منظورشان از گرایش به صلح مکر و کید باشد، باکی نداشته باش، چرا که خدا برای تو کافی است، او همان کسی است که تو را با یاری خود و توسط مؤمنان مهاجر و انصار تقویت و پشتیبانی کرد.

ایمان خود را استوارتر سازید

﴿البقره﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۳﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۲۴﴾

و هرگز نام خدا را هدف سوگندهای خود مکنید تا آنکه به این غرض از حقوقی که مردم را بر شماست برائت جوئید و خود را پرهیزکار قلم دهید و مصلح میان مردم شوید که خدا راست و دروغ مردم را می شنود و می داند. «۲۲۴» خدا بر سوگندهای لغوی پیوده شما را مؤاخذه نمی کند و لکن به آنچه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد و خدا آمرزنده و بردبار است. «۲۲۵»

فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿۲۲۵﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۲۶﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۲۲۷﴾

بعضی از مردم کوتاه نظر از خدا تنها تمنای متاع دنیوی می کنند و آنان را از نعمت آخرت نصیبی نیست. «۲۰۰» و بعضی دیگر گویند بار خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت بهره مند گردان و از شکنجه آتش دوزخ نگاهدار. «۲۰۱» هر یک از این دو فرقه از نتیجه اعمال

خود بهره‌مند خواهند گشت و خدا به حساب همه سریعاً رسیدگی می‌کند. «۲۰۲»

وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيًا فَاسْتَخِفُّوا الْخَيْرَاتِ إِنَّمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَيْبِهِ أَنْ ءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُبْعَثُ وَأُمِّيْتُ قَالَ أَنَا أُخِيَّ وَأُمِّيْتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٠٤﴾

هر ملتی را جہتی است کہ بہ ہنگام نماز بدانجا رو می‌کنند پس بہ سوی نیکہا ہشتاید و در انواع خیرات ہر یکدیگر سبقت بگیرید ہر جا کہ باشید خدا ہمگی شما را گرد می‌آورد و بہ حساب ہمگان رسیدگی می‌کند و جہات در امر دین بی‌ارزش است بلکہ خیرات و نیکہا ارزشمند است و خدا ہر چیز توانا است «۱۴۸» آیا ندیدی کہ پادشاہ، زمان ابراہیم، درباره یکتائی خدا با ابراہیم بہ جدل و احتجاج برخاست و چون ابراہیم گفت: خدا آنست کہ زندہ گرداند و بمیراند پادشاہ گفت: من نیز چنین توانم کرد، کہ دو زندہ را یکی کشت و یکی را آزاد کرد، ابراہیم باز گفت کہ خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد تو اگر توانی از مغرب بیرون آر، آن نادان کافر در جواب عاجز ماند کہ خدا را ہنمای ستمکاران نخواہد بود. «۲۵۸»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أُولَٰئِكَ تُؤْمِنُونَ ۖ قَالَ بَلَىٰ
وَلَكِن لِّيَبْطِئَ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطُّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ
كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ أَدْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا ۖ وَاعْلَمَنَّ أَنِ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و چون گفت ابراهیم بار پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خداوند فرمود: آری به آن ایمان نداری؟ گفت: آری ایمان دارم و لکن می‌خواهم تا از آن راه دلم آرام گیرد. خداوند فرمود: چهار مرغ بگیر و گوشت آنها را در هم آمیز آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذار سپس آن مرغان را بخوان تا بسوی تو شتابان پرواز کنند، و آنگاه بدان که همانا خداوند بر همه چیز توانا و به حقایق امور عالم داناست. (۲۶۰)

ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللَّهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۚ لَا تَفْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٦١﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ
لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۚ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن كُنتُمَا إِن كُنتُمَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتُمْ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَىٰ

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٢﴾

رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورد و مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و گفتند: ما میان هیچیک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یک دل فرمان خدا را شنیده و از او اطاعت کردیم، پروردگارا ما آمرزش تو را می خواهیم و می دانیم که بازگشت همه به سوی تو است. «۲۸۵» خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر بقدر توانائی او، و روز جزائیکی های هر شخصی به سود خود او، و بدیهایش نیز به زبان خود اوست، بار پروردگارا ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا کرده ایم مؤاخذه مکن، بار پروردگارا تکلیف گران و طاقت فرسا چنانکه بر پیشینیان نهادی، بر ما مگذار، بار پروردگارا تکلیفی فوق طاقت ما را به دوش منه و بیامرز و ببخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما تنها سلطان ما و یار و یاور ما توئی و ما را برای پیروزی بر کافران یاری فرما. «۲۸۶».

﴿ال عمران﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۱﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴿۲﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۳﴾

بار پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت فرمودی، بار دیگر ما را بسوی باطل میل مده و بما از لطف خویش رحمتی عطا فرما، که همانا توئی بخشنده بی عوض و منت. «۸» پروردگارا محققاً که تو

همه خلق را در روزی که شکی در آن نیست گردآور می‌نمائید
بدرستی که خداوند ما خلف وعده نمی‌کند. «۹»

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمْنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۹﴾

آنانیکه به درگاه پروردگار خویش پناه آوردند می‌گویند
خداوندا ما به تو ایمان آوردیم پس به کرم خود گناهان ما ببخش و
ما را از عذاب آتش جهنم نگاهدار. «۱۶»

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنَزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ
وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۶﴾
تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمَاتِ
وَتُخْرِجُ الْمَمَاتِ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۱۷﴾

بگو ای پیغمبر بار خدایا ای پادشاه ملک هستی تو هر که را
خواهی عزت ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی بگیری
می‌گیری و از هر که خواستی عزت می‌بخشی و هر که را خواهی
خوار گردانی پس هر خیر و نیکویی به دست تو است و تنها تو بر هر
چیز توانائی. «۲۶» شب را در روز نهان سازی و روز را در شب
ناپدید گردانی و بیرون آوری زنده را از مرده و بیرون می‌آوری
مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بدون حساب. «۲۷»

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي
الْأَلْبَابِ ﴿۲۷﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي

خَلَقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ ﴿١٩٠﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ
﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا
وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ آلِيعَادَ ﴿١٩٣﴾
فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَى ﴿١٩٤﴾

محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز
برای صاحبان خرد نشانه‌هایی است. «۱۹۰» آنهایی که در هر حالت
ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد می‌کنند و دائم فکر در خلقت
آسمان‌ها و زمین کرده و گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت را
بیهوده نیافریده‌ای تو پاک و منزهی ما را بلطف خود از عذاب آتش
نگاه دار. «۱۹۱» ای پروردگار ما هر که در آتش افکنی او را سخت
خوار کرده‌ای و او ستمکار بوده و ستمگران را هیچکس یاری
نخواهد کرد. «۱۹۲» پروردگارا چون ما صدای منادی که خلق را به
ایمان می‌خواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا از
گناهان ما در گذر و زشتی کردار ما بپوشان و هنگام جان سپردن، ما
را با نیکان محشور گردان. «۱۹۳» پروردگارا ما را از آنچه به رسولان
خود وعده دادی نصیب بفرما و ما را در، روز قیامت خوار مگردان
که تو خلف وعده نمی‌کنی. «۱۹۴» پس پروردگار دعای آنها را

اجابت کرد و فرمود: من، عمل هیچ عمل کننده از مرد و زن را ضایع نمی کنم. «۱۹۵»

﴿الْحَشْر﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ ﴿١٩٦﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٩٧﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ الْغَيْبُ وَالشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٩٨﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٩﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٠٠﴾

هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند، بدرستی که اهل بهشت پیروز و سعادت مند عالمند. «۲۰۰» و اگر ما این قرآن عظیم الشان را بر کوهی نازل می کردیم، مشاهده می کردی که کوه از ترس خدا شکاف بردار می گشت و این مثلها را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل عقل و اندیشه از آن بهره بگیرند. «۲۰۱» خدا کسی است که جز او پروردگار و محبوبی نیست، آگاه است به امور نهان و آشکار و تنها اوست که دارای مرحمت بی پایان است «۲۰۲» اوست خدای یکتائی که غیر از او خدایی نیست سلطان مقتدر، عالم، پاک از هر نقص و آلایش و منزله از هر عیب، پادشاهیست

ایمنی بخش نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه موجودات، با جبروت و عظمت و بزرگواری و برتری و پاک از هر چه بر او پندارند. «۲۳» اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدیدآورنده بی سابقه و صورت بندی کننده، مخصوص و تنها از آن اوست نامهای بی عیب و زیبا، و آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم.

«۲۴»

﴿الأنفال﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۲۵﴾

مؤمنان کسانی هستند که چون ذکرى از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و بر خدای خود در هر کارى توکل مى کنند. «۲۵»

﴿الرعد﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۶﴾

آنهاى کىکه به خدا ایمان آوردند دلهاشان بیاد خدا آرام مى گیرد، حقیقتاً که نام خدا آرام بخش دلهاست. «۲۶»

﴿یونس﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۲۷﴾ دَعَوْنَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتُهَا فِيهَا سَلَامٌ ۚ وَأَخْرَجُوا دَعَوْنَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۸﴾

آنانکه ایمان بخدا آورده و نیکوکار شدند، خدا هم به خاطر همان ایمان، آنها را براه سعادت و طریق بهشت راهنمایی می کند تا بنعمتهای ابدی بهشتی که نهرها زیر درختانش جاریست متنعم گردند. «۹» و در آن بهشت زبان شوق به تسبیح و تقدیس خدا گشایند که بار الها تو از هر نقص و آلائش پاک و منزهی و ثنای آنها در بهشت سلامت ابدی می بخشد و آخرین سخن شان حمد پروردگار عالمیان است. «۱۰»

﴿التَّوْرَ﴾ فِي بُيُوتٍ أُنْزِلَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿١٠﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿١١﴾

در آن خانه ها که خداوند اجازه داده است برافراشته شوند و در آنها نام خدا برده شود و با ذکر و یاد او، و با تلاوت آیات قرآنی، و بررسی احکام آسمانی آباد شود، خانه های مسجد نامی که در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان پردازند «۳۶» مردانی که بازرگانی و معامله ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی سازد، از روزی می ترسند که دلها و چشمها در آن دگرگون و پریشان می گردد. «۳۷»

﴿آل عمران﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است. «۳۱» بگو از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی‌دارد. «۳۲»

﴿الأنعام﴾ قُلْ أَغْفِرُ اللَّهُ أَمْ أَخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۴﴾

بگو آیا غیر خدا را معبود و یاور خود بگیرم؟ در صورتی که او آفریننده آسمانها و زمین است و او روزی می‌دهد و همه بدو نیازمندند و هرگز به او روزی داده نمی‌شود و نیازمند کسی نیست، بگو به من دستور داده شده است که نخستین کسی باشم که از این امت خویشتن را خالصانه تسلیم فرمان خدا کند و مسلمان باشد و نیز خدا به من دستور داده است که از زمره مشرکان مباش. «۱۴»

﴿یونس﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ

الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذِكْرُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا
بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾

بگو چه کسی از آسمان به وسیله اشعه و باران و از زمین به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها به شما روزی می‌رساند؟ یا چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، یا چه کسی بر گوش و چشمها توانا است و آنها را می‌آفریند و به آنها نیروی شنوائی و بینائی می‌دهد؟ یا چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (وحیات و ممات در دست او است)؟ و یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند (و کارساز و کارگردان است)؟ (پاسخ خواهند داد و خواهند گفت: آن خدا است، چرا که آفریدگار جهان و روزی رسان مردمان و مدیر کار و بار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است) پس بگو آیا نمی‌ترسید و از خشم و عذاب خدا نمی‌پرهیزید. «۳۱» پس همانگونه که بعد از حق جز گمراهی نیست، همانگونه هم فرمان پروردگار تو درباره کسانی که (برخلاف حکم عقل و ندای وجدان، از دستور یزدان سبحان) سرپیچی می‌کنند (و بزهرکاریها و سرکشیا دلشان را تاریک و روحشان را آلوده می‌کند و آگاهانه به بیراهه می‌روند صادر شده است که ایمان نیاورند) چرا که با انجام نابایستها و ناشایستها محکوم به این شده‌اند) «۳۲»

چاره‌ای برای غلبه بر یأس و نومیدی

﴿آل عمران﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمُ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمَرَحَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

این کتاب خدا و آیات او حجت و بیانست برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزکاران «۱۳۸» شما مسلمانان نه هرگز در امور دین سستی کنید و نه اندوهناک شوید، زیرا بلندمرتبه‌ترین ملل دنیا شما هستید اگر در ایمان ثابت قدم باشید «۱۳۹» اگر به شما آسیبی رسید، به دشمنان شما نیز آسیب رسیده است و این روزگار را به اختلاف و تفاوت میان خلائق می‌گردانیم تا از شما مؤمنان هر که ثابت در دین است بر دیگران گواه باشد و خداوند ستمکاران را دوست ندارد. «۱۴۰» و تا اهل ایمان را از هر عیب و نقص پاک و کامل گرداند و کافران را نابود سازد «۱۴۱» آیا گمان می‌برید که به بهشت وارد می‌شوید بدون آنکه خدا شما را امتحان کند و آنان را

که جهاد، در راه دین کرده و آنها که در سختی‌ها صبر کرده‌اند مقامشان معلوم گرداند. «۱۴۱»

﴿الصفات﴾ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوحًا فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُرًّا أَبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَّمْهُ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُمْ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

و همانا نوح ما را ندا کرد و ما او را چه نیکو اجابت کردیم «۷۵» و او را با خاندان و پیروانش از بلای بزرگ نجات دادیم «۷۶» و اولاد و ذریه او را، روی زمین باقی داشتیم «۷۷» و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم «۷۸» سلام بر نوح در میان جهانیان «۷۹» ما چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم «۸۰» او به حقیقت از بنندگان باایمان ما بود «۸۱»

﴿ص﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٨٢﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لَأُولَىٰ الْأَلْبَابِ ﴿٨٤﴾ وَخَذْ بِمِصْكٍ مُّضْغًا فَاصْطَبْ بِهِ وَلَا تُحَنِّثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٨٥﴾

(ای محمدا) خاطر نشان ساز، سرگذشت بنده ما ایوب را که پروردگار خود را بفریاد خواند و گفت: اهریمن مرا دچار رنج و درد کرده است «۴۱»

به او گفتیم پای خود را به زمین بکوب، این چشمه آبی است که هم برای شستشوی تنت مفید است و هم برای نوشیدن گوارا و سودمند است» (۴۲) و ما اهل و فرزندانمان که از او گرفته بودیم و بقدر آنها هم علاوه به او عطا کردیم، تا در حق او لطف کنیم و همچنین تا صاحبان عقل و اندیشه متذکر شوند «(۴۳) ای ایوب و بسته‌ای از چوبهای نازک بگیر، و با آن زنت را بزن و قسمت را مشکن ما او را مقاوم یافتیم، بنده‌ای خوب است ایوب و بسیار رجوع کننده» (۴۴).

﴿التوبه﴾ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥١﴾

و خداوند لطف فرمود: بر آن سه نفر که از جهاد تخلف کرده بودند، تا آنکه زمین باو، وسعتی که داشت بر آنها تنگ شده و چون خیلی از خود دلشنگ شده بودند متوجه شدند که به جز در پناه خدا، پناهگاهی دیگر وجود ندارد سپس خداوند به آنها لطف کرد و توبه آنها پذیرفت، حقیقتاً که خدا بسیار توبه‌پذیر و در حق خلق مشفق و مهربانست. «(۱۱۸)»

﴿النمل﴾ أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

آیا بجز خدا کسی هست دعای بیچارگان را اجابت کند و رنج و عذاب آنها را برطرف سازد و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار دهد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست که اندکی از شما متذکر این حقیقتند. «۶۲»

(یوسف) قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٣﴾ يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْفُؤُومُ الْكَافِرُونَ ﴿٦٤﴾

یعقوب به فرزندان خود گفت: من با خدا غم و درددل خود گویم و از لطف بی حد و حساب خدا چیزی می دانم که شما نمی دانید «۸۶» ای فرزندان من بروید و از حال یوسف و برادرش تحقیق کنید و هیچگاه از رحمت خدا نومید مباشید که هرگز جز قوم کافرین هیچکس از رحمت خدا نومید نیست. «۸۷»

قَالُوا تَأَلَّه لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٦٦﴾ أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَلَتْ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٦٨﴾ قَالُوا تَأَلَّه إِنَّكَ لَفِي ضَلَالٍ الْقَدِيمِ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْفَهُ عَلَى

وَجْهِهِ، فَأَرْتَدَّ بِصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِمَّنْ آلِهَةٍ مَا لَا تَعْلَمُونَ

۱۱

برادران به یوسف گفتند: به خدا که خدا تو را بر ما برگزید و ما مقصر و خطاکاریم «۹۱» یوسف گفت: هیچ شرمنده و متأثر نباشید که من همه شماها را عفو کردم و بی شک خدا هم شماها را عفو خواهد کرد که او مهربانترین مهربانانست «۹۲» اکنون پیراهن مرا نزد پدرم یعقوب برده و به روی او افکنید تا دیدگانش باز بینا شود، آنگاه او را با همه اهل بیت و خویشان به کنعان مصر آرید «۹۳» و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنند من بوی یوسف را حس می‌کنم. گفتند: قسم به خدا تو از قدیم زمان تا اکنون حواسست پریشان و عقلت مشوش است. پس از آن بشارت‌دهنده مژده پیدا شدن یوسف را آورد و پیرهن او را به رخسار یعقوب افکند و سرانجام دیده انتظار یعقوب را به وصل یوسف روشن شد و گفت: مگر نگفتم. من چیزی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید. «۹۶»

﴿الأنبياء﴾ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي

الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۹۷﴾

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَجَلْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَوِّجُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۹۸﴾

و ییاد آرید حال یونس را هنگامیکه از میان قوم خود غَضَبْنَا ک
بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه نمی‌افکنیم
آنگاه در آن ظلمتها فریاد کرد که الهای، خدائی جز ذات تو نیست،
تو از هر شریک و هر عیب و آلائش پاک و منزهی، و من از
ستمکارانم «۸۷» پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از
گرداب غم نجات دادیم و اهل ایمان را اینگونه نجات می‌دهیم.
«۸۸»

﴿الزمر﴾ قُلْ يٰٓعِبَادِیَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوا عَلٰٓی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ
اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِیْعًا ۚ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ ﴿۵۳﴾

ای رسول (از قول خدا به مردمان بگو): ای بندگانم، ای کسانی
که در معاصی زیاده‌روی کرده‌اید، از لطف و مرحمت خدا مأیوس
و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد. چرا که او
بسیار آمرزگار و بسی مهربان است «۵۳».

﴿القلم﴾ فَاَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْاُخُوْتِ اِذْ نَادٰی وَهُوَ
مَكْنُوْمٌ ﴿۵۴﴾ لَوْلَا اَنْ تَدَارِكُمۡ رِعْمَةُ مِّنْ رَبِّهٖ لَنُبَذَ بِالْاَعْرَآءِ وَهُوَ مَذْمُوْمٌ ﴿۵۵﴾
فَاَجْتَبٰهُ رَبُّهٗ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ ﴿۵۶﴾

پس بحکم خدا صبر کن و مانند یونس مباش که در شکم ماهی
در حالیکه غم و اندوه او را فرا گرفته بود، ما را خواند «۴۸» که اگر
لطف خدا او را درک نکرده بود، بصحرائی بی‌آب و گیاه افکنده

شده بود، در حالیکه نیز مذمت شده بود. «۴۹» باز خدایش برگزید و از صالحانش گردانید. «۵۰»

«الشرح» اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿۱﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿۲﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿۳﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿۴﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۵﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۶﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿۷﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۸﴾

آیا ما سینه تو را نگشودیم «۱» و بار سنگین تلاش فراوان برای هدایت مردمان از دوش تو برداشتیم «۲» همان بار سنگین که پشت تو را درهم شکسته بود. «۳» و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم «۴» چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است «۵» مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است «۶» هرگاه از کار مهمی پرداختنی بدنبال آن، به کار مهم دیگری پرداز و در آن بکوش «۷» و یکسره به سوی پروردگارت روی آر و تنها بدو دل و امید ببند و جز به او خود را مشغول مساز. «۸»

آیا انسان در این جهان پر از فراز و نشیب تنهاست

(یونس) **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٠﴾**
الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦١﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٢﴾

آگاه باشید که دوستان خدا هیچ گونه ترس از آینده و هیچ اندوهی از گذشته نباید به دل راه بدهند. «۶۲» کسانی که ایمان آوردند و خود را از گناه دور نموده‌اند «۶۳» پیوسته برای آنها که هم در دنیا به وسیله الهامات قلبی و مکاشفات در عالم خواب و هم در آخرت به نعمتهای بهشت نائل می‌گردند حقیقتاً که در سخنان خدا هیچ گونه تبدیل و تغییری نیست و این یک پیروزی بزرگ است برای دوستان خدا. «۶۴»

(الزمر) **وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾**

ای رسول در روز حساب فرشتگان رحمت می‌بینی که گرداگرد عرش با عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش از خدا مشغولند و هنگامیکه بین اهل بهشت و دوزخ قضاوت می‌شود، می‌گویند: سپاس و ستایش تنها مخصوص خدای جهانیا نیست. «۷۵»

﴿غافر﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٦٠﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦١﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَجِمْتَهُ^۱ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٢﴾

فرشتگانیکه عرش الهی را بردوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند، به ستایش حق مشغولند، به خدا ایمان دارند و برای اهل ایمان نیز آمرزش می طلبند و می گویند: ای پروردگار ما مهربانی و علم تو همه چیز را فرا گرفته است پس بیامرز آنانی را که توبه کرده اند و از راه تو تبعیت کرده اند و آنها را از عذاب جهنم دور نگهدار. «۷» پروردگارا، تو آنها را در بهشت عدنی که وعده فرمودی با پدران و مادران صالح و همجفت و فرزندان شان واصل گردان که همانا توئی خدای باحکمت و اقتدار. «۸» و مؤمنان را از ارتکاب اعمال زشت نگهدار که هر که تو از زشتکاری محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده ای و آن بحقیقت رستگاری بزرگ خواهد بود. «۹»

﴿الحج﴾ إِنْ أَلَّهَ يُدْفِعْ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَلَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ

خداوند دفاع می کند از مؤمنان و بسبب ایمانشان پیروزشان می گرداند و هیچگاه خیانت پیشگان کافر را دوست نمی دارد «۳۸».

﴿فَصَلِّ﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۳۹﴾ لَكُمْ فِيهَا مَأْوَاكُمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿۴۰﴾ ثَلَاثًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿۴۱﴾

بدرستی آنانیکه گفتند پروردگار ما خداست و براین ایمان پایدارند فرشتگان رحمت بر آنها فرود می آیند و مزده می دهند که دیگر شماها هیچ ترسی از آینده و هیچ اندوهی از گذشته نداشته باشید و شما را بهمان بهشتی که به انبیا وعده داده شده است بشارت باد. «۳۹» و ما در دنیا و آخرت دوستداران شمائیم و برای شماست در آن بهشت آنچه را که دلان بخواهد و برای شماست در آن بهشت آنچه را طلب کنید. «۴۰» این سفره احسان را خدای غفور و مهربان به پاداش ثبات ایمان برای شما گسترده است. «۴۱»

﴿الشورى﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ

وَحَمْدُ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۴۲﴾

نزدیک است که آسمانها از فراز شکافته شود و فرشتگان به ستایش خدای خود تسبیح گویند و برای اهل زمین از خدا مغفرت و

آمرزش می طلبند و ندا کنند که الا ای بندگان بدانید که این خداست که در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است. «۵»

﴿الْأَحْزَابُ﴾ يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٥٠﴾ وَسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٥١﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَحِيْمًا ﴿٥٢﴾

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خدا را به دل و زبان بسیار کنید. «۴۱» و دائم صبح و شام به تسبیح و تنزیه ذات پاکش پردازید. «۴۲» خداست که با فرشتگانش برای شما رحمت می فرستد تا شما را از ظلمتها بیرون آرد و به عالم نور رساند و او براهل ایمان بسیار رئوف و مهربانست. «۴۳»

﴿التَّوْبَةِ﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢٨﴾ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿١٢٩﴾

همانا رسولی از میان شما برای هدایت خلق آمده است که از فرط محبت، فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما براو سخت می آید و بر آسایش و نجات شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربانست. «۱۲۸» پس ای رسول اگر مردم از تو رو گردانیدن بگو خدا مرا کفایت است که جز او خدائی نیست، من براو توکل کرده ام که خدای جهان و رب عرش بزرگ اوست. «۱۲۹»

﴿الرَّعْد﴾ لَهُمْ مُعَقِّبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِمْ يُحَافُظُونَهُمْ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ^{۴۶}
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^{۴۷} وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا
 فَلَا مَرَدَّ لَهُمْ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿۴۸﴾

برای هر کسی پاسبانهایی از پیش رو و پشت سر گماشته شده‌اند تا با امر خدا او را نگهبانی کنند و خدا با آنهمه مهربانی به خلق حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانیکه خود آن قوم حالشان را تغییر دهند و هرگاه خدا اراده کند که قومی را به بدی اعمالشان عقاب کند آن قوم هیچ راه دفاعی نداشته و هیچ کس جز خدا یاری نیست که آن بلا را دفع کند. «۱۱»

﴿الحجر﴾ وَتَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿۴۹﴾
 لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرِجِينَ ﴿۵۰﴾

ویرکنندیم آنچه از کین و حسد بود در دل آنها تا همه برادروار دوستدار یکدیگر باشند و روبروی هم بر تخت عزت بنشینند. «۴۷» و هیچ رنج و زحمتی در آنجا به آنها نمی‌رسد و هرگز از آن بهشت بیرونشان نکنند. «۴۸»

﴿التوبه﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ^{۴۹} وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۰﴾

(ای پیغمبر!) از اموال آنان (که به گناه خود اعتراف دارند و در صدد کاهش بدیها و افزایش نیکیهای خویش می‌باشند) زکات بگیر

تا بدین وسیله ایشان را (از رذائل اخلاقی و گناهان، و تنگچشمی) پاک داری، و (در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و درجات) ایشان را بالا ببری، و برای آنان دعا و طلب آمرزش کنی که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه آرامش (دل و جان) ایشان می شود (و سبب اطمینان و اعتقاد بیشترشان می گردد) و خداوند شنوای (دعای مخلصان و) آگاه (از نیات همگان) است. «۱۰۳»

﴿النحل﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٠٣﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ يُحْسِنُونَ ﴿١٠٤﴾

(ای پیغمبر! تو نیز در برابر مصائب و صحنه های جانسوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید) شکیبائی کن و شکیبائی (هر کس دیگری) جز در پرتو (لطف رحمان و به یاری) و توفیق یزدان میسر نیست. (اگر کافران ایمان نیاوردند). بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که می ورزند (و توطئه هایی که به راه می اندازند) ناراحت و نگران مباش (و خویشترا در پناه خدا دار «۱۲۷» بیگمان خدا با کسانی است که نیکو کار باشند و (با انجام اوامر الهی خویشتن را به لطف ایزد نزدیک سازند. «۱۲۸»

﴿محمد﴾ فَأَعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿١٢٨﴾

بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه. خدا از حرکات و سکناتان کاملاً آگاه است (و می داند به کجا می روید و در کجا زندگی می کنید و چه می کنید و چه نمی کنید. «۱۹»)

طه ﴿ قَالَ لَا تَخَافَا ۖ إِنِّي مَعَكُمَا أَصْمَعُ وَأَرَى ۝ ﴾

گفتند: پروردگارا! ما از این میترسیم، او پیش دستی کند و قبل از دریافت پیام ما، ما را به قتل برساند «۴۵» فرمود: نترسید من با شما هستم می شنوم و می بینم «۴۶».

نسخه‌ای قرآنی جهت آرام نمودن درد بیماران

﴿القدر﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَمْرٌ مِّنْ أَلْفِ سَنَةٍ ﴿۳﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾

ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم «۱» و چه تو را به شب قدر آگاه تواند کرد «۲» شب قدر آن شبی است که از هزار ماه بهتر است «۳» در این شب فرشتگان و روح با همراه داشتن فرامین نجات بخش از جانب خدا برای مؤمنان به سرزمین فرود می‌آیند «۴» تا در این شب فرخنده همه به سلامتی به دعای خیر برای یکدیگر بپردازند. «۵»

﴿فصلت﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۖ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۚ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۚ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرْوهُ عَلَيْهِمْ عَمًّى ۚ أُولَٰئِكَ يُنَادُّونَ مِمَّنْ بَعِيدٍ ﴿۱﴾

و اگر ما این قرآن را بزبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: آیات این کتاب مفصل و روشن نیست آیا رواست کتاب عجمی بر رسول ما که عربیست نازل شود؟ به آنها بگو این کتاب برای اهل ایمان هدایت کنند. و شفا بخش است اما آنانکه ایمان نمی‌آورند، در

گوشه‌ایشان سنگین است و نیز آن برای آنها مایه کوریست پس از آن آنها را از دور صدا زده می‌شوند. «۴۴»

﴿الصافات﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۴۵﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

﴿۴۶﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿۴۷﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۴۸﴾

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ ﴿۴۹﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۵۰﴾ *

فَتَبَدَّلْنَاهُ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿۵۱﴾ وَأُنَبِّئُكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِّنْ يَّقُوطٍ ﴿۵۲﴾

و یونس نیز یکی از رسولان ما بود «۱۳۹» که چون بکشتی پرجمعیتی گریخت «۱۴۰» آنها قرعه زدند که بنام یونس درآمد پس او از غرق شدگان گردید. «۱۴۱» در حالی که او ملامت کننده مردم بود ماهی دریا، او را یکام خود فرو برد «۱۴۲» و اگر او بستایش و تسبیح پروردگار خود نمی‌پرداخت «۱۴۳» تا روز قیامت در شکم ماهی مانده بود. «۱۴۴» باز یونس را در حالیکه بیمار بود، به صحرایی خشک و بی‌عرف و گیاه افکنیدیم. «۱۴۵» و در آن صحراء بر او درخت کدو رویاندیم. «۱۴۶»

﴿یونس﴾ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي

الْبُطُونِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾

ای مردمان، از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی جهت رهنمود زندگی آمد و درمانی برای درد سینه‌است که قرآن نام دارد و هدایت و رحمت برای مؤمنان است «۵۷».

(بس) إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِبُونَ ﴿٥٦﴾ هُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَجِيمٍ ﴿٥٨﴾

اهل بهشت در آن روز خوش بوجد و نشاط مشغولند «۵۵» آنان با همسرانشان زیر سایه درختان بهشت بر تختهایی تکیه کردند «۵۶» و برای آنها میوه‌های گوناگون و هرچه بخواهند آماده است «۵۷» و نیز فرشتگان رحمت برای آنها از خدای مهربان سلام و تحیت می‌رسانند. «۵۸»

(طه) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾

موسی بخدا عرضه داشت: پروردگارا پس شرح صدرم عطا فرما «۲۵» و کار مرا آسان گردان «۲۶» و عقده را از زبانم بگشا «۲۷» تا مردم سخنم را خوش فهم کرده «۲۸»

(مریم) فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهَا مَكَانًا قَصِيًّا ﴿١٦﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا ﴿١٧﴾ فَتَادَلَّهَا مِنْ تَحْتِهَا إِلَّا تَحَرَّىٰ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿١٨﴾ وَهَرَّىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْفِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَبِيًّا ﴿١٩﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ﴿٢٠﴾ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢١﴾

پس مریم به آن پسر باردار شد و بجائی دور از چشم مردم خلوت گزید «۲۲» آنگاه که او را درد زائیدن فرارسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت ناراحتی می گفت: ایکاش من پیش از این مرده بودم و از صحنه عالم بکلی نامم فراموش شده بود. «۲۳» از زیر آن درخت صدا کننده ای او را صدا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر درخت چشمه آبی جاری کرده. «۲۴» ای مریم شاخ درخت را حرکت ده تا از آن برای شما رطب تازه فرو ریزد. «۲۵» پس از این رطب تناول کن و از این چشمه آب بیاشام و چشم خود به دیدن عیسی روشن دار و چشمت به هر کس افتاد باو بگو: که من برای خدا نذر روزه سکوت کرده ام که امروز هر گز با هیچ کس سخن نخواهم گفت. «۲۶»

﴿النحل﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿۲۷﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا ۖ تَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۸﴾

و خدا به زنبور عسل وحی کرد که از کوهها و درختان و سقفهای بلند خانهها منزل گزید «۶۸» و سپس از میوه های شیرین تغذیه کنید و راه پروردگارتان را به طاعت پیمودید آنگاه از درون آنها شربت شیرینی به رنگهای مختلف بیرون آید که در آن شفاء

مردمانست، در این کار نیز آیت قدرت خداوند برای متفکران
پیداست. «۶۹»

﴿البقره﴾ مَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ
الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ
سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ



ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است، در آن
قرآن ادله و براهین بسیاری را برای هدایت و راهنمایی مردم بیان
شده است پس هر که دریابد ماه رمضان را روزه بدارد و هر کس
بیمار یا در سفر باشد به شماره آنچه روزه خورده است از ماههای
دیگر روزه دارد که خداوند برای شما حکم را آسان نموده و
تکلیف را بر شما مشکل نگرفته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کنید و
خدا را به عظمت یاد کنید که شما را به دین اسلام هدایت فرمود،
باشد که از این نعمت بزرگ سپاس گزار گردید. «۱۸۵»

﴿المزمل﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلَاثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلَاثُهُ
وَصَلَاةً مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۖ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مِمَّا نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ ۚ وَءَاخِرُونَ

يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ۚ وَآخَرُونَ يُقْتَتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ
 فَاَقْرَبُوا مَا تَسْتَرِ مِنْهُ ۖ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ
 وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ
 وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک به دو سوم شب، یا نصف، و یک سوم آن را نمی‌خواهید و به عبادت می‌پردازید، و خدا است که اوقات شب و روز را می‌داند و دقیقاً تعیین می‌کند، لذا برای شما تخفیف قائل شد و بر شما بخشید. پس آن مقدار از قرآن را در نماز بخوانید که برایتان میسر است. خدا می‌داند که کسانی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای جستجوی روزی و بدست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می‌کنند و دسته دیگر در راه خدا می‌جنگند. لذا آن مقدار که برایتان ممکن است در نماز شبانه قرآن بخوانید. نماز بگذارید و زکات مال‌بدر کنید و قرض الحسنه به خدا دهید. هر خوبی و خیری را که برای خود پیشاپیش می‌فرستید، نزد خداوند بهتر و به پاداش بیشتری خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید، چرا که خدا آمرزگار و مهربان است. «۲۰»

﴿فَاطِر﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ
 ﴿٣٣﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا
 فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٤﴾

اهل ایمان در بهشت جاوید به سپاس آن نعمتهای بی حساب زبان
 به ستایش خدا گشوده و می گویند حمد و ثنا برای خدا که حزن و
 اندوه از ما ببرد بدرستی خدای ما بسیار بخشنده و پاداش دهنده
 سپاس است «۳۴» آن خدائی را که از لطف و کرم خویش ما را به
 منزل دائمی بهشت وارد کرد که در اینجا هیچ درد و رنجی به ما
 نمی رسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت «۳۵».

﴿الشعراء﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ
 ﴿٣٦﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٣٧﴾

همان خدائی که ما را بیافرید هدایت می فرماید «۷۸» و همان
 خدائی که مرا طعام می دهد و سیراب می کند «۷۹» و همان خدائی
 که چون بیمار شویم ما را شفا می دهد «۸۰».

ارزش رعایت حجاب و اخلاق نیکو در جامعه

«النور» قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۲۴﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ خُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانُ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعَاتِ غَيْرَ أُولَىٰ إِلَازِمَةٍ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۲۵﴾

ای رسول ما به مردان مؤمن بگو: از نگاه ناروا چشم پوشی کنند و ناموس خود را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلح است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاهست «۳۰» و همچنین به زنان مؤمنات بگو: تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند و شرف و ناموس خود را از عمل زشت محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و بطوری حجاب خود را رعایت کنند که زینت و جمال خود بجز برای همسران و کسانی که محرم هستند مانند پدر و برادر و غیره، آشکار نسازند، و

هنگام راه رفتن آنطور پای بزمین نزنند که انگو و زیور پنهان پاهایشان معلوم گردد و ای اهل ایمان همه بدرگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید «۳۱».

﴿الاحزاب﴾ یٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّاَزْوَاجِكَ اِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزَيِّنَتَهَا فَعَلَّيْنِ اَمْتَعُكُنَّ وَاَسْرَحُكُنَّ سَرَاحًا حَمِيْلًا ﴿۳۱﴾ وَاِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَالدَّارَ الْاٰخِرَةَ فَلِاِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْمُحْسِنٰتِ مِنْكُمْ اُجْرًا عَظِيْمًا ﴿۳۲﴾ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَلَتْ مِنْكُمْ بِفَتْحِشِهٖ مُبِيْنَةٌ يُّضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۖ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسْرًا ﴿۳۳﴾ * وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتَعْمَلْ صٰلِحًا نُؤْتِهَآ اُجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا ﴿۳۴﴾ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لَسْتُنَّ كَآخِلٍ مِّنَ الْنِّسَآءِ ۚ اِنْ اَتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِيْ فِيْ قَلْبِهٖ مَّرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿۳۵﴾ وَقَرْنَ فِيْ بُيُوْتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ ۗ وَاَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَاَتِينَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۚ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِرًا ﴿۳۶﴾ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِيْ بُيُوْتِكُنَّ مِنْ ءَايٰتِ اللّٰهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا ﴿۳۷﴾

مفسرین درباره معنی و مفهوم این آیات می گویند: پس از آنکه خداوند قادر، پیروزی را نصیب رسول اکرم نمود و نقشه شوم احزاب را نسبت باو بی اثر ساخت، مسلمانان به رهبری پیغمبر اکرم

قریظه و نصیر را از دست قوم یهود بیرون ساختند و این امر باعث شد که مسلمانان چیزهای نفیس و گران مایه‌ای بعنوان غنیمت بدست بیاورند، و چون زنان پیغمبر اکرم پنداشته بودند که آن چیزها مخصوص رسول اکرم و خاندان اوست گرداگرد پیغمبر نشستند و عرض کردند: ای رسول خدا همانطور که می‌دانی زنان و دختران کسری و قیصر خود را به لباسهای زیبا و گران مایه و زینت آلات گوناگون پوشانیده‌اند و برعکس ما که در نهایت فقر و مضیقه زندگی می‌کنیم آنها با در اختیار داشتن همه امکانات در نهایت عیش و نوش و خوشی زندگی می‌کنند.

چون این سخنان بوی تجملگرایی و اشرافیت به مشام رسول خدا رساند دل مبارک ایشان را آزرده خاطر ساخت بنابراین از طرف خدای مهربان این آیات بر او نازل گردید که می‌فرماید: ای پیغمبر به زنان خود بگو که اگر شما زندگانی و زینت و زیور دنیا طالبید بیائید تا تمام حقوق شما را پرداخت کنم و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم «۲۸» و اگر طالب خدا و رسول خدا و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا به نیکوکاران از شما زنان در قیامت اجر عظیم عطا خواهد کرد «۲۹» ای زنان پیغمبر هر که از شما دانسته بکار ناروائی اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر خدا کار سهل و آسان نیست «۳۰» و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود برای او روزی بسیار نیکو در بهشت برین مهیا سازیم

«۳۱» ای زنان پیغمبر شما مانند زنهای دیگر نیستید بلکه مقامتان رفیع تر است اگر پرهیزکار باشید پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویید مبادا آنکه دلش در پی هوا و هوس است بطمع افتد بلکه متین و درست سخن گوئید «۳۲» و در خانه هاتان بنشینید و آرام گیرید و بی همراه در وقت لازم از منزل بیرون نروید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرائی نکنید و نماز را پادارید و زکات بفقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید و خواست خدا این است که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند «۳۳» و از آن همه حکمت و آیات الهی که در خانه های شما تلاوت می شود متذکر شوید و پند گیرید و بدانید که همانا خدا با خلق لطیف و مهربان و به حال همه آگاهست. «۳۴»

﴿الْأَحْزَابُ﴾ يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٣١﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذَنِهِ وَيُرَاجًا مُّهِمًّا ﴿٣٢﴾

ای رسول، ما تو را بر رسالت فرستادیم تا بر نیک و بد خلق گواه باشید و خوبان را بر حمت الهی مژده دهی و بدان را از عذاب خدا بترسانید «۴۵» و باذن حق، خلق را بسوی خدا دعوت کنید و چراغ فروزان عالم باشی. «۴۶»

﴿البروج﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿۱۰﴾

آنانکه مردان و زنان با ایمان را به آتش عذاب و فتنه سوزاندند و توبه نکردند پس عذاب جهنم و سوختن در آتش سوزنده آن برای آنها است. «۱۰»

﴿التحریم﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ

رَبِّ آتِنِي لِیْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۱﴾

و باز خدا برای مؤمنان آسیه زن فرعون را الگو قرار داد، هنگامیکه آسیه از شوهرش فرعون بیزاری جست و عرض کرد بارالها من از قصر فرعون و تشریفات دنیوی او گذشتم، تو خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش. «۱۱»

﴿الأحزاب﴾ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَالْقَنَاتِینَ وَالْقَنَاتِیْنَ وَالصَّادِقِیْنَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِیْنَ وَالصَّابِرَاتِ

وَالْخَاشِعِیْنَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِیْنَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّیْمِیْنَ وَالصَّیْمَاتِ

وَالْحَافِظِیْنَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِیْنَ اللَّهَ كَثِیرًا وَالذَّاكِرَاتِ

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِیمًا ﴿۱۲﴾

مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است. «۳۵»

﴿الرَّوم﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۳۵﴾

و یکی از آیات لطف الهی آنستکه برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او، آرامش یافته و باهم انس بگیرید و برای آرامش بخشیدن به کانون گرم خانواده، میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرموده که همانا در این امر نیز برای مردم باخرد ادله علم و حکمت حق آشکار است. «۲۱»

﴿النور﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۳۷﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۸﴾ يَوْمَ لَا يُفَعِّلُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَبَعْلُمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿۳۹﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۖ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ

وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ



بیگمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی ندارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشا را و شما نمی‌دانید) (ابعاد مختلف پخش گناهان) «۱۹» کسانی که زنان پاکدامن بیخبر (از هر گونه آلودگی) و ایمان‌دار را به زنا متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی دارند «۲۳» (آنان عذاب عظیمی دارند) در آن روزی که علیه آنان زبان و پای ایشان بر کارهایی که کرده‌اند گواهی می‌دهند «۲۴» در آن روز خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست بدیشان می‌دهد و آگاه می‌گردند که خداوند حق آشکار است (و روز قیامت در حقانیت پروردگار شک و تردیدی برای سرسخت‌ترین لجوجان هم نمی‌ماند) «۲۵» زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردانی زشت کار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین وصفند، و بالعکس زنان پاکیزه لایق مردانی پاکیزه و نیکو سرشت هستند و این پاکیزه‌گان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان گویند منزّه و مبرأند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکو است. «۲۶»

﴿الحجرات﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِنْ جَآءَكُمُ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَعَيَّنُوْا اَنْ تُصِيبُوْا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰٓى مَا فَعَلْتُمْ تٰدِيْمِيْنَ ﴿٦﴾ وَاعْلَمُوْا اَنْ فِيْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبِيْبٌ اِلَيْكُمْ اَلَا يَمُنُّ وَاَزِيْنُهُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَكَرِهَ اِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرَّٰشِدُوْنَ ﴿٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخصی فاسق خبری را به شما رسانید در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی بدون آگاهی از حال و احوالشان آسیب برسانید و بعداً از کرده خود پشیمان شوید «۶» و بدانید که پیغمبر خدا در میان شما است (قدر او را بدانید و بدو احترام بگذارید) هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. اما خداوند ایمان را در نظر تان گرامی داشته است و آن را در دل‌هایتان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظر تان زشت و ناپسند جلوه داده است. تنها آنان که دارای این صفات هستند راه یابند و بس «۷».

چگونگی راندن وسوسه‌های شیطان از خود

«البقره» الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۸﴾

شیطان وعده فقر و فلاکت بشما می‌دهد و به کارهای زشت و ناروا شما وادار می‌کند و خداوند وعده آمرزش و احسان به شما می‌دهد حقیقتاً که خدا رحمت بی‌متهاست و به همه امور جهان داناست. «۲۶۸»

«الأعراف» وَإِذَا يَزْعَظُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزَّحٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَلِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿۴۰﴾

و چنانچه بر اثر وسوسه شیطان در تو وسوسه و جنبشی پدید آمد به خدا پناه آورید که به حقیقت او شنوا و داناست «۲۰۰» چون اهل تقوا را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسید آنها خدا را بیاد می‌آورند و در دم بصیرت و بینائی پیدا می‌کنند. «۲۰۱»

«النحل» فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿۶۱﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۶۲﴾ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿۶۳﴾

ای رسول ما اگر خواستید قرآن را تلاوت کنید اول از شر وسوسه شیطان به خدا پناه آورید «۹۸» که البته شیطان را هرگز بر کسی که بخدا ایمان آورده و براو توکل و اعتماد کرده تسلطی نخواهد بود «۹۹» تنها تسلط شیطان بر آن نفوسی است که او را دوست گرفته‌اند و از راه او به خدا شرک آورده‌اند. «۱۰۰»

﴿الْأَسْرَاءُ﴾ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ
إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٩٨﴾

ای پیغمبر به بند گانم بگو: سخنی در گفتار و نوشتار خود بگویند که زیباترین و نیکوترین سخنها باشد چرا که شیطان به وسیله سخندهای زشت و ناشیرینی در میان ایشان فساد و تباهی به راه می‌اندازد و بیگمان اهریمن از دیرباز دشمن آشکار انسان بوده است «۵۳»

﴿الْأَسْرَاءُ﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٩٩﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ
أَخَّرْتُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَأُحْتَكِبُ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٠٠﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ
تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿١٠١﴾ وَاسْتَفْزَزَ مِنْهُ
الْشَّيْطَانُ قَالَ أَتَسْتَفْزِزُنِي قَالَ أَعْطَيْتَنِي الذِّمَّةَ وَأَنْتَ لَدَى الْغَوْثِ الْأَسْفَلِ
وَأَنْتَ لَدَى الْغَوْثِ الْأَسْفَلِ ﴿١٠٢﴾

وَعَذَابُهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٠﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ
سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦١﴾

ای رسول به یاد آر زمانی که ما به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، فرشتگان جملگی سجده کردند، مگر ابلیس که از جنیان بود و در میان فرشتگان قرار داشت او که نمونه کامل استکبار بود گفت: آیا برای کسی سجده کنم که او را از گل آفریده‌ای؟ «من که از آتشم بهتر از آدمم، پس عالی برای دانی چگونه تعظیم» کند؟ «۶۱» شیطان گفت: به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته‌ای؟! (جای تعجب است) اگر مرا تا روز قیامت زنده بداری، فرزندان او را همگی جز اندکی با گمراهی نابود می‌گردانم و لگام و سوسه را به دهانشان می‌زنم و به جاده خطا و گناهشان می‌کشانم «۶۲» خدا فرمود: برو! (تا روز رستاخیز به تو مهلت داده می‌شود و هر چه می‌خواهی بکنی لیکن کسانی که از ایشان از تو پیروی کنند دوزخ سزای شما اهریمن و آنان) است و سزای فراوان و بی نقصان است «۶۳» و بترسان و خوار گردان با ندای (دعوت به معصیت و وسوسه) خود هر کس از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان (و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان بکار گیر) و در اموال آنان (با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام) و در اولاد ایشان (با گول زدن اولیاء و

رهنمود فرزندان‌شان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستان شرکت جوی و آنان را (به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره) وعده بده (و بفریب) و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ نیست «۶۴» ولی ای شیطان این را بدان که سلطه‌ای بر بندگان (مخلص و مؤمن) من نخواهی داشت چون خدا حافظ و پشتیبان این چنین بندگان است... «۶۵»

﴿الحج﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَحْنُ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٥﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٦٦﴾

ما پیش از تو رسولی و نبی را نفرستاده‌ایم مگر اینکه هنگامی که آن رسول یا نبی آیات و احکام خدا را برای مردم تلاوت کرده است، اهریمن با ایجاد وساوس و باطیل در دل شنوندگان سست ایمان و با پخش یاوه سرائی توسط ذریه و دار و دسته خود در تلاوت او القاء شبهه نموده است و گاهی پیغمبران را شاعر، و زمانی ساحر، و وقتی ناقل افسانه‌ها و خرافات پیشینیان جلوه گر ساخته است. اما خداوند آنچه را شیطان القا نموده است، توسط تبلیغ و تبیین پیغمبران و دعوت و زحمت شبانه‌روزی پیروان ایشان در همه جا و همه آن از

میان برداشته است و شبهات اهریمنان انس و جان را از صفحه دل مردمان زدوده است و سپس آیات خود را، در برابر سخنان ناروا و دلائل نابه جای نیرنگ بازان بی مایه و دسیسه سازان بی پایه، پایدار و استوار داشته است «۵۲» این وسوسه های شیطانی و ایجاد مشکلات در راه دعوت آسمانی توسط مخالفان برنامه های یزدانی بدان خاطر است که خداوند می خواهد آنها را آزمایش کسانی سازد که در دل هایشان بیماری نفاق ریشه دوانده است و آزمون کسانی کند که سنگین دل از کفر و ضلال هستند و مسلماً ستمگران منافق و کافر، با برنامه های الهی بویژه اسلام عداوت حمیق و مخالفت سختی داشته و دارند «۵۳».

﴿المجادله﴾ إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُرَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ

بِضَآرِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾

همیشه راز گفتن از شیطان است که می خواهد مؤمنان را غمگین سازد و حال آنکه چیزی را به آنها ضرر رساند نیست جز به امر خدا و مؤمنان باید همیشه بر خدا توکل کنند «۱۰»

﴿ال عمران﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۱﴾

این سخنان شیطان است که می‌ترساند بدان دوستدارانش را شما مسلمانان از آن بیم نداشته باشید و تنها از من بترسید اگر اهل ایمان هستید. «۱۷۵»

﴿الْمَائِدَة﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاَجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۷۵﴾ اِنَّمَا يُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُوَفِّعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَا فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُنْتَهُوْنَ ﴿۱۷۶﴾

ای اهل ایمان شراب خواری و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی که در جاهلیت رسمی بود، همه اینها پلید و از عمل شیطان است، پس اگر می‌خواهید رستگار شوید از همه آنها دوری کنید «۹۰» شیطان قصد آن دارد که بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد، پس آیا شما حاضرید از آن دست بردارید تا به فتنه شیطان مبتلا نشوید. «۹۱»

﴿النور﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ؕ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهُ يَمْشِ بِالْفَخْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ؕ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلٰیكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَبَدًا وَلٰكِنْ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ



ای کسانی که بخدا ایمان آورده‌اید زنهار پیروی شیطان مکنید که هر کس قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت و منکرش وای دارد

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نمی‌شد، احدی از شما هرگز از گناه پاک و پاکیزه نمی‌شد لیکن خدا هر کس را می‌خواهد منزه و پاک می‌گرداند که خدا شنوا و دانا با احوال بندگان است.

﴿۲۱﴾

﴿الْمُؤْمِنُونَ﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿۲۲﴾ وَأَعُوذُ بِكَ

رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۲۳﴾

ای رسول ما بگو: بارالها من از وسوسه و فریب شیاطین به تو پناه می‌آورم «۹۷» و هم به تو پناه می‌برم بارخدایا از آنکه شیاطین به مجلسم حضور بهم برسانند. «۹۸»

﴿البقره﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا

خُلُوتِ الشَّيَاطِينِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۲۴﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۵﴾

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه تناول کنید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید بدستیکه شیطان دشمن آشکار است برای شما «۱۶۸» او به شما دستور بدکاری و زشتی می‌دهد و سخنانی از روی جهل به خدا نسبت می‌دهد. «۱۶۹»

﴿الحشر﴾ كَمَثَلِ الشَّيَاطِينِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ

مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۶﴾ فَكَانَ عِقَبَهِمَا اتِّمَامًا فِي النَّارِ خَالِدِينَ

فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿۲۷﴾

(داستان منافقان با یهودیان) همچون داستان اهریمن است که به انسان می‌گوید کافر شو (تا مشکلات تو حل شود) اما هنگامی که (بر اثر وسوسه‌های اهریمنی) کافر می‌گردد، اهریمن می‌گوید: من از تو بیزار و گریزانم! چرا که من از خدا یعنی پروردگار جهانیان میترسم «۱۶» سرانجام کار (اهریمن و کسی که او گمراهش کرده است) بدانجا می‌انجامد که هر دو تا در آتش دوزخ جاودانه میمانند، و این سزای ستمگران است «۱۷».

﴿الْأَنْعَامُ﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٦﴾

و همچنین ما عده‌ای از انسانها و جنیان سرکش در برابر هر پیغمبری قرار داده‌ایم. گروهی از آنها بواسطه سخنان فریبنده به گروهی دیگر بصورت نهانی پیام می‌دادند، تا ایشان را با یاوه سرایهای رنگین و وسوسه‌های دروغین بفریبند، اگر خدای تو میخواست چنین کاری نمی‌کردند، ولی همه اینها در برابر تقدیر و مشیت خدا انجام گرفته و می‌گیرد. پس بگذار دروغها به هم بیافند و خویشتن را گرفتار کفر و ضلال کنند. بر تو تبلیغ است و بر ما هم حساب «۱۱۲».

روشی برای راندن ترس مرگ از خود

﴿آل عمران﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾

هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید پس هر کس خود را از آتش جهنم دور داشت و به بهشت ابدی درآمد، موفق گردید و به سعادت ابدی دست یافته است. «۱۸۵»

﴿الزمر﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٢﴾

خداست که بوقت خودش مرگ ارواح خلق را می گیرد و آنرا که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض می کند، سپس آنرا که حکم بمرگش کرده نگاه می دارد و آنرا که حکم به مرگ نکرده از نو به بدن انسان می فرستد تا وقت معین مرگ و در این کار نیز ادله قدرت الهی برای متفکران پدیدار است.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَمِيَّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ
مُخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

ای رسول شخص تو و همه خلق به وسیله مرگ از دنیای فانی
حتماً خواهید رفت. «۳۰» آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل
پروردگار خویش دادخواهی می کنند. «۳۱»

﴿الرحمن﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٣٢﴾ وَبَقِيَ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

﴿٣٣﴾

هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست «۲۶» و زنده
ابدی ذات خدای منعم و باجلال و عظمت است. «۲۷»

﴿السَّجْدَةِ﴾ قُلْ يَتَوَفَّنَا مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ

تَرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾

بگو فرشته مرگ که مأمور قبض روح شماست جان شما را
خواهد گرفت و پس از مرگ بسوی خدای خود باز می گردید. «۱۱»

﴿طه﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاهُمْ وَفِيهَا نُعِيدُهُمْ وَمِنْهَا نَخْرِجُهُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٣٥﴾

از آن خاک شما را آفریدیم و به او برمی گردانیم و یک بار
دیگر از او بیرون می آوریم. «۵۵»

﴿الْقَصَصِ﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ

إِلَّا وَجْهَهُ ءَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾

و هرگز با خدای یکتا که جز او خدائی نیست خدائی مخوان
چون هر چیز غیر از او هلاک شونده است و تنها اوست شایسته
فرمانروائی و سرانجام همه بسوی او باز می گردید. «۸۸»

﴿الرُّومُ﴾ فَسُبْحَنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۸۸﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۸۹﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ
وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُلْهِمُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۹۰﴾

و سپاس اهل عالم در آسمانها و زمین مخصوص اوست و بر
شماست نیز در تاریکهای شب و نیمه روز بستایش او مشغول شوید.
«۱۸» آن خدائی است که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون
می آورد و زمین را پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده
گرداند و همین گونه شما را هم از خاک بیرون آرند. «۱۹»

﴿الجمعه﴾ قُلْ إِنْ أَلَمْتُ أَلْذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلْقِيكُمْ ثُمَّ
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹۱﴾

بگو: مرگی که از آن می گریزید حتماً شما را ملاقات خواهد
کرد و پس از مرگ بسوی خدائی که دانای پیدا و پنهانست باز
می گردید و او شما را به آنچه کرده اید آگاه می سازد. «۸»

﴿النساء﴾ وَمَنْ يَاجِزْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً
وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ
عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۹۲﴾

کسی که در راه خدا هجرت کند سرزمینهای فراوانی می‌بیند و گشایش و آسایش خواهد یافت و هر که به خاطر خدا و رسول او از خانه خود بیرون آید و به سوی سرزمینهای اسلامی هجرت کند و سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر خدا است، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است. «۱۰۰»

﴿الأنبياء﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَلَا يَمِتُّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿١٠٠﴾
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْحَقْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿١٠١﴾

ما برای هیچ انسانی پیش از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم (تا برای تو جاودانگی قرار دهیم. بلکه هر کسی مرده و می‌میرد و تو هم می‌میری و انگهی آنان که انتظار مرگ تو را دارند و با مرگ تو اسلام را خاتمه یافته می‌دانند) مگر اگر تو بمیری ایشان جاویدانه می‌مانند؟ «۳۴» هر کسی مزه مرگ می‌چشد (و قطعاً می‌میرد. اعم از پیغمبر و غیر پیغمبر. چرا که زنده جاوید تنها خدا است و بس). ما شما را با سود و زیان و بدیها و خوبیها (در زندگی دنیا) کاملاً می‌آزمائیم. و سرانجام بسوی ما برگردانده می‌شوید و سزای اعمال خود را دریافت می‌دارید) «۳۵»

﴿الدخان﴾ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٣٥﴾ فَضْلاً مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٣٦﴾

مؤمنان هرگز در جهان آخرت، مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده‌اند و بعد از آن زنده شده‌اند) نخواهد چشید، و خداوند آنان را از عذاب دوزخ بدور و محفوظ داشته است «۵۶» همه اینها فضل و بخششی از سوی پروردگار تو است و این رستگاری و خوشبختی بزرگی است (که شامل حال پرهیزگاران می‌شود) «۵۷».

ایثار و سخاوت‌مندی در قرآن کریم

﴿البقره﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾

و نماز را پیا دارید و زکات را بدهید و بدانید که آنچه برای خود
از پیش می‌فرستید نزد خدا خواهد یافت بدرستی که خدا به آنچه
شما انجام می‌دهید آگاه است. «۱۱۰»

وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيًا ۖ فَاسْتَخِروا الْخَيْرَاتِ ۚ إِنَّمَا تَكُونُوا يَلَدَ بِكُمْ اللَّهُ
جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۱۱﴾

هر کس برای خودش راهی دارد که بسوی حق، بدان، راه می‌یابد
پس عجله کنید در کار خیرات و عبادات که هر کجا باشید، همه شما
را، خداوند به عرصه محشر خواهد آورد، محققاً که خدا بر هر چیز
قادر و تواناست. «۱۱۱»

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَكُمْ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۚ وَاللَّهُ
يُقْرِضُ وَيَبْصِطُ ۚ وَلِلَّهِ تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۲﴾

کیست خدا را قرض الحسنه بدهد؟ که خدا برای او چندین برابر
جبران کند و آن خداست که می‌گیرد و می‌دهد و سرانجام بسوی او
همه باز می‌گردند. «۱۱۲»

﴿ال عمران﴾ لَنْ تَأْكُلُوا أَلْيَرَ حَتَّى تَنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ^{۹۱} وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ

شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۹۲﴾

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید در، راه خدا انفاق کنید که همانا خدا بر آنچه انفاق می کنید آگاهست. «۹۲»

﴿الأنعام﴾ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ

فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۹۳﴾ وَهُوَ الْغَايُ فَوْقَ عِبَادِهِ^{۹۴} وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۹۵﴾

و اگر از خدا به تو ضرری رسد هیچکس جز از خدا نمی تواند تو را از عذاب برهاند و اگر از او به تو خیری رسد هیچکس نمی تواند مانع آن شود، پس او بر همه چیز تواناست. «۹۷» خدا کمال اقتدار را بر بندگان خود، دارد و در حقیقت اوست درستکار و به همه امور آگاهست. «۱۸»

﴿النحل﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ^{۹۶} وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ^{۹۷} وَلَتَجْزِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۸﴾

آنچه نزد شما هست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست تا ابد باقی خواهد ماند، لیکن اجری که بصابران بدهیم اجری است بسیار بهتر از عملی که بجا آوردند. «۹۶»

﴿الأنسان﴾ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿۹۹﴾ إِنَّمَا

تُطْعِمُهُمْ لِيُوجِبَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿۱۰۰﴾

آنانیکه سهم افطاریه خود را به سبب دوستی با خدا به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند. «۸» می‌گویند: مافقط برای رضای خدا به شما غذا می‌دهیم و از شما منتظر هیچ گونه پاداش و سپاسی نیستیم. «۹»

﴿الْمَنَافِقُونَ﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ

فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۹﴾
وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۰﴾

و از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بریکی از شما فرا رسد که در آنحال به حسرت بگویند: پروردگارا اجل مرا اندکی تأخیر انداز تا در راه تو صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم. «۱۰» ولی خدا هرگز اجل هیچکس را از وفتش که فرا رسیده باشد به تأخیر نخواهد انداخت و خدا بهر چه کنید آگاهست. «۱۱»

﴿البقره﴾ يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا

بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفْعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (برخی) از آنچه بهره شما (در راه خدا) صرف کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است. و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند. و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد) «۲۵۴»

اتحاد و یگانگی در قرآن

﴿ال عمران﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٧﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِيَعْتِمَةٍ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٨﴾ وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٩﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ عَذَابُ عَظِيمٍ ﴿٢٠﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٢١﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَبِئْسَ فِيهَا مَأْوًى لِّلْعَالِيَيْنَ ﴿٢٢﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ تَقْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢٤﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۚ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٢٥﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا، ترس بودن است و نمیرید جز به مسلمان بودن. (۱۰۲) و به

ریسمان خدا که همان دین اسلام است چنگ زنید و هرگز به راههای متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را، که شما باهم دشمن بودید ولی خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت تا به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در صورتیکه شما در پرتگاه آتش بودید خدا شما را نجات داد و همچنین خداوند آیات خود را بیان می کند که باشد به مقام سعادت و هدایت و اصل گردید. «۱۰۳» و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، و بحقیقت آنها موفق خواهند بود. «۱۰۴» و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که راه تفرقه پیمودند، پس از آنکه آیات و ادله برای هدایت آنها آمد و بی شک آنها گرفتار عذاب سخت خواهند بود. «۱۰۵» روزیکه گروهی روسفید خواهند شد و گروهی روسیاه و مأمورین از روی نکوهش به روسیاهان می گویند که چرا کافر شدید بعد از ایمان پس اکنون بچشید عذاب خدا را، به کیفر کفر و عصیان شما. «۱۰۶» اما سفیدرویان در بهشت که محل رحمت خداست در آیند و در آن منعم باشند. «۱۰۷» اینها آیات الهی است که برای تو می خوانیم، و ظلم و ستم هر گیز خواست خدا نیست. «۱۰۸» شما نیکوترین امتی هستی که خدا شما را در میان امتهای دیگر انتخاب کرد تا امر به معروف و نهی از منکر کنید و کاملاً بخدا ایمان

آوردید، اگر اهل کتاب نیز ایمان می آوردند در عالم چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند «۱۱۰».

﴿البقره﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا اَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا

خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۚ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١١٠﴾ فَاِنْ زُلَلْتُمْ مِنْۢ بَعْدِ مَا

جَآءَتْكُمْ الْبَيِّنٰتُ فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿١١١﴾

ای اهل ایمان همه متفقاً در صلح و صفا باشید و به امر خدا در مقام تسلیم درآئید و از وسوسه های تفرقه آور شیطان پیروی نکنید که او همانا دشمن آشکار است. «۲۰۸» پس اگر پس از آنکه ادله روشن از جانب خدا برای راهنمایی شما آمد، باز به راه خطا رفتید در آن صورت این بدانید که خدا برای انتقام از خطاکاران توانا و به همه امور عالم داناست. «۲۰۹»

﴿الأنفال﴾ وَاِنْ يُرِيدُوْا اَنْ يَّخٰذَعُوْكَ فَاِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ ۗ هُوَ الَّذِيْ

اَيَّدَكَ بِتَصَرُّوْهِ وَاِلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٦٢﴾ وَاَلْفَ بَيِّنٍ قُلُوْبُهُمْ ۚ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِي

الْاَرْضِ جَمِيْعًا مَا اَلْفَتْ بَيِّنٌ قُلُوْبُهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَلَفَ بَيِّنُهُمْ ۚ اِنَّهٗ عَزِيْزٌ

حَكِيْمٌ ﴿٦٣﴾

و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند، البته مطمئن باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد اوست که بنصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید. «۶۲» و الفت داد دلهای مؤمنان را دلهاییکه اگر تو باتمام ثروت روی زمین می خواستی الفت دهی،

نتوانستی، لیکن خدا پیوند داد دل‌های مؤمنین را به یکدیگر و اوست توانا و آگاه به رازهای امور. «۶۳»

﴿الحجرات﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ^۱ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۶۴﴾

به حقیقت که همه مؤمنان برادر یکدیگرند، پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید. «۱۰»

﴿الحجرات﴾ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا^۱ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَىٰ^۲ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۶۵﴾

ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبهای بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید پس بزرگوارترین شما نزد خدا، باتقوی‌ترین شماست و خدا از حال شما کاملاً آگاهست. «۱۳»

﴿الحشر﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۶۶﴾

و آنانیکه پس از مهاجرین آمدند می‌گویند پروردگارا ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بخش و در دل ما هیچ

کینه و حسد نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا تویی که در حق
بندگان بسیار رثوف و مهربانی. «۱۰»

﴿الفتح﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أُشْهِدُوا
عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَةً بَيْنَهُمْ تُرْكَىٰ زُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا
سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهم فِي
الْإِنْجِيلِ كَرَزِعٍ أُخْرِجَ شَطْعُهُ فَفَازَرَهُ فَأَسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ
الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارُ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

آن خداست که رسولش (محمد) را با قرآن و هدایت و دین حق
به عالم فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر
حقیقت این سخن گواهی خدا کافیست. «۲۸» محمد فرستاده
خداست و یاران و همراهانش، بر کافران بسیار تند و سخت گیر
هستند و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند، آنان را در حال رکوع و
سجود بنگری که فضل و خشنودی خدا را می طلبند و علامتهایشان
بر اثر سجود بسیار در چهره هایشان معلوم است این وصف حال آنها
در تورات است و هم چنین در انجیل همانند دانه ای هستند که
جوانه اش را بیرون آورده که او را کمک کند تا محکم شود و بر
روی ساقش به ایستد که کشاورزان را به تعجب آورد و کفار را به

حسادت و کین و بغض و خشم بدرستی که خدا به مؤمنین و نیکوکاران آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است. «۲۹»

﴿طه﴾ وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٨﴾ هَؤُلَاءِ أَخِي ﴿٢٩﴾ أَشَدُّ بِيَمَةٍ أَزْرَى ﴿٣٠﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿٣١﴾ كَيْ تَسْبِيحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٢﴾ وَتَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾

و یاوری از خاندانم برای من قرار بده «۲۹» برادرم هارون را «۳۰» و به وسیله او پشت مرا استوار دار «۳۱» و او را در کار رسالت و تبلیغ من شریک گردان «۳۲» تا تو را بسیار تسبیح گفته و تقدیس کنیم «۳۳» و بسیار ذکر تو گوئیم و بر یاد تو باشیم «۳۴».

ارزش وفا نمودن به عهد و پیمان به روایت قرآن

﴿البقره﴾ فَأَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٠٢﴾

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپس شکر نعمت من بجای آرید و کفران نعمت نکنید. «۱۰۲»

﴿المؤمنون﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَسَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿١٠٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ حَثَافُونَ ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠٥﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٦﴾

و کسانی که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند «۸» و کسانی که مواظب نمازهای خود می باشند و پیوسته آنها را در وقت خود ادا و ارکان و احوال و خشوع و خضوع لازم را مراعات می نمایند «۹» آنان مستحقان سعادت و فرا چنگ آورندگان بهشت هستند «۱۰» آنان بهشت برینی را تملک می کنند و جاودانه در آن خواهند ماند «۱۱».

﴿البقره﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٠٧﴾

و اگر بندگان درباره من از تو سؤال کردن، آن بندگان بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هر که مرا خواند دعای او اجابت

کنم، پس باید آنها نیز دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند باشد به سعادت راه یابند. «۱۸۶»

﴿الأنعام﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿١٨٦﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٧﴾

پس چون فراموش کردند آنچه را که به او تذکر داده شدند ما هم ابواب همه نعمتها را به روی آنها گشودیم، تا به آنچه که به آنها داده شد خوشحال شدند ناگهان آنها را گرفتیم آنگاه خوار گردیدند. «۴۴» پس از ریشه کنده شد، ستم گری، گروه ظالمان و سپاس و ستایش برای خدا که پروردگار جهانیانست. «۴۵»

﴿الأعراف﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٨٨﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٨٩﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٩٠﴾

و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می دهیم، و این هم بخاطر این بود که روز قیامت نگوئید ما از این واقعه غافل بودیم.

«۱۷۲» یا آنکه نگوئید که چون پدران ما از اهل شرک بودند و چونکه ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم، پس ما پیروی از پدران خود کردیم آیا به عمل زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رسانید. «۱۷۳» و این چنین آیات خود را تفصیل می‌دهیم که باشد باز گردند.

«۱۷۴»

﴿الْأَحْزَابُ﴾ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾

برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، برخی از آنها وفات یافتند و برخی دیگر در انتظارند و در این راستا هیچ سستی و لرزشی بخود راه ندادند. «۲۳» تا آنکه خدا آن مردان راستگوی به خاطر صداقتشان پاداش نیکو بدهد و منافقان را به عدل عذاب کند یا اگر بخواهد به لطف، توبه‌شان بپذیرد، که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست. «۲۴»

﴿الْفَتْحُ﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۖ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَمَن أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُسْوُومُهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٥﴾

مؤمنانی که با تو بیعت کردند دست خدا بالای دست آنهاست، پس از این به بعد هر که نقض بیعت کند به زیان و هلاکت خویش اقدام کرده و هر که بعهدی که با خداست وفا کند بزودی خدا باو پاداش بزرگی عطا خواهد فرمود. (۱۰)

﴿التَّحْرِيمُ﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا تُوبُوْا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نُّصُوْحًا عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرٰى مِنْ تَحْتِهَا اَلْاَنْهٰرُ يَوْمَ لَا تَحْزٰى اِلٰهُهُ النَّبِيُّ وَالَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ ۖ نُورُهُمْ يَسْعٰى بَیْنَ اَيْدِيْهِمْ وِبِأَيْمٰنِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَاغْفِرْ لَنَا ۖ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٠﴾

ای مؤمنان به درگاه خدا توبه نصوح کنید، توبه‌ای که هیچ گاه از آن روی گردان نشوید باشد که خدا گناهانتان زائل و محو گرداند و شما را در باغهای بهشتی که زیر، درختانش نهرها جاریست داخل کند، در آنروزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان به او ذلیل نسازد، بلکه عزیز و سرفراز ابد، گرداند. در آنروز نورایمان و عبادت آنها در پیش رو، و سمت راست ایشان می رود تا برایشان راهنما باشد و در مقابل آن احسان خدائی مؤمنان می گویند: پروردگارا تو نور ما را بحد کمال رسان و ما را بلطف و کرم خود ببخش که تنها تو بر هر چیز توانائی. (۸)

﴿التَّوْبَةُ﴾ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بَِاَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةُ ۖ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ ۖ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِی

التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ
الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای) بهشت خریداری می کند. (آنان باید) در راه خدا بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده ای است که خداوند آن را در کتابهای آسمانی تورات و انجیل و قرآن (بعنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است. و چه کسی از خدا به عهد خود وفا کننده تر است؟ پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید، و این پیروزی و رستگاری سترگی است. «۱۱۱»

راه افزایش برکت در روزی و قناعت به آن

﴿آل عمران﴾ كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۖ قَالَ يَمِرِّمُ أَنِّي لِكَ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ



هر وقت زکریا به عبادتگاه مریم می آمد پیش او روزی می یافت و به او می گفت: که ای مریم این روزی از کجا برای تو می رسد پاسخ می داد این از جانب خداست که همانا خدا بهر که خواهد روزی بی حساب دهد. «۳۷»

﴿الاسراء﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّكُمْ كَانَ بِعِبَادِهِ

خَبِيرًا ۖ بَصِيرًا ﴿۳۸﴾

همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که خواهد تنگ روزی گرداند که او به حال بندگان خود کاملاً آگاه و بصیر است. «۳۰»

﴿الطلاق﴾ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

ۚ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ

قَدْرًا ﴿۳۹﴾

و هر که در هر امری بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد «۲» و به گونه روزی او می رساند که خود او تعجب کند که خدا

رساننده فرمانش هست و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است. «۳»

﴿هُود﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا
وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۱﴾

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست، خدا
قرارگاه و منزل دائمی و آرامشگاه او را می‌داند و همه احوال خلق
در دفتر خدا ثبت است. «۴»

﴿الْعنكبوت﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ
الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲﴾

(نوح بدیشان گفت) شما غیر از خدا بت‌هایی را می‌پرستید (که
آنها را با دست خود می‌تراشید و می‌سازید) و دروغی را بهم
می‌بافید (و می‌گوئید: آنها معبودهای ما بوده و وسیله تقرب به
خدایند). بجز خدا، کسانی را که می‌پرستید توانائی روزی رساندن به
شما را ندارند، و روزی را از پیشگاه خدا بخواهید و او را بندگی و
سپاسگزاری کنید، (و بدانید که سرانجام برای حساب و کتاب و سزا
و جزا) به سوی او برگردانده می‌شوید. «۵»

﴿العنکبوت﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

چه بسیارند، جنبندهایی که (در زمین با شما زندگی می کنند و بر اثر ضعف حتی) نمی توانند روزی خود را بردارند (و جابه جا کنند، تا آن را بخورند یا بیندوزند) خدا روزی رسان آنها و شما است. (پس غم کم و کاستی روزی را نخورید و تنگ خواری و اسارت را نپذیرید) و خدا بسی شنوا و آگاه است. (لذا دعای شما و صدای سایر آفریدگان خود را می شنود، و از حال همگان باخبر است. «۶۰» خداوند روزی هر کس از بندگانش را بخواهد فراوان و گسترده می کند و یا کم و تنگ می گرداند (برابر مصلحت و صلاح دیدی که خود می داند). خدا آگاه از هر چیز است. «۶۲»

﴿الجمعه﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

(برخی از اصحاب، در یکی از جمعها) هنگامی که تجارت و یا سرگرمی را دیدند از پیرامون تو پراکنده شدند، و تو را ایستاده (بر منبر، در حال خطبه) رها کردند! بگو: آنچه در پیش خداست بهتر از سرگرمی و بازرگانی است «۱۱».

﴿قَرِيشَ﴾ لَا يَلْفِ قَرِيشٍ ﴿١﴾ إِيْلَفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾
 فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ



به خاطر انس و الفت قریش «۱» انس و الفتی که ایشان به کوچ
 نمودن و مسافرت کردن در فصل زمستان و تابستان دارند «۲» پس
 خدای کعبه را پرستش کنند که این امن و امنیت را برای ایشان
 فراهم آورده است «۳» خداوندگاری که از گرسنگی، ایشان را
 رهاییده است و از هراس و وحشت از راه زنان و ستمگران ایمن
 ساخته است «۴».

صبر رمز موفقیت است

«العصر» وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

سوگند به زمان که سرمایه زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است «۱» قطعاً انسانها همه زیانمندند «۲» مگر کسانی که ایمان میآورند و کارهای خوب و شایسته میکنند، و همدیگر را به تمسک به حق در قول و عمل سفارش میکنند و یکدیگر را به شکیبایی در تحمل دشواریها توصیه مینمایند «۳»

«الضحی» وَالضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَالْأَيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

سوگند به روز در آن زمان که آفتاب بلند میگردد و همه جا را فرا میگیرد «۱» و سوگند به شب در آن هنگام که می آرامد و تاریک میشود و همه جا را فرا میگیرد «۲» پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم خود قرار نداده است «۳» و فرجام کار و زندگی برای تو بهتر از آغاز است «۴» و پروردگارت به تو آنقدر بهروزی و

پیروزی و نعمت عطا خواهد کرد که تو خوشنود خواهی شد «۵» آیا خدا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟ «۶» و تو را سرگشته و حیران در میان جهل جاهلان و کفر کافرانی نیافت و در پرتو وحی آسمانی به یکتاپرستی رهنمود نکرد؟ «۷» و تو را فقیر و بی چیز نیافت و ثروتمند و دارایت نکرد؟ «۸» حال که چنین است یتیم را زیون مدار «۹» و گدا را با خشونت مران «۱۰» بلکه نعمت پروردگارت بازگو کن و از آنها صحبت بدار و شکر آنها را با بذل و بخشش بگذار. «۱۱»

﴿الکھف﴾ وَأَصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ^ط وَلَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَوةِ الدُّنْیَا^ط وَلَا تُطِيعَ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا ﴿۲۸﴾

با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می پرستند و بفریاد میخوانند (و تنها رضای) ذات او را می طلبند، و چشمانداز ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان مستکبر) برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد، و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش همه افراط و تفریط بوده است. «۲۸»

﴿الْمُزْمَلِ﴾ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا حَسِيلًا ﴿٥٠﴾ وَذَرْنِ
وَالْكَذِبِينَ أُولَىٰ النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُزَّ قَلِيلًا ﴿٥١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَحِمَامًا ﴿٥٢﴾
وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿٥٣﴾

در برابر چیزهایی که میگویند: شکیبائی کن، و بگونه پسندیده از ایشان دوری کن «۱۰» مرا با ثروتمندان، واگذار، که تو را و رسالت آسمانی را دروغ مینامند و تکذیب میدارند، و با آسودگی خاطر آنان را اندکی مهلت بده «۱۱» نزد ما غل و زنجیرها و آتش سوزان دوزخ است «۱۲» و همچنین خوراک گلوگیر و عذاب دردناکی موجود است. «۱۳»

﴿غافر﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٤﴾

پس ای محمد بر اذیت و آزار کفار و ناملایمات روزگار شکیبائی کن، چرا که وعده خدا در امر کمک به پیغمبران خود و مؤمنان، تخلف ناپذیر است. و آمرزش گناهانت را بخواه و بامدادان و شامگاهان به سپاس پروردگارت پرداز. «۵۵»

﴿غافر﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ
نَتُوفِّيَنَّكَ فَإِنَّا يَرْجِعُونَ ﴿٥٦﴾

(ای محمد) شکیبا باش، وعده خدا حق است و سرانجام عذاب را گریبانگیر کفار می سازد، این عذابی را که ایشان وعده داده ایم، یا

قسمتی از آن در حیات دنیا به تو مینمایانیم، یا اینکه تو را میمیرانیم و تو آن را نخواهی دید. چه آن را بینی و چه نبینی مهم نیست. چرا که به سوی ما برگردانده میشوند. «۷۷»

﴿النحل﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ

مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿۷۷﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿۷۸﴾

ای پیغمبر! تو نیز در برابر مصائب صحنه‌های جانسوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید شکیبائی کن، و شکیبائی تو و هر کسی دیگری جز در پرتو لطف رحمان و به یاری و توفیق یزدان میسر نیست. (اگر کافران ایمان نیاوردند.) بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که میورزند (و توطئه‌هایی که به راه می‌اندازند) ناراحت و نگران مباش (و خویشتن را در پناه خدا، دار «۱۲۷» بیگمان مرحمت و معونت خدای بزرگ شامل حال کسانی میشود که تقوی پیشه کنند، و با دوری از نواهی خود را از خشم خدا بدور دارند و با انجام اوامر الهی خویشتن را به لطف ایزد منان نزدیک سازند. «۱۲۸»

﴿الرعد﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَٰئِكَ هُمُ عُقَى الدَّارِ

﴿۷۸﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِن ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٢﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعَمِّ
عَقَى الْآدَارِ ﴿٢٣﴾

و کسانی که در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار دیگران به خاطر پروردگارشان شکیبائی میورزند و نماز را چنانکه باید میخوانند، و از چیزهایی که بدیشان داده ایم، بگونه پنهان و آشکار میبخشند و با انجام نیکیها بدیها را از میان برمیدارند، آنان (با انجام چنین کارهای پسندیده ای) عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است «۲۲» این عاقبت نیکو باغهای بهشت است که جای ماندگاری (سرمدی و زیستن ابدی است و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود، بدانجا وارد میشوند و جملگی در کنار هم جاودانه و سعادتمندانه در آن بسر میبرند و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد میشوند و بدیشان خوش آمد میگویند: «۲۳» (فرشتگان به آنان خواهند گفت: درودتان باد اینجا برای همیشه به سلامت و خوشی بسر میرید، به سبب شکیبائی (بر اذیت و آزار) و استقامتی که (بر عقیده و ایمان داشته اید) چه پایان خوبی دارید که بهشت یزدان و نعمت جاویدان است. «۲۴»

(یوسف) وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمِ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ
أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿٢٥﴾

برادران یوسف، پیراهن آلوده به خون او را بیاوردند و به پدرشان نشان دادند پدر گفت: (چنین نیست، یوسف را گرگ نخورده است و او زنده است) بلکه این نفس اماره شما است که کار زشتی در نظرتان آراسته است و شما را دچار آن کرده است، لذا این فریب کاریها کار شما است، اما کار من صبر جمیل است (صبری که جزع و فزع، زیبایی آن را نیالاید، و ناشکری و ناسپاسی اجر آن را نزاداید، و به گناه تبدیل ننماید) و تنها خدا است که باید از او یاری خواست، در برابر یاهو رسواگرانه‌ای که می‌گویند. «۱۸»

(البقره) يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءٰمَنُوا اسْتَعِيْذُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَمُوْتُۙ بَلْ اَحْيَآءٌ وَلٰكِنْ لَا تَشْعُرُوْنَ ﴿١٩﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَالثَّمَرٰتِ ۗ وَبَشِّرِ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٢٠﴾ الَّذِيْنَ اِذَا اَصَابَتْهُمُ مُّصِيْبَةٌ قَالُوْا اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ ﴿٢١﴾ اُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوٰتٌ مِّنْ رَبِّنَا وَرَحْمَةٌ ۖ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْتَخِرُوْنَ ﴿٢٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بردباری و نماز، در برابر حوادث سخت زندگی کمک بگیرید و بدانید که خدا با بردباران است «۱۵۳» و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، و لیکن شما چگونگی زندگی ایشان را نمی‌فهمید «۱۵۴» و قطعاً شما را با برخی (امور همچون) ترس و

گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم، و مزده بده به بردباران «۱۵۵» آن کسانی که چون بلائی بدانان میرسد، می‌گویند: ما از آن خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم «۱۵۶» آنان همان بردباران با ایمان هستند که (الطاف و رحمت خدا شامل حالشان می‌گردد، و مسلماً ایشان راه یافتگان راه حق و حقیقتند. «۱۵۷».

﴿الأنفال﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَزَعَّوْا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجَاكُمْ^ط
وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۴۶﴾

از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید، و در میان خود اختلاف و کشمکش مکنید، که اگر اینطور کنید، درمانده و ناتوان می‌شوید و در چنین حالتی شکوه و هیبت شما از میان می‌رود، پس شکیبایی کنید که خدا با شکیبایان است. «۴۶»

دعاهای متفرقه

به هنگام روبرو شدن با هرگونه گرفتاری و چالشی، خواندن و به یاد آوردن آیه‌های زیر، بسیار مفید و با ارزش است.

نسخه‌ای قرآنی برای آرامش دلها

﴿البقره﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خدائی بجز الله وجود ندارد، او برای همیشه زنده و پایدار است، نه خوابی او را فرا می‌گیرد و نه غفلتی، و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد، از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ میداند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است، مطلع بر گذشته و حال و آینده و آگاه بر بود و نبود جهان است، و زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است، مردمان هرگز به حد و حدود علم او پی نمی‌برند و چیزی از آن فرا نمی‌گیرند بجز آن مقدار که خود او بخواهد، علم و دانش محدود دیگران پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است. فرماندهی و

فرمانروائی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است، و نگهداری آن دو، برای او گران و غیر ممکن نیست، چون او بلند مرتبه و عظیم الشأن است. «۲۵۵»

این شب فرخنده را بر مؤمنان مبارک باد

﴿الدخان﴾ حَمَّ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيمَا يُفَرِّقُ كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمَّا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦﴾

حَم از حروف مقطعه است «۱» سوگند به قرآن که روشن و روشنگر است «۲» ما قرآن را در شبی پر خیر و برکت فرو آورده ایم، و در آن به کافران، مشرکان و ظالمان هشدار داده ایم «۳» در این شب فرخنده، هرگونه کار حکیمانه‌ای که انسان را به حقیقت آشنا و به سعادت برساند و او را از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوی خدا بیان گشته است «۴» و کاروباری که از سوی ما صادر، و بدان دستور داده شده است، در قرآن برای انسانها روانه گشته است، و ما فرستنده محمد و همه پیغمبران و جمیع کتابهای آسمانی بوده ایم «۵» این کار به خاطر رحمتی است که از سوی پروردگارت، شامل حال انسانها شده است، و خداوند شنوا و آگاه است. «۶»

غم مخور که خدا با ما است

﴿التَّوْبَةُ﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ
 آتَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ
 سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

اگر پیغمبر را یاری نکنید، خدا او را یاری می‌کند همانگونه که
 از قبل یاری کرد، آنگاه که کافران او را از مکه بیرون کردند در
 حالی که تنها یک نفر به‌مراه داشت که رفیق دلسوزش ابوبکر بود.
 هنگامی که آن دو در غار (ثور) جای گزیدند و در آن، سه روز
 ماندگار شدند (ابوبکر ترسید که از سوی قریشیان به جان پیغمبر
 گزند می‌رسد) در این هنگام پیغمبر خطاب به رفیقش گفت: غم
 مخور که خدا با ما است. در آن وقت بود که، خداوند آرامش خود
 را بهره او ساخت، و ابوبکر نیز از این پرتو الطاف، آرام گرفت، و
 خداوند به وسیله سپاهسانی از فرشتگان به پیغمبر خود یاری رساند که
 شما آنان را نمی‌دیدید، و سرانجام سخن کافران را فرو کشید و
 سخن خداوند را پیوسته بالا بوده است و بالا خواهد ماند خداوند
 گران قدر و با حکمت است. «۴۰»

﴿الأنبياء﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا يَبْنَازُ كُونِي بَزْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِنِّي هَيَمَ ﴿٦٨﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٦٩﴾

گفتند اگر می خواهید با خیال آسوده زندگی کنید، ابراهیم را بسوزانید و به این کار، خدایان خود را نصرت و یاری دهید «۶۸» وقتی آنان آتش را بر افروختند و ابراهیم را، در آن انداختند، ما به آتش دستور دادیم و گفتیم. ای آتش سرد شو، و بر ابراهیم آرامش بخش باش «۶۹» آنان خواستند با نیرنگ خطرناکی ابراهیم را نابود سازند، ولی ما ایشان را نابود ساختیم، چرا که نیرنگشان نگرفت، و حتی باعث ذلت نمرود و نمرودیان گردید. «۷۰»

خشنودی خدا از ما، منتهای آرزوهاست

﴿الشعراء﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْجَنَّةَ بِالْصَّلَاحِينَ ﴿٦٧﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٦٩﴾ وَأَغْفِرْ لَأَيِّ إِنْسَانٍ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٧٠﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٧١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٧٢﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٧٣﴾

ابراهیم دست دعا به درگاه خدا برداشت و گفت: پروردگارا! به من کمال معرفت و مرحمت عطا بفرما تا در پرتو آن حق را حق و باطل را باطل بیسم، و قدرت، بر داوری صحیح در میان بندگان

داشته باشیم، و مرا در دنیا و آخرت از زمره شایسته گان و بایسته گان گردان» ۸۳ و با توفیق در طاعت و عبادت و اعمال نیک، برای من ذکر خیر و نام نیک در میان آیندگان بر جای دار» ۸۴ و مرا از جمله کسانی قرار ده که بهشت پر نعمت را بدست میآورند» ۸۵ و پدرم را با رهنمود به ایمان و توفیق در طاعت و عبادات، مورد مرحمت و مشمول مغفرت گردان، و بدین وسیله او را که از گمراهان است پیامرز» ۸۶ و مرا خوار و رسوا مدار در روزی که مردمان برای حساب و کتاب و سزا و جزا زنده، و برانگیخته می شوند» ۸۷ آن روزی که نه مال به فریاد انسان می رسد و نه اولاد» ۸۸ بلکه تنها کسی، در آن روز نجات میابد که با دلی سالم، و خالی از کفر و نفاق و ریا، به پیشگاه خدای خویش آمده باشد. «۸۹»

سرچشمه روزی ما، در آسمان است

﴿المائدة﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ۖ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْفِئَ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَعَلَيْهَا مِنَ الشَّهَادِينَ ﴿٢﴾ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ ۖ وَآرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣﴾

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُرِّلَهَا عَلَيْكُمْ^{۱۱۲} فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَلَيَّ أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٣﴾

و بیاد آر آنگاه که حواریون به عیسی گفتند: ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگار تو می تواند سفره ای از آسمان برای ما فرو فرستد، و با پذیرش این درخواست از تو، بر ما منت نهد؟ عیسی بدیشان گفت: اگر مؤمن به خدا هستید، از خدا بترسید و مطیع اوامر و نواهی او باشید، و درخواستهای نابجا و ناروا نکنید «۱۱۲» گفتند: می خواهیم، به عنوان تبرک از آن خوان چیزی را بخوریم و دلهایمان با زیادت یقین به قدرت رب العالمین آرامش یابد، و به عین یقین، بدانیم که تو در رسالت خود به ما راست گفته ای، و با تبدیل استدلالات نظری به مشاهدات تجربی و بصری و سوسه ها از زوایای دلها زدوده شود، و در پیش آنان که چنین معجزه ای را نمی بینند جزو گواهان بر آن باشیم «۱۱۳» وقتی عیسی پسر مریم دید که درخواست ایشان برای اطمینان، بیشتر است تا امتحان و شک در قدرت خدا، درخواست ایشان را پذیرفت و گفت: آفریدگار! و پروردگار! خوانی از آسمان (برای ما بندگان فرو فرست تا جشنی برای ما، مؤمنان شود و معجزه ای از جانب تو بر صدق نبوت من باشد، و به ما برای همیشه روزی رسان که تو بهترین روزی دهندگانی «۱۱۴» خداوند دعای عیسی را پذیرفت و بدو گفت: من آن را برای شما فرو می فرستم، ولی هر کس از شما از آن بپزد، اگر

کافر شود و راه الحاد و انکار بیماید، او را چنان مجازات می‌کنم که کسی دیگر از جهانیان را بدانگونه، مجازات نکرده باشم. «۱۱۵»

نگران نباشید که خدا نگهدار شما است

به هنگام سوار شدن بر هر گونه وسیله نقلیه برای سلامتی خودت، و همراهانت، این دعا را بخوان

(هود) وَقَالَ أَزْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ نَجْرُهَا وَمُرْسَلَهَا إِنَّ نَبِيَّ لَفُفُورٌ رَحِيمٌ



نوح خطاب به خاندان و بستگان با ایمان خود و سایر مؤمنان گفت: سوار کشتی شوید و نرسید که حرکت و توقف آن، با یاری خدا و حفظ و عنایت الله است، و به هنگام ورود به کشتی و حرکت آن، و در وقت لنگر انداختن و خروج از آن نام خدا را بر زبان رانید، و از حضرت باری بطلبید و از او آمرزش گناهان خود را بخواهید و بدانید که پروردگار من بسیار آمرزنده و بسی مهربان است. «۴۱»

و در صورت پدید آمدن هر گونه بلایای طبیعی مانند سیل و طوفان، این آیه را بر زبان آرید:

وَقِيلَ يَتَّزِضُ آبُلَيْ مَاءِكِ وَيَسْمَاءُ أَقْلِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ

وَأَسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

پس از هلاک کافران، گفته شد: که ای آب خود را فرو خور، و ای آسمان از باریدن بایست، آنگاه به دستور خدا، آبها از میان برده

شد، و فرمان اجرا گردید و کار به انجام رسید و کشتی بر کوه جودی پهلوی گرفت، و در این وقت بود که، گفته شد: نابود باد گروه ستمگران «۴۴»

و به هنگام پیاده شدن از مرکبه، بگویند:

قِيلَ يٰ نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ ؕ وَأُمَّمٌ سَنُنَفِّسُهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٥﴾

و پس از آنکه طوفان همه جا را ویران کرد، به زبان وحی به نوح گفته شد: ای نوح از کشتی پیاده شو، و بدان که تو و همراهانت از امنیت ما برخوردارید و از قحطیها و بیماریها و سایر بلاها سالم و برکنارید درهای برکات خدا به روی تو و همراهانت گشوده است اما، بعدها، ملتها و گروههای دیگری از نسل شما پدید میآیند، که آنان از نعمتها و خوشیها برخوردار می کنیم، ولی ایشان در غرور و غفلت فرو میروند، آنگاه عذاب دردناکی بدانان میرسد. «۴۸»

ایمان راستین

﴿الأنعام﴾ وَكَذَٰلِكَ نُزَيِّرُ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٦٦﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ الأَقْمَرَ بَارِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٦٨﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ الشَّمْسَ

بَارِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يُقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٥﴾ إِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ لِذِي فِطْرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا ۖ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٦﴾

و همانگونه که گمراهی قوم ابراهیم را در امر پرستش بتها برای او اشکار ساختیم، همانگونه هم ملک عظیم آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم، تا از زمره باورمندان راستین شود. «۷۵» (از جمله) هنگامی که شب او را در بر گرفت و تاریکی شب را همه جا را پوشاند ستاره‌ای درخشان، را دید و گفت: این خدای من است، اما هنگامی که غروب کرد گفت من غروب کنندگان را دوست نمی‌دارم «۷۶» و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است ولی هنگامی که آن هم غروب کرد گفت: اگر پروردگار مرا راهنمایی نکند، بدون شک از زمره قوم گمراه، و جمعیت سرگشته در وادی کفر و ضلال، خواهم بود «۷۷» و هنگامی که خورشید را در حال طلوع (در کرانه افق) دید، باز گفت: این پروردگار من است (چرا که) این بزرگتر است، اما هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من، بیگمان من از آنچه شریک برای خدا قرار می‌دهد، بیزارم «۷۸» و بیگمان روبه کسی می‌کنم که آسمانها و زمین را، آفریده است، و به راهی می‌روم که بدور از هرگونه گمراهی و انحراف باشد، و بدون شک من از زمره مشرکان

بهترین رهنمود همانا خدا است

﴿الأعراف﴾ وَتَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍٍّ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ^ط
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَن هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ
جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ^ط وَتُودُوا أَن يَتْلُوهُمُ الْآخِزَةُ أَوْ يُرْسِلُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ



و برکنندیم آنچه از بغض و کینه که در دنیای فانی، در دل و درون آنها ریشه دوانده بود تا برادروار در کمال صفا و صمیمیت در بهشت جاویدان وقت بسر برند، و به شکرانه این نعمت آنان می گویند: خدائی را سپاس گزاریم که ما را بدین نعت جاویدان و بی پایان رهنمود فرمود، و اگر لطف خدا نبود و توسط پیغمبران ما را رهنمود نمی نمود هرگز هدایت او را به چنگ نمی آوردیم واقعاً پیغمبران پروردگارمان حق آوردند و حق گفتند. در اینجا از سوی فرشتگان، ندا داده می شود که این بهشت از آن شما است و این همان بهشتی است که در جهان به شما وعده داده شده بود، و هم اینک آن را بخاطر اعمالی بایسته و کردارهای شایسته ای که انجام داده اید به ارث می برید ﴿۴۳﴾

تنها از خدا یاری و مدد بطلبید

﴿یوسف﴾ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنهَا حَيْثُ يَشَاءُ^ع
نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ^ط وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٠﴾

و بدین منوال یوسف را در سرزمین مصر بالا بردیم و جاه و جلال و نعمت و قدرت دادیم، آنجا هر کجا که میخواست منزل می‌گزید و هر گونه که می‌خواست دخل و تصرف می‌کرد.

آری ما نعمت خود را به هر کس که بخواهیم، و شایسته‌اش بدانیم می‌بخشیم، و هر گز پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانیم.

«۵۶»

﴿الکھف﴾ وَیَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِی الْقَرْنَیْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَیْكُمْ مِمَّنْهُ ذِکْرًا

﴿۵۷﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِی الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ سَبَبًا ﴿۵۸﴾ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿۵۹﴾

ای پیغمبر، برخی از مردم، از تو در باره سرگذشت ذوالقرنین سؤال می‌کنند؟ در جواب بگو: گوشه‌ای از سرگذشت او را برایتان بازگو خواهم کرد. «۸۳» ما به او در سرزمین، قدرت و حکومت دادیم، و وسائل هر چیزی را، که برای رسیدن بدان، تلاش می‌کرد، در اختیارش نهادیم «۸۴» او هم سبب را پیگیری کرد، و از آن وسائل به طور شایسته‌ای استفاده نمود «۸۵».

بار امانت

﴿الأحزاب﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ

فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۰﴾

ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و کوهها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم و انجام وظیفه اختیاری همراه با

مسئولیت، و انجام وظیفه اجباری بدون مسئولیت را بدیشان پیشنهاد کردیم جملگی آنها اجبار را، بر اختیار برتری دادند و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال اینکه انسان (این عجبویه جهان) زیر بار آن رفت و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. اما برخی از آنان هنوز پی به ارزش وجودی خود نبرده‌اند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند. واقعاً آنان ستمگر و نادانند» (۷۲)

حتمی بودن پیروزی مؤمنان

«القمر» أَمْ يَقُولُونَ كُلِّجٍ مِّنْصِرٍّ ﴿٧٢﴾ سَيَرْجَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٧٣﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذَىٰ وَأَمْرٌ ﴿٧٤﴾

یا ممکن است بگویند: ما جمعیت متحد و نیرومند شکست‌ناپذیری هستیم و همدیگر را یاری می‌دهیم و از دشمنان خود انتقام می‌گیریم «۴۴» جمعیت ایشان به زودی شکست می‌خورند و از میدان کارزار می‌گریزند و حتماً خواهند گریخت «۴۵» و بعد از آن، موعدشان قیامت است و قیامت، بلای آن عظیم‌تر و تلخ‌تر از کشتن و اسارت در این جهان، برای ایشان است «۴۶»

امید بخشیدن به بیماران

«الفتح» لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَقُولُ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٧٥﴾

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست اگر در جهاد شرکت نکنند، پس هر کس از خدا و فرستاده‌اش فرمانبرداری کند، خدا او را به باغهای بهشت وارد می‌سازد، بهشتی که رودبارها در زیر کاخها و درختان آن روان است، و هر کس سرپیچی کند، خدا او را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازد» (۱۷)

از آداب حضور در مجالس

﴿المجادله﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِذَا قِيْلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوْا فِى الْمَجٰلِسِ فَلَفَسَحُوْا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ ۖ وَاِذَا قِيْلَ اَنْشُرُوْا فَاَنْشُرُوْا يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ اٰوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۱۱﴾

ای مؤمنان، هنگامی که در مجالس حضور پیدا می‌کنید، اگر به شما گفته شد: جای باز کنید! جای باز کنید! تا خدا نیز در کارهای شما گشایش دهد، و اگر به شما گفته شد: برخیزید، برخیزید. اگر چنین کنید، خداوند، به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و بهره‌ای از علم برده‌اند درجات بزرگی می‌بخشد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (۱۱)

توان انسان که محدود است

﴿المائدة﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوا اِلَيْهِ الْوَسِيْلَةَ وَجْهَدُوْا

فِى سَبِيْلِهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُوْنَ ﴿۱۰﴾

ای مؤمنان! از خدا بترسید (و از او امر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و همراهی با نیکان و مردان خدا است، و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید) «۳۵»

مژدهات باد مؤمن، که درگاه رحمت باز است

«النساء» إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ، وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۳۵﴾

بیگمان خداوند شرک ورزیدن به خود را، از هر کسی نمیآمرزد، ولی پائین تر از آن از هر کس که بخواهد، و صلاح بداند میبخشد. پس هر که برای خدا انباز قرار دهد، به راستی او از راه راست منحرف گشته است، و خیلی از حق و حقیقت پرت شده است «۱۱۶»

ماهیت انسان در نیایشهای او تجلی می کند

«الفرقان» قُلْ مَا يَعْبُؤُنَا بِكُرْبِ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿۳۶﴾

بگو: اگر پرستش و دعاهای شما نباشد، پروردگار من، اعتنائی به شما ندارد و برایتان هیچ ارزشی قائل نیست، چرا که این تنها بندگان مخلص خدا هستند که بوسیله نیایشها و عبادتشان رضایت و خشنودی او را بدست خواهند آورد، اما شما کافران رسالت آسمانی

را تکذیب می کنید، و در نتیجه آن، سزای کفر و عصیان خود را خواهید دید» (۷۷)

توکل بر خدا

(یونس) فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

﴿۸۵﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۸۶﴾

پس مؤمنان گفتند: توکل ما، تنها بر خدا است. پروردگارا! ما را، وسیله آزمون مردمان ستمکار، قرار مده که ما تاب و توان شکنجه ستمکاران را نداریم» (۸۵) و ما را با فضل و رحمت خود از دست مردمان کافر نجات بده» (۸۶)

یا شافی

(اسراء) وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ

الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿۸۷﴾

ما آیاتی از قرآن فرو می فرستیم که مایه ی شفا بخشیدن به بیماران و پاک سازی درونها از کثافات هوی و هوس و تباهی و گمراهی است و بر مؤمنان رحمت است ولی بر ستمگران (کافر به سبب ستیز نور حق و داشتن روح طغیان جز زیان نمی افزاید» (۸۷).

خود را در پناه خدا قرار دهید

(یس) إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُتَصَرُّونَ ﴿٩﴾

ما به گردنهای ایشان غلهائی گذاشته ایم که تا چانه هایشان می رسد و سرهای ایشان بر اثر آن رو به بالا نگاه داشته می شود بنابر این نه می توانند به زیر پاهای خود بنگرند و نه می توانند سرهایشان را به این سو و آن سو حرکت دهند. «۸»

ما در پیش روی آنان سدی و در پشت سرهایشان سدی قرار داده ایم (لذا مانند کسانی می مانند که در میان دو سد گیر کرده باشند و پیش رو و پشت سر خود را مشاهده نکنند). و بدین وسیله جلو چشمان ایشان را گرفته ایم و دیگر نمی بینند. «۹»

خدا را فراموش مکن

(القمر) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٠﴾

ما جهت یادآوری، برای انسانها، قرآن را آسان نموده ایم، آیا پند پذیرنده و عبرت گیرنده ای هست؟ «۴۰»

جهت ترجمه آیه های قرآن کریم در این کتاب از ترجمه کتاب تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل استفاده شده است.

